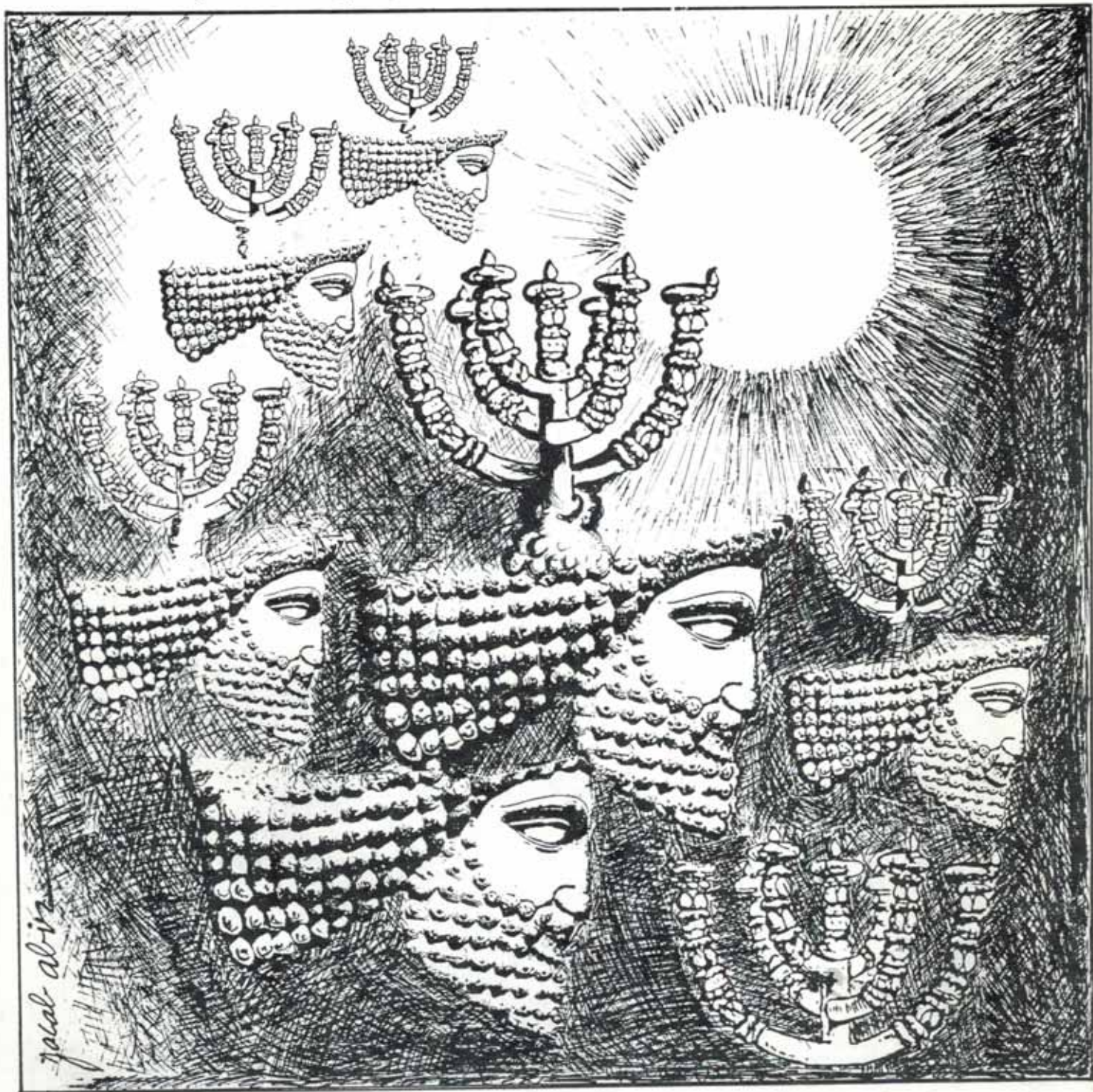


شופار
شوفار
SHOFAR

فدراسیون یهودیان ایرانی

Iranian Jewish Federation

نشریه شوفار، سال سیزدهم، شماره ۸۶، طوت ۵۷۵۵، دسامبر ۱۹۹۴، آذر ۱۳۷۳



total abiz

سام امیر ابراهیمی

با ده سال تجربه در امور مالی و سرمایه گذاری

و خدمت به هموطنان خود

همکاری خود را با شرکت معتبر مالی

PaineWebber

در سمت معاون ارشد مالی در امور سرمایه گذاری

Senior Vice President - Investment

اعلام میدارد

PaineWebber با بیش از یکصد سال سابقه خدمت به سرمایه گذاران بزرگ و کوچک

همه روزه میتوانید از طریق برنامه رادیویی گلهای بامدادی بین ساعت ۹ تا ۱۰ صبح از رادیو ۲۴ ساعته صدای ایران و برنامه تلویزیونی همراه با آقای ثابت ایمانی (کانال ۶۲) بین ساعت ۸ تا ۸:۳۰ بامداد با آخرین گزارشهای اقتصادی روز توجه فرمائید.

برای آشنائی با چگونگی سرمایه گذاری در امریکا و جهان، هر چهارشنبه از ساعت ۷ تا ۹ بعدازظهر سمینارهای رایگان به زبان فارسی در محل شرکت به نشانی زیر برگزار میگردد:

131 S. Rodeo Drive, Suite 200
Beverly Hills, CA 90212

برای رزرو جا با دفتر ما با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

(310) 281 - 3801

(800) 545 - 8914

مهندس عبیر استاد دانشکده معماری
دانشگاه ملی

طرح و نظارت:

ساختمان های اداری، فروشگاه، رستوران، هتل،
منازل و محوطه سازی تلفن: ۴۷۰۹۲۲۸ (۳۱۰)



J. A. JACOB ABIR, ASID
ARCHITECTURAL INTERIOR DESIGNER
10717 Wilshire Boulevard, Suite 203
Los Angeles, California 90024
[310]470-9228



مهندس سیاوش میر سپاسی



مهندس یوسف اشتیاق پور

Attention اطلاعیہ

SHORT PAY OFF * PRINCIPAL REDUCTION

کم کردن اصل وام

LOAN WORK OUT SPECIALISTS

جهت کم کردن اصل وام برای

صاحبان منازل آپارتمان بیلدینگ و املاک تجاری

Los Angeles

(310)474-9800

Encino

(818)905-8393



Real Estate Broker
CA Dep. of Real Estate



اگر چنانچه شما هم اکنون مشکل پرداخت وام خودتان را به هر دلیلی دارید
و یا ارزش ملک شما کمتر یا برابر وام آن میباشد و یا حتی اگر در پرداخت اقساط خود عقب افتاده اید
لطفا در اسرع وقت با دفتر ما تماس بگیرید

این شرکت با سالها سابقه و شناسائی اکثر بانکها و موسسات وام در آمریکا
قاطعانه میتواند جهت عقب افتادگی اقساط ماهیانه، کم کردن اقساط ماهیانه
و یا کم کردن اصل وام و با هر شرایط مناسب دیگری برای شما اقدام نماید.

16661 Ventura Blvd., Suite 308 Encino, CA 91436

SHOFAR

Published by:

Iranian Jewish Federation

6505 Wilshire Blvd., Suite 811

Los Angeles, CA 90048

Tel: (213) 655- 7730

Fax: (213) 655- 1221

شوفار

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیر انتفاعی منتشر میشود. هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ ایران زمین در میان یهودیان ایرانی است

• نویسندگانی که نوشته هایشان در این نشریه به چاپ میرسد همگی قلم خود را برایگان در اختیار شما گذاشته اند.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده یا منبع خبری چاپ میشود در محدوده مسئولیت نویسنده یا منبع خبری مربوطه است.

• نقل و اقتباس از شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

شورای نویسندگان

سیون ابراهیمی - سردبیر

الیاس اسحاقیان - مدیر داخلی

دکترهوشنگ ابرامی - شکوه درویش

نینا استوار - فرزانه طالعی

گیتی بروخیم - سام کرمانیان

دکتر باروخ بروخیم - گیتا کروبیان

نوراله خرازی - دکتر فریدون نصرتی

ابراهیم ویکتوری

طرح ها از: مهندس جیکوب عبیر

خبرنگار عکاس: منصور پوراتحاد

بهای درج یک نوبت آگهی

تمام صفحه (داخل) ۲۰۰ دلار

نصف صفحه ۱۲۵ دلار

یک سوم صفحه ۱۰۰ دلار

یک چهارم صفحه ۷۰ دلار



پیش گفتار

به نشریات پراکنده بر روی میز نظر میاندازم. این روزها بیشتر از هر جای دیگر دنیا، خاورمیانه و در قلب آن مسائل موجود میان اسرائیل و همسایگانش، خبرزا است.

... توریستهای اسرائیل گروه گروه به اردن میروند و اگر برای هیچ چیز دیگر هم نباشد، بخاطر رونقی که به کسب و کار دکانداران اردنی میدهند، محبوبیتی بسیار دارند.

... حماس هجومی ناجوانمردانه را به مراکز غیرنظامی - زنان و مردان و کودکان یهودی آغاز کرده است و کشتار است و ریختن خون و جنگ طلبی.

... کسبه سوریه که از رونق بازار اردنی ها خبردار شده اند، سروصدایشان بلند شده که: «ببندید این قرارداد صلح را و بگذارید اسرائیلیان ببینند شاید کار و بار ما هم بهبود پیدا کند».

... تصویر پیرمرد و پیرزنی که دست بر شانه هم انداخته اند و غمی سنگین درته چشمهایشان موج میزند. زیر عکس را میخوانم: «پدر و مادر جوانی که تروریستهای حزب اله تیر بارانش کرده اند» و گفته مادر او که: «اگر من و همسرم مؤمن باین نبودیم که هر انسانی بمنظوری خلق شده، تاکنون کارمان به تیمارستان کشیده شده بود. در کل کائنات، فرزند ما رسالتی داشته که با خون خود آنرا به انجام رسانده»، و ادامه میدهد: «چه رسالتی؟ این را تنها خدا میداند».

... دیوید لیبانی، وزیر دادگستری اسرائیل با نخست وزیر شیمعون پرز برای دادن آزادیهای بیشتر و بیشتر به فلسطینی ها و جلوگیری از تبعید آنان به خارج از اسرائیل، بدلیل غیر دمکراتیک بودن نفس چنین اعمالی، درگیری دارد.

... جانشین مصطفی کمال آتاتورک، خانم تانچوپیلر، هم از ترس بنیادگرایان اسلامی و هم بخاطر آنکه میدانند رابطه با اسرائیل چه شمراتی میتواند برای سرزمینش داشته باشد، برای ایجاد رابطه نزدیکتر با اسرائیل در تلاش است ...

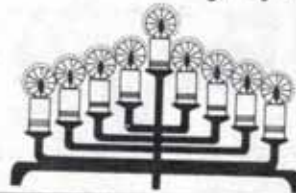


روزولت میخواستند تا برای نجات جان ده هزار یهودی، ده هزار تراکتور به هیتلر بدهد و روزولت به آنان اجازه دیدار نداد. اما، امروز، به یمن وجود مملکتی که از یهودیان جهان پاسداری میکند براحتی میتوانیم در اسرع وقت به دیدار هر مقام دولتی برویم».

و در مجموعه این خبرها تنها یک پیام نهفته است، و آن اینکه خلق یهود تنها به اعتبار همبستگی و پشتیبانی از یکدیگر و اعتقاد به عهدی که با خداوند خود دارد، میتواند پایدار بماند. همانسان که رزم آوران مکابی مبارزه کردند و با تعدادی اندک ولی نیروی به بزرگی ایمانشان، چون جواهری بر تاج افتخار یهودیت نشستند. حنوکا بر همه شما مبارک باد.

... استر دلیل، بانوی یهودی کانادایی که تاریخ نگار است دست به تحقیقاتی زده که نشان میدهد سیاستمداران فرانسوی الاصل کانادایی در زمان فاجعه کشتار یهودیان توسط هیتلر، مخفیانه با نازی ها همکاری داشته اند.

و بالاخره، در گفتگویی که در بخش انگلیسی این شماره، شوفار با خانم ریتا سیندر، رئیس «سازمان همبستگی زنان برای اسرائیل» انجام گرفته (و ما خواندن آنرا به همه خوانندگان خود و بویژه جوانانمان توصیه میکنیم)، خانم سیندر که خود از نجات یافتگان از هالوکاست است میگوید: «طی جنگ جهانی دوم پنجاه راو یهودی جلوی کنگره امریکا ایستادند و درخواست دیدار با رئیس جمهور وقت فرانکلین روزولت را نمودند. آنها از



تلفن ۲۴ ساعته

(310) 858-1234

9301 Wilshire Blvd, Suite 409
(at Rexford)
Beverly Hills, CA 90210

دکتر جیکوب اسحق اف

دندانپزشک

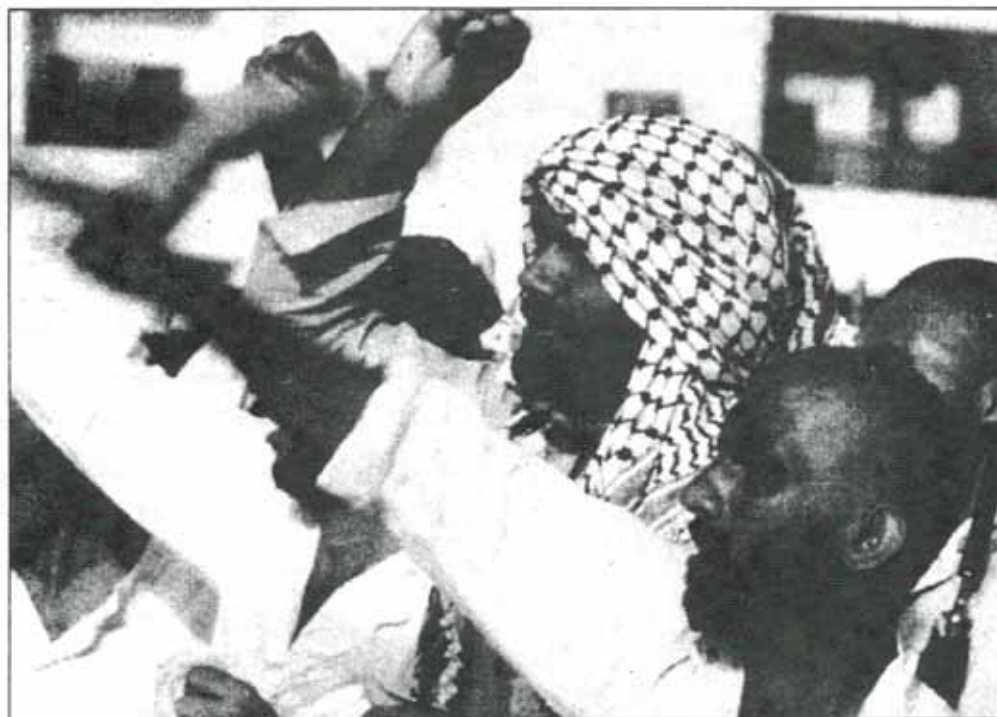
استادیار دانشکده دندانپزشکی U.C.L.A.

دندانپزشک کودکان و بزرگسالان



- روت کانال
- روکش چینی و دندان های مصنوعی ثابت و متحرک
- زیبایی دندان ها با بایندینگ
- جلوگیری از پوسیدگی دندان ها
- جلوگیری از بیماری های لثه
- جراحی دهان و دندان
- قبول اورژانس های دندانپزشکی

چهره های بنیاد گرائی



اولین کشور سنی مذهب منطقه که احساسات تندروی بر آن مسلط شده در آمد، مواردی است که میتوان ذکر کرد.

آنچه که پیش آمد در دهه سالهای ۸۰ بود ولی امروزه آنچه را که می بینم شکست و عقب نشینی نیروهای تندرو است. سودان که همیشه کشور فقیری بوده اکنون ورشکسته است و پس از پنج سال حکومت اسلامی هنوز در یک جنگ داخلی وحشیانه و پر خرج درگیر است. خرطوم که از لحاظ اقتصادی منزوی شده بود، هنگامیکه در سال ۱۹۹۳ واشنگتن آن را در لیست کوتاه کشورهای حامی تروریسم بین المللی قرار داد بصورت یک مطرود سیاسی در آمده است. در ایران، تندروهای اسلامی در خلا، سیاسی که پس از مرگ آیت اله خمینی بوجود آمد با هم در حال مبارزه هستند. افغانستان در یک جنگ داخلی بین مبارزان

در آستانه دهه سالهای ۸۰ پیدا شدن احساسات بنیاد گرایانه اسلامی، تکان شدیدی در کشورهای خاورمیانه بوجود آورد.

به قدرت رسیدن آیت اله روح اله خمینی در سال ۱۹۷۹ در ایران، اشغال مقدس ترین مکان مذهبی در مکه در همان سال، کشته شدن انورسادات رئیس جمهوری مصر پس از امضای قرار داد کمپ دیوید، حمله حزب اله با اتومبیل حامل بمب به سفارت امریکا در بیروت، اخراج شورویها از افغانستان بوسیله سعودی ها و مجاهدین افغانی که توسط امریکا مسلح شده بودند، رشد نهضت مقاومت اسلامی یا حماس در مناطق اشغالی اسرائیل، پیروزی جبهه نجات اسلامی در الجزایر، و کودتای نظامی در سودان که اخوان المسلمین حسن الترابی را بر روی کار آورد و سودان را بصورت

اسلامی به دام افتاده است.

حمله صدام حسین، نهضت های تندرو اسلامی را وادار کرد تا بین حامیان معمولی خود مانند عربستان و امارات خلیج فارس و صدام حسین که طرفداران زیادی بین اعضای نهضت های مزبور داشت یکی را انتخاب کنند.

علاوه براین، قدرت چشم گیر نظامی امریکا در جنگ خلیج فارس نشان داد که امریکا آماده است از دسترسی خویش به منابع نفت و منافع حیاتی خود دفاع کند. فروپاشی اتحاد شوروی سابق و پیروزی امریکا در جنگ خلیج فارس منجر به آن شد که مذاکرات صلح با ابتکار امریکا در سال ۱۹۹۱ در مادرید شروع شود که سرانجام دو سال بعد اسرائیل و سازمان آزادی بخش فلسطین یک قرارداد صلح را در واشنگتن امضاء کنند. اکنون اردن قرارداد رسمی صلح را امضاء کرده است و سوریه خیلی از امضای یک قرارداد دور نیست. شکست بنیادگرایی اسلامی در سالهای ۱۹۹۰ آنقدر گسترده و سریع است که دانشمند فرانسوی بنام اولیور روی آن را «شکست اسلام» نام داده و فوآد عجمی یک تحلیل گر شناخته شده امریکائی از تبار لبنائی که شکست ناسیونالیسم عرب را چهار سال پیش در این مجله اعلام نمود اکنون به این نتیجه رسیده که هزاره پان اسلامیسیم و دهه اسلامی پایان رسیده است.

با وجود این پیش بینی ها، ممکن است اعلام پایان نهضت های تندرو و مبارزه جوی اسلامی خیلی زود باشد. با توجه به جاذبه اسلام برای جوانان مسلمان و فقدان هرگونه ایدئولوژی جایگزین داخلی برای آن، ممکن است گفته شود که شکست تندروهای اسلامی یک امر موقتی باشد. در الجزایر افراطیون اسلامی ممکن است قدرت دولت را بطور کامل بدست آورند. در مصر دولت گرفتار فشارهای اقتصادی و سیاسی است. وامهای خارجی کشور از حد معقول خیلی بیشتر شده و از لحاظ سیاسی در موقعیت ضعیفی قرار دارد و بیکاری بشدت در حال افزایش است. با اینکه امریکا در دو نوبت توانست نیروهای بین المللی را برای مواجهه با صدام حسین، یک دیکتاتور غیر مذهبی، که اسلام آوردن او در آخرین لحظات باعث

فریب عده ای از مردم شد، تجهیز کند هنوز معلوم نیست که از لحاظ نظامی، اخلاقی و خواست ملی بتواند بار دیگر برای فرونشاندن انقلاب اسلامی در قاهره و با سرکوبی یک کودتای ضد غربی بوسیله افراطیون اسلامی در عربستان سعودی به قدرت نظامی متوسل شود.

در خاورمیانه دو نفر از سیاستمداران فعلی کوشش دارند که با خطرات احتمالی چنین اقدامی مواجه شوند و البته هر یک راه حل‌های خود را دارند ولی هر دو بر روی جاذبه نهضت های اسلامی در کشورهای عرب بسیار حساب می کنند. در سودان حسن الترابی و در لبنان شیخ محمد حسین فضل اله مهمترین رهبران این نهضت ها بمعنای واقعی کلمه هستند. هر دو این رهبران نهضت هائی را اداره میکنند که هدف آنها در هم شکستن نظامهای اجتماعی و سیاسی موجود در عربستان سعودی، مصر و سایر کشورهای طرفدار غرب در خاورمیانه هستند. برای مقامات امریکائی و اروپائی که مشول حفظ منافع کشورهای خود در خارج هستند ذکر نام این دو مرد اتومبیل‌های حامل بمب، قتل و کشتار، جنگجویان جوان رشوئی که معتقد به انتقام جونی تاریخی هستند را بیاد می‌آورد.

در پایتخت های عربی، آنها نمایندگان مبارزان اسلامی تندروئی هستند که حکام محافظه کار از آنها میترسند ولی دعای خیر میلیونها نفر حکومت شوندهگان ناراضی، جوانان بی آینده، مردمان فقیر و غارت شدگانی را دارند که آنها را «مستضعفین» می نامند.

در دهه گذشته، این دو نفر و نهضت های آنان خود را وقف آن کردند که حکومت های اسلامی بوجود آورند تا بتوانند عدالت اسلامی و توسعه اقتصادی را بنیان نهند و اکنون در میان مردم نفوذ بسیاری بهم زده اند و بهمین دلیل خطر و تهدید آنها نسبت به آنچه تحلیل گران غربی فکر میکردند کمتر بوده است. روشنفکران عرب در سالهای دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ یا آثار ژرژ آنتوان که کتاب او بنام «رستاخیز عرب» بصورت کتاب مقدس ناسونالیسم عرب در آمده بود، سیاستمدارانی مانند جمال عبدالناصر را که طرفدار

پان عربیسم غیر مذهبی بودند مسخورد کرد. نسل امروز مسلمانان کشورهای عرب بیشتر مجذوب ترابی و فضل اله هستند تا مقلدان سرشناس دیگر. ترابی که اکنون ۶۲ سال دارد یک ایدئولوژیست سودانی تحصیل کرده غرب و ضد رفرم است که رهبری اخوان المسلمین را به عهده دارد و بعنوان مرد قدرتمند رژیم اسلامی سودان شناخته میشود که در سال ۱۹۸۹ با یک کودتای نظامی به دموکراسی نیم بند سودان پایان داد و قدرت را در کشور بدست گرفت. در سی سال گذشته، ترابی اخوان المسلمین را از یک گروه حاشیه نشین به صورت یک قدرت سیاسی نیرومند تبدیل کرده است تا آنجا که احزاب سنتی کشور مجبور بودند آن را در حکومت شرکت دهند. هنگامیکه برنامه کار اخوان المسلمین از طریق روشهای دموکراتیک متوقف شد، پیروان نهضت از سمت های خود در دولت، ارتش و سازمانهای امنیتی استفاده کرده و قدرت را بدست گرفتند.

در لبنان شیخ فضل اله که ۵۹ سال دارد و از اعقاب پیغمبر اسلام است شاعری است پرکار و بعنوان یک روحانی محقق و معتقد شیعه شناخته شده در حالیکه گروه او بنام حزب اله که مورد حمایت ایران است شانس بسیار کمی دارد که بتواند در آینده قابل پیش بینی در لبنان بحکومت برسد. در حال حاضر یک نهضت اجتماعی را تشکیل میدهد که دولت لبنان باید آن را جدی بگیرد. آدم دزدی، هواپیما ربائی و حملات با اتومبیلهای حامل بمب از طرف حزب اله در دهه ۸۰ باعث شد که امریکائیان از لبنان رانده شوند. و این حزب مهمترین مخالف اسرائیل در حاشیه امنیتی لبنان است. حزب اله تحت رهبری شیخ فضل اله نه تنها کرسیهای زیادی را در پارلمان لبنان بدست آورده است بلکه پیروان متعصب و پر حرارتی را در میان جوانان مسلمان شیعه بدست آورده است که بزرگترین گروه مذهبی را در کشوری که سالها یک اکثریت مسیحی برآن حکومت میکرد بوجود آورده اند. در ظاهر فضل اله و ترابی نقاط مشترک زیادی ندارند. فضل اله یک شیعه است که از سرزمینی که سابقاً ثروتمند شناخته می شد برخاسته و تحصیلات

کلاسیک اسلامی را در نجف که مرکز شیعه دنیای عرب شناخته میشود باتمام رسانیده و فقط به زبان عربی تکلم میکند. ترابی سنی مذهب و در سرزمین فقر زده سودان بدنیا آمده. در دانشگاه های غیر مذهبی لندن و پاریس در رشته حقوق تحصیل کرده و زبانهای انگلیسی و فرانسه را بخوبی صحبت میکند. او مردی است بلند قد، لاغر اندام و سیاه چرده. فضل اله مردی است کوتاه قد، چاق و قیافه خسته و بیماری دارد. هر دو جهان وطن هستند و بسیار مسافرت کرده اند. هر یک در فراسوی کشور خود در جریانات سیاسی دنیای عرب تأثیر گذارده اند و هر دو بر عقاید ضد غربی میلیونها جوان عرب و اعتقادات آنها درباره کشورهای خودشان و درباره جریانات صلح با اسرائیل موثر بوده اند. گرچه این دو مرد هیچگاه با هم ملاقات نکرده اند، بمن گفتند که برای یکدیگر احترام قائل هستند. آنها اکنون با هم مکاتبه دارند گرچه نمیگویند درباره چه موضوعی مکاتبه میکنند.

در بهار و تابستان گذشته با این دو در دفاتر آنها مصاحبه کردم. هر دو معتقد هستند که تنها اسلام میتواند خلا، ناشی از شکست حکومت های غرب گرایان را در کشورهای عربی و شکست ناسیونالیسم عرب و سایر ایدئولوژی های وارداتی را پر کند. ترابی غالباً مانند کارل مارکس شعار میدهد که آینده از آن ماست. هر دوی آنها سخنگویان با جاذبه ای هستند که از زیبایی و آهنگ زبان عربی در گردهمائیهای سیاسی و یا نمازهای جمعه بوسیله فضل اله استفاده میکنند. بگفته محقق اسرائیلی مارتین کریمر آنها رهبران مسلمانی هستند که فراسوی قرآن از اسلام دفاع میکنند و آن را پیش میبرند و میل دارند که از تکنیک ها و جدلهای غربی در انتقاد از غرب استفاده کنند. به عقیده کریمر آنها در مباحثه انضباط خیره کننده ای دارند. این دو مرد خیلی با اشکال عصبانی و تحریک میشوند که چند بار در طول مصاحبه ها چنین شد - معمولاً از خط ذهنی خود جدا نمیشوند و بدون کوچکترین عقب نشینی هدف خود را تعقیب میکنند. در مقابل کشانده شدن به بحث های فلسفی که ممکن است ضعف دانش اسلامی آنها را نشان دهد



مهندس زهره تمجدی
متخصص سنگهای قیمتی و جواهرات

ZOHREH TAMJIDI, M. BA.
DIAMOND CONSULTANT
&
SPECIALIST IN COLOR STONE

&
WATCHES

● ارائه گر طرحهای انحصاری و کاملاً منحصر به فرد برای خریداران

● دارای اعتبار بین المللی در خرید و فروش جواهرات به شخصیت‌های سیاسی و هنری

● با ۱۲ سال سابقه مدیریت در کمپانیهای:

FRED JOAILLIER

و

KAY JEWELERS

تلفن

(310) 472-7250

و یا آنان را در وضع غیر مطمئنی از لحاظ روشنفکری قرار دهد مقاومت میکنند. هروقت مناسب باشد از تظاهر به آنچه که نیستند خودداری نمیکنند. اگر بخواهند به سنوال حساسی جواب ندهند هیچ فشاری برای وادار کردن آنها به جوابگوئی از طریق اصرار کردن، شوخی و ترغیب و تکرار بر این دو اثر ندارد. آنها از مصاحبه با روزنامه نگاران استقبال میکنند و از کوشش ما در انتشار ایدئولوژی خود بخصوص در میان جوانانی که همه چیز را فقط از راه وسائل ارتباط جمعی میفهمند و به آنتن های ماهواره و ویدیوهای مختلف معتاد هستند خوشحال میشوند. در خارطوم، ترابی بمن گفت: «همیشه با خبرنگاران و حتی با آنهایی که مرا بد جلوه میدهند مصاحبه میکنم. وقتیکه با اینگونه خبرنگاران روبرو میشوم، چنان وانمود میکنم که نوشته آنها را نخوانده ام. اما من این نوشته ها را میخوانم ولی عکس العملی نشان نمیدهم - نه بخاطر اینکه میخواهم بر آنها غلبه کنم بلکه احساس میکنم که باید همیشه با دیگران در ارتباط باشم». تا حدودی هردوی آنها مانند خمینی درباره خود فکر میکنند. هر دو خود را نماینده انقلاب کشور و یا بگفته ترابی مظهر اسلام میدانند.

وقتی که از فضل اله پرسیدم میل دارد به چه عنوانی خطاب شود گفت با توجه به سن و تحصیلاتش میل دارد «آیت اله» خطاب شود. سنوال شد شاید مرتبت مرجع تقلید برای او مناسب تر باشد. جواب داد که بعضی اوقات عده ای او را مرجع مسائل اسلامی میدانند ولی شخصاً هنوز خود را بعنوان مرجع اعلام نکرده و با تواضع اعلام کرد که مردم باید در مورد چنین مقامی در مورد کسی که به او اعتماد دارند تصمیم بگیرند.

جایگاه هر یک از این دو فرد در نهضت هائی که اداره میکنند مستلزم تعریف دقیق است. هردوی آنها داشتن هر گونه پست و مقام رسمی را انکار میکنند. با وجود این بنظر میرسد که اخوان المسلمین و حزب اله نمیتوانستند بدون رهبری آنها به شهرت امروزی خود برسند.

بقیه در شماره آینده

دفتر حقوقی

فرید مشیان

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا

فوق تخصص در قوانین مالیاتی

- برنامه ریزی برای کاهش مالیات - تنظیم وصیت نامه و تراست (Trust)
- تنظیم تراست برای حفظ دارائی در داخل و خارج از امریکا
- امور مالیاتی - دعاوی مالیاتی با IRS - امور مربوط به مالیات شرکت ها
- امور مربوط به مسائل مالیاتی بین المللی - مسائل مالیاتی مربوط به املاک
- امور بازرگانی - تأسیس ثبت و انحلال شرکت ها در کالیفرنیا و سایر ایالات امریکا و کشورهای خارجی
- تأسیس شرکت با مسئولیت محدود

Law offices of FRED F. MASHIAN

ESTATE PLANNING

Wills
Trusts
Asset Protection Trusts
Foreign Held Trust
Probate
Conservatorship

BUSINESS PLANNING

Incorporation: California, National, and International
Partnerships
General Partnerships
Limited Partnerships
Joint Ventures
Limited Liability Companies

TAX

Audits and Tax Disputes with IRS
Corporate Tax
International Tax Planning
Tax Aspects of Real Estate Transactions

2001 Wilshire Boulevard, Suite 505, Santa Monica, California 90403 - 5640

(310) 829 - 6068

Fax: (310) 829 - 6288

وضع مناطق خودمختار



جمعیت عرب غزه برای خرید مایحتاج خود پول کافی دارند. بیکاری طبق آمار رسمی ۳۰ درصد و بطور غیر رسمی ۶۰ درصد است. در میان کارگران آماده به کار که تعداد آنان از ۱۳۰,۰۰۰ نفر تجاوز میکند. تنها به ۲۸,۰۰۰ روز کار در اسرائیل به این کارگران اجازه کار داده شده است. حال آنکه رقم مشابه این رقم سه سال قبل ۵۵,۰۰۰ روز کار بود.

در بوتیک سامیر نهبان در میدان فلسطین زنی نزدیک به دو ساعت با صاحب مغازه چانه زد تا قیمت لباسی را که میخواست بخرد از ۳۰ دلار به ۲۷ دلار کاهش دهد. فروشنده بقدری از این فروش خود راضی بود که یک قالب صابون نیز به خریدار مجانی هدیه کرد.

هر بازده مطلوبی صلح اخیر داشته، اردوگاه های پناهندگان وضع اسفباری دارد. نزدیک به دو سوم جمعیت باریکه غزه که در این اردوگاهها زندگی میکنند، چیزی از صلح دستگیرشان نشده. در اردوگاهها، شعارها همچنان بر دیوارها مانده، خاکروبه ها در کوچه ها انباشته شده و سیستم فاضلاب بند آمده و سررفته و کوچه ها و خیابانها خاکی باقی مانده است.

پس از بیش از ششماه خودمختاری درغزه، بنیادگرانی همراه با خشونت رو به افزایش بوده و نشانه های رفاه و بهبودی نایاب است.

برروی غزه گونی دارند جراحی پوست انجام میدهند. با ۴ میلیون دلار کمک دولت ژاپن و به کمک ۱۴۰۰ نفر از کارگران شهرداری، روی شعار جنگ و صلح که بر دیوارها نقش بسته مشغول رنگ مالیدن هستند.

ترافیک را پلیس فلسطین کنترل میکند و خیابانها گهگاه جارو میشود. نزدیک به ۳۰ ساختمان ۸ تا ۱۰ طبقه در مناطق طبقه متوسط نشین برای دفتر کار یا محل مسکونی در دست ساختمان است.

سینمایی برای اولین بار پس از هفت سال که از آغاز نهضت سنگ اندازی میگذرد، شروع به نمایش فیلم کرده است. کافه های ساحلی تا نیمه شب باز است و مغازه ها تا ۶ بعدازظهر. حکومت نظامی و مواجهه با نهضت سنگ اندازی به آخر رسیده است.

تا اینجا خیرهای خوب، اما خبر بد آنکه در حالیکه خودمختاری فلسطینی ها ششماه اول خود را پشت سر میگذارد، تعداد انگشت شماری از ۸۰۰,۰۰۰ نفر

اسحق بدر دانشجوی ۱۹ ساله که در جلوی یکی از تندروترین و بزرگترین اردوگاههای غزه بنام جبالیایا، جایی که نهضت سنگ اندازی در سال ۱۹۸۷ از آن آغاز گردید، با ما گفتگو میکند میگوید: «اوضاع بمزاتب دارد بدتر میشود».

جمال محمد ۲۲ ساله دانشجوی دیگری که همکلاس اسحق بدر است بمیان حرف او میدود و میگوید: «پس از پنج ماه خود مختاری، ما چیزی ملموس ندیده ایم و همه جوانها بیکارند».

بدر اسرائیل را مسئول میدانند و میگوید اسرائیل از حریم همکاری اقتصادی بزیان فلسطینی ها در مذاکرات صلح بهره میگیرد و بهمین دلیل کمکهائی را که بالغ بر ۲/۴ میلیون دلار ملل مختلف تعهد کرده اند نمی پردازند.

محمد حکومت خود مختار فلسطین و یاسر عرفات را مقصر میدانند که چرا حاضر نشده است به داوطلبان این کمک توضیحی را که آنان خواسته اند بدهد - و آن اینکه این کمکهها به چه مصرفی خواهد رسید. محمد میگوید: «حکومت خودمختار مالیات میگیرد، مالیات کسب میگیرد ولی کوچکترین قدمی برای این مالیات دهندگان برنداشته است. اگر اوضاع بزودی تغییر نکند، من براحتی نهضت سنگ اندازی دیگری را پیش بینی میکنم - این بار علیه رهبری خودمان. سنگ اندازی، آشوب و خیلی چیزهای دیگر».

در حال حاضر نشانه هائی از مبارزه ضد

عرفات بچشم نمیخورد. ولی همزمان نشانه ای از دلستنگی چندان به مذاکرات صلح نیز وجود ندارد و بنیاد گرایان در این میان از وضع موجود بهره میگیرند و فعالیتهای تروریستی خود را - بویژه گروه حماس - گسترش میدهند. بی لیاقتی حکومت عرفات باعث جذب اهالی غزه به گروه مزبور میگردد. آون شاوا، اقتصاد دان ۶۰ ساله ایکه بعنوان شهردار غزه از ماه جولای تاکنون بر سر کار است هشدار میدهد: «اگر مردم نتوانند برای خانواده خود تامین معاش کنند، طبعاً برآشفته خواهند شد و کل روند مذاکرات صلح را زیر سؤال خواهند برد». شاوا که از پشتیبانان الفتح و از سرمایه داران بنام غزه است خوش بینانه ادامه میدهد: «من مطمئن هستم که علیرغم تأخیری که تاکنون بوجود آمده، جامعه بین المللی تعهدی را که قبلاً برای پرداخت کمک بما نموده است بزودی انجام خواهد داد. مادام که مردم بدانند که ما حداکثر کوشش خود را برای دستیابی باین کمکهها مینمائیم، من تصور نمیکنم نهضت سنگ اندازی دیگری بوجود بیآید. این تصور نباید وجود داشته باشد که حکومت خودمختار فلسطین وجوهی دریافت میکند و در اختیار کسی قرار نمیدهد».

شهردار ضمن ابراز گله از فلسطینی هائی که در خارج از سرزمین خود زندگی می کنند ولی در غزه سرمایه گذاری نمیکنند میگوید: «اما این موضوع قابل فهم است. بالاخره کاسبی، کاسبی است و همه کس پول خود را حاضر نیست به خطر بیاندازد». اما سعید

گیتا کروبیان

وکیل رسمی دادگستری امریکا

GUITTA KARUBIAN
ATTORNEY AT LAW

(310) 858-6464



* Attorney at Law
* Real Estate Broker

صددرصد برنده بودن در تمام دعاوی، با بیش از ۱۹ سال سابقه و تخصص در

املاک * مهاجرت * امور تجاری

با توجه شخصی به هر مورد

مدلل مسئول امور استخدامی حکومت خود مختار فلسطین، بی آنکه رعایت احتیاط سیاسی کند میگوید: «فلسطینی های بیرون از سرزمین خود، حاضر به قمار نیستند چرا که انسانهای ترسوئی هستند».

معهدا، شاوا و مدلل هردو تأکید می کنند که ولو اینکه کمکهای مالی مورد نیاز دولت خود مختار هم بدست آنها برسد، باز هم نیاز عمده کارگران فلسطینی دستیابی آنان به بازار کاری است که در صنایع ساختمانی و کشاورزی اسرائیل وجود دارد.

بهر تقدیر، برای بیشتر فلسطینیان اسرائیل بصورت یک دشمن باقی مانده است و معتقدند که جلوگیری از دادن کار بکارگران فلسطینی از سوی اسرائیل بدلائل امنیتی تنها یک بهانه است. آنها درمورد ناچیز بودن صادرات غزه به اسرائیل سخن میگویند. نسبت به حضور ۶۰۰۰ اسرائیلی در سرزمین خود و مالکیت مجموعه هائی که صدها سرباز اسرائیلی از آن پاسداری میکنند بیش از حد عصبانی هستند.

دیاب الوح، سخنگوی الفتح و زندانی پیشین اسرائیل میگوید: «حضور ساکنان اسرائیلی مسلح برای فلسطینی ها توهین آمیز است و این معنی را تداعی میکند که هنوز زیر سلطه اسرائیل بسر میبرند».

اما چگونه کشتار سربازان و ساکنان این مجموعه ها توسط تروریست های فلسطینی قابل توجیه است، آنها در شرایطی که پلیس فلسطین مسئولیت حفاظت از ساکنان این مجموعه ها را تقبل کرده است؟ برای فعالیتهای تروریست های فلسطین درداخل خاک اسرائیل چه بهانه ای وجود دارد؟

سخنگوی الفتح پاسخ میدهد که حکومت خود مختار فلسطین به تعهدات خود پای بند مانده، خواستار صلح است، عملیات خشونت آمیز را محکوم کرده و نهایت سعی خود را بعمل آورده تا از حمله به اسرائیل جلوگیری بعمل آید. وی پیشنهاد میکند که پلیس فلسطین و اسرائیل در این باره با هم همکاری داشته باشند. اما اسرائیلی ها نیز مجموعه های خود را رها کرده همراه با سربازان خود از پاریکه غزه خارج شوند.

پیشنهادی که تا آخرین مرحله خاتمه مذاکرات

صلح از طرف اسحق رابین قابل قبول نمیتواند باشد - مخصوصاً که فکر تخلیه گولان نیز پایه های حکومت او را به لرزه انداخته بخصوص مادام که تروریست های مقیم غزه تا اعماق اسرائیل رسوخ کرده خون انسانهای بی گناه را به زمین میریزند.

از لحاظ داخلی، گروههای فلسطینی طرفدار حقوق بشر نسبت به ظلم هائی که از طرف حکومت خودمختار میشود فریاد اعتراض خود را بلند کرده اند. اینها میگویند: «اگر حکومت خودمختار فلسطین حق سانسور دارد، چرا حداقل به روزنامه نگاران دستورالعملی نمیدهد که چه چیز را حق دارند بنویسند و چه چیز را حق ندارند؟ اگر بازپرسان فلسطینی بناست به افرادی که بازداشت میکنند شکنجه بدهند، آیا حکومت خود مختار از این بابت حدی تعیین کرده است؟»

راجی سورانی که بمدت چهار سال ریاست مرکز حقوق بشر در غزه را عهده دار بوده، از کوششهای سرکوبگرانه حکومت عرفات اظهار نارضائی میکند. اما این وکیل چهل ساله به عرفات این فرصت را میدهد تا برای حدودی که میخواهد برآزادی مردم خود قائل شود به او مدرک کتبی بدهد.

در طول مدت خودمختاری فلسطین، سورانی با لغو امتیاز یک روزنامه طرفداران اردن بنام «النهار» بمبارزه برخاسته، از حکومت خواسته است که بازپرسی را که یک محکوم به خبرچینی برای اسرائیل را زیر شکنجه کشته اند محاکمه نماید، صلاحیت یک دادگاه نظامی را برای محاکمه متهمین به حمله به یک پلیس فلسطینی زیر سوال برده، به بازداشتیهای جمعی مخالفان عرفات اعتراض نموده و بشدت با وتو کردن انتخاب یک قاضی زن مخالفت نموده است.

در نتیجه این فعالیتهای، النهار امتیاز خود را باز یافته و مرتباً چاپ میشود، از محاکمه افراد غیر نظامی در دادگاههای نظامی جلوگیری بعمل آمده، بازپرسان شکنجه گر بازداشت شده اند ولی هنوز محاکمه نشده اند و قاضی زن بر مسند قضاوت در غزه تکیه زده است. ولی هنوز قانونی در مورد چگونگی سانسور وضع نشده و دستور العمل بازپرسان تعیین نشده است.

یهودیان و محاکمه

او. جی. سیمسون



مارشا کلارک

در این میان، مارشا کلارک، دادستان یهودی این دادگاه نیز نشان داده است که فردی پرتوان در ارائه نقطه نظرهای دادستانی کل کالیفرنیا میباشد. برخورد این دو حقوقدان میرز است که بیش از هر چیز در دادگاه او. جی. سیمسون جلب توجه میکند.

مارشا کلارک نهایت کوشش خود را بکار برده تا زندگی خصوصی او در معرض آگاهی عمومی قرار نگیرد. معهذا مطبوعات امریکائی که به دنباله گیری در سوابق چهره های شناخته شده و جنجالی ید طولانی دارند، مادر شوهر قبلی مارشا را در اسرائیل پیدا کرده و اطلاعات زیادی درباره زندگی خصوصی او کسب کرده اند که خلاصه آن بقرار زیر است.

مارشا کلارک در یک خانواده مذهبی یهودی که از اسرائیل به امریکا مهاجرت کرده اند بدنیا آمده. پیش از ازدواج با اولین همسرش، رقصنده حرفه ای بوده و سپس به تشویق او به تحصیل در رشته حقوق پرداخته است. مارشا پس از جدا شدن از همسر اولش که قهرمان حرفه ای تخته نرد بود، در سال ۱۹۸۱ با گوردون کلارک ازدواج کرد که در حال حاضر در شرف طلاق گرفتن از همسر دوم خود نیز میباشد.

سخنگوی دادستانی کل کالیفرنیا مراتب فوق را درباره زندگی خصوصی مارشا کلارک تأیید نموده است.

در طول ماهیانی که محاکمه او. جی. سیمسون به اتهام قتل نیکول همسر سابقش و دوست او رونالد گلدمن ادامه داشته، بسیاری از ما شاهد کار چشمگیر مارشا کلارک، دادستان این دادگاه و روبرت شاپیرو وکیل مدافع او. جی. بوده ایم که هر دو یهودی هستند.

سومین فرد یهودی در این ماجرا، که متأسفانه در متن کل دادگاه کمتر نامی از او بمیان میآید، رونالد گلدمن است که با نیکول سیمسون به قتل رسید و تنها جانی که بنظر میرسد مرتب از او یاد میشود در کنیسانی است که او عضو آن بود و تنها چند ماه قبل از کشته شدنش، در مراسم بت میصوای خواهرش، پهای تورا رفته بود.

خانواده داغدار رونالد بطور مداوم از پشتیبانی معنوی اعضای جامعه و کنیسای خود برخوردارند. راو گری جانسون، روحانی کنیسای حاوریم در آگوراهیلز که خانواده گلدمن عضو آن هستند میگوید: «رابطه رونالد با نیکول سیمسون، مشخصاً یک رابطه دوستانه بوده نه عاشقانه - ولی متأسفانه این تصویری نیست که مطبوعات از این جوان پاکدل یهودی بدست میدهند».

شاپیرو، وکیلی که افراد سرشناسی چون جانی کارسون و راد استوارت مشتری او هستند، در خانواده ای متوسط بدنیا آمد. پدرش کارگر کارخانه بود و مادرش فروشنده یک سوپرمارکت. شاپیرو بعنوان یک وکیل پر توان و حرفه ای، مودب و معتقد به تماس دائم و نزدیک با مطبوعات شناخته شده. او در کار حرفه ای خود از چنان احترامی برخوردار است که وقتی گیل گارستی دادستان کل ایالت کالیفرنیا را که طرف اصلی او در محاکمه او. جی. سیمسون میباشد، اخیراً به مراسم برمیصوای پسرش دعوت کرد گارستی در این مراسم شرکت نمود.



خبرهائی از جهان یهود

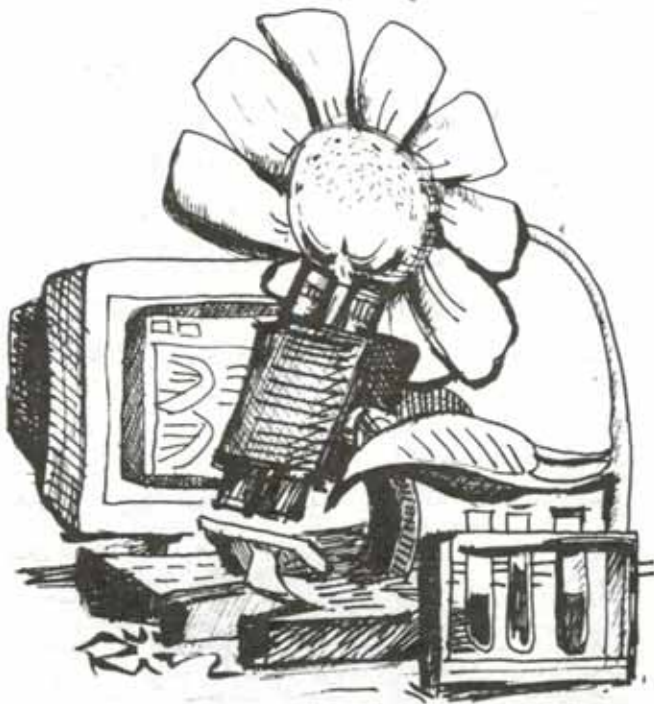


ملکه زیبایی اسرائیل

کشورهای مختلف شرکت کرده بودند. مقام های بعدی به ملکه های زیبایی ترکیه و اوکراین داده شد. در عکس بالا ملکه زیبایی سال قبل آرزوم ادنان از ترکیه پس از گذاشتن تاج برنده اول بر سر لیلای بن سیمون دیده میشود.

لیلا بن سیمون، ملکه زیبایی اسرائیل از میان بسیاری از شرکت کنندگان در مسابقات ملکه زیبایی اروپا، عنوان ملکه زیبایی اروپا را به خود اختصاص داد. در این مسابقات ۳۱ نفر از ملکه های زیبایی

دانشمندان و طب گیاهی



تکنیسین های آزمایشگاهی با روپوش های سفید در آزمایشگاههای ضد عفونی شده با ظروف فولادی و آمپولهای گوناگون را از یاد ببرید چرا که مراکز تولید دارو در آینده امکان دارد بیشتر شبیه مزرعه باشد تا آزمایشگاه.

در راستای پیشرفتهای چشمگیری که در مهندسی ژنتیک بدست آمده، دانشمندان اسرائیلی به گیاهان مختلف روی آورده اند تا داروهای شیمیائی. مهندسی ژنتیک در انستوی پژوهشی کشاورزی ولکانی در ریشون لتسیون در حال حاضر در محیط های سرسته مزرعه تنباکوئی پرورش داده اند که در این بوته های تنباکو ژن های انسانی کار گذاشته اند و ژن مزبور بتدریج باعث تولید ماده ای در تنباکو میگردد که در مبارزه با ویروس هائی از قبیل هریس میتواند کارساز باشد. دانشمندان انستیتو ولکانی امیدوارند تا با بکار گرفتن گیاهان بتوانند داروهای بمراتب موثرتر و بی ضررتر از داروهای شیمیائی برای مبارزه با انواع بیماریها بدست آورند.

یدیدیا گافنی که یک دانشمند بیولوژیست ملکولی در این انستیتو میباشد، از پیشگامان شیوه تلقیح ژنهای مقاوم در مقابل بیماریها به گیاهان و تهیه داروهای معالج از این گیاهان میباشد. نامبرده میگوید: «امکان استفاده از گیاهان برای تهیه دارو نامحدود است». او معتقد است که از گیاهانی که در محیط های سرسته مثل گلخانه ها میشود پرورش داده میشود تا کلیه گیاهانی که در طبیعت وجود دارند - همه مملو از خواص داروئی میباشند و اکنون وقت آن رسیده تا از طرق علمی و مقرون بصرفه به این داروها دست بیابیم. کوششهای مشابهی در این خصوص در هلند و امریکا نیز در دست انجام است.

یکی از بزرگترین امتیازات استفاده از گیاهان برای تهیه دارو در مقایسه با شیوه های متعارف تولید دارو با مواد شیمیائی اینستکه فرآورده هائی داروئی گیاهی از آلوده شدن (که میتواند برای سلامت انسانها

زیانبخش باشد) مصون هستند. بعنوان مثال درحال حاضر برای معالجه بیماران مبتلا به هموفیلیا از داروئی استفاده میشود بنام «فاکتور ۸» که از خون انسان تهیه میشود. حال چنانچه خون اهداء کننده آلوده بهرگونه بیماری از جمله ایدز باشد و تصادفاً ویروس بیماری درخون اهداء کننده دیده نشود، احتمال سرایت ایدز به دریافت دارنده «فاکتور ۸» گریز ناپذیر است. حال آنکه به اعتقاد گافنی، چنانچه بتوان از گیاهان برای این منظور استفاده نمود، این خطر از بین میرود.

پیشرفت دیگری که دانشمندان مزبور امیدوار به دست یافتن به آن هستند، انتقال ژن گیاهان نایاب دارنده خواص داروئی است به گیاهان عادی - مثلاً ژن ماده «تاکسول» که ضد سرطان است و از گیاهی نایاب بدست میآید را میتوان به تنباکو و یا حتی گوجه فرنگی منتقل کرد و باین ترتیب براضیتی و بمیزان بسیار زیادی این داروی موثر را تولید نمود.

کشورهای حوزه خلیج فارس و اسرائیل

شش کشور عضو شورای همکاری منطقه ای خلیج فارس اعلام داشتند که از دستورات معاهده منع معاملات بازرگانی با اسرائیل که بیش از دهسال از عمر آن میگذرد سرباز خواهند زد.

کشورهای مزبور عبارتند از عربستان سعودی، کویت، عمان، قطر، بحرین و امارات متحده عربی.

براساس این مقررات، کشورهای عربی ممالکی را که با اسرائیل مراوده بازرگانی برقرار میکنند بایکوت مینمایند. در اعلامیه ای که پس از مذاکرات بین وزیر خارجه عربستان، سعود الفیصل و وارن کریستوفر وزیر خارجه امریکا صادر شد گفته شده که کشورهای عضو شورای همکاری منطقه ای اقدامات لازم را برای حمایت از منافع خود انجام داده اند. وزیر خارجه امریکا در گفتگو با خبرنگاران در این باره اظهار داشت که قدم بزرگی در کوششهای امریکا برای از بین بردن این بایکوت برداشته شده است. وزیر دارائی اسرائیل نیز از این بابت اظهار نمود که این امر باعث جهش قابل توجهی در روند بهبود وضع اقتصادی اسرائیل خواهد گردید، زیرا تعداد زیادی از شرکت های عظیم چند ملیتی که تاکنون از ترس بایکوت اعراب از انجام هرگونه معامله ای با اسرائیل خودداری میکردند، با ما باب مراوده بازرگانی را باز خواهند نمود.

با توجه باینکه مصر مدتها است از دستورات معاهده منع معاملات بازرگانی با اسرائیل پیروی نمیکند و کشورهای یاد شده نیز ثروتمندترین ممالک عربی میباشند، معاهده مزبور عملاً بی اثر شده است. علاوه بر این، اردن در حال حاضر با اسرائیل مذاکرات گسترده ای را برای توسعه روابط بازرگانی بین دو کشور آغاز کرده و مراکش و تونس نیز انتظار میروند که بزودی به این جمع به پیوندند. همچنین کویت پس از حمله عراق به این کشور اعلام داشت که از دستورات معاهده پیروی نخواهد کرد. باین ترتیب سوریه و لبنان تنها دو کشور باقیمانده از این معاهده خواهند بود.

روابط تونس و اسرائیل

اسرائیل و تونس اخیراً اعلام داشتند که بزودی در تل آویو و تونس دفاتر حفظ منافع کشورهای خود را در سفارتخانه های بلژیک در دو کشور افتتاح خواهند نمود که این خود پیش درآمد ایجاد روابط کامل سیاسی است.

نزدیک به یکسال است که دو کشور در مورد چگونگی ایجاد روابط سیاسی در حال مذاکره میباشند و معاون وزارت خارجه اسرائیل یوسی بیلین اخیراً در بلژیک با مقامات تونسی در این خصوص دیدار و مذاکره نموده است.

دکتر لیدیا حکیمزاده

دندانپزشک

16550 Ventura Blvd., Suite 320
Encino, CA 91436

(818) 784-2414

قبول بیمه های دندانپزشکی

درمان بیماریها و لثه و جراحی لثه

درمان بیماریهای ریشه دندان (روت کانال)

ساخت ر و کسهای چینی و پروتزهای ثابت و متحرک

ترمیم دندانهای شکسته و دندانپزشکی زیبایی (باندینگ)

دندانپزشکی کودکان و پیشگیری از پوسیدگی دندانها

گروه پزشکی اسرائیل در روندا

از طرف گروه پزشکی که از سوی اسرائیل برای کمک و درمان پناهندگان رواندانی در مرز زئیر مستقر شده اعلام شد که نزدیک به ۴۰ درصد پناهندگانی که از سوی این تیم پزشکی مورد مدارا قرار گرفته اند، مبتلا به ویروس اچ. آی. وی بوده اند. دکتر شلمو معیان، رئیس بخش ایدز بیمارستان دانشگاه حداسا که در ماه اگوست دو هفته در اردوگاه پناهندگان به یاری گروه پزشکی مزبور شتافته بود اظهار داشت که هنگام معالجه و تزریق به این بیماران آلوده به ویروس اچ. آی. وی، تعدادی از اعضای تیم پزشکی - بدلیل شلوغی و عجله ای که در کارشان داشته اند، سوزنهای آلوده به خون این بیماران به دستهایشان فرو رفته، ولی خوشبختانه با آزمایشاتی که بعمل آمده، هیچ یک از آنان دچار این بیماری نشده اند.

کتاب استروفسکی

ویکتور استروفسکی در کتابی تحت عنوان «از راه فریب» به شهرت زیادی رسید و این کتاب از پرفروش ترین کتابهای سالهای اخیر شد. علت اصلی این موفقیت این بود که سازمان موساد کوشید تا از فروش این کتاب که بر علیه سازمان اطلاعات اسرائیل

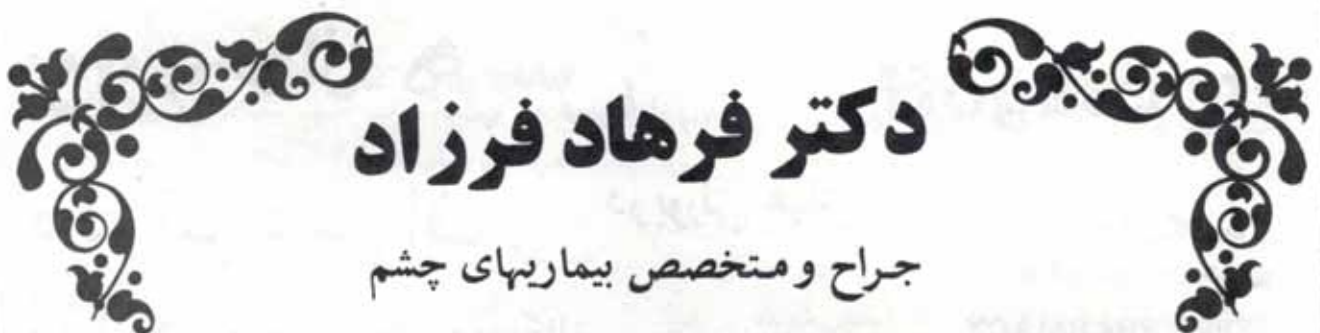
نوشته شده بود جلوگیری بعمل آورد. اخیراً کتاب دیگری بنام «آنسوی فریب» از سوی همین نویسنده در دست انتشار میباشد و سازمان اطلاعات اسرائیل این بار با مبارزه رودرو در صدد بی اعتبار کردن مطالب مندرج در این کتاب برآمده است.

منابع اطلاعاتی اسرائیل اعلام داشته اند که اتهامات وارده به موساد در این کتاب - از جمله این اتهام که موساد عامل قتل صاحب نشریات معروف، رابرت ماکسول بوده و نیز این سازمان طرح ترور

پرزیدنت بوش را در دست اجرا داشته - بقدری بی پایه میباشد که هیچ سازمان اطلاعاتی در جهان این اتهامات را جدی نگرفته است.

در پاسخ باین پرسش از استروفسکی که او پس از اینکه در سال ۱۹۸۶ از موساد اخراج شده به چه ترتیب اطلاعات مربوط به بعد از اخراج خود را در کتاب اخیرش منعکس نموده، نامبرده میگوید از یک واسطه در داخل موساد بنام افرایم استفاده میکرده است. مقامات اطلاعاتی اسرائیل داستان افرایم را یک جعل بی پایه اعلام داشته اند.

همزمان با انتشار کتاب دوم استروفسکی، سازمان موساد کلیه سوابق او را برای بی اعتبار ساختن او منتشر نموده که عبارتند از سوابق عدم کارآئی در خدمت ارتش، مقام پائینی که در موساد داشته، مدت کوتاه خدمت او در این سازمان که تنها هفده ماه بوده



دکتر فرهاد فرزاد

جراح و متخصص بیماریهای چشم

Tel: (310) 247 - 8282
9033 Wilshire Blvd., Suite 403
Beverly Hills, CA 90211

عضو آکادمی چشم پزشکان آمریکا
جراحی با لیزر
کنتاکت لنز

عقب نشینی از ارتفاعات جولان

۵۷ درصد از اهالی اسرائیل با عقب نشینی کامل از ارتفاعات جولان حتی در مقابل صلح کامل با سوریه مخالفت دارند. این آمار توسط موسسه گالوب تهیه گردیده است.

در مجموع ۳۲/۵ درصد رای دهندگان با این تصمیم موافقتند حال آنکه ۸/۲ درصد آنان نظر خاصی ندارند و ۲/۳ درصد از دادن پاسخ خودداری کردند.

براساس همین آمار ۲۶/۴ درصد رای دهندگان اعلام کردند که به نخست وزیر اسرائیل اسحق رابین در مورد سیاست او درباره ارتفاعات جولان اعتماد کامل دارند و ۲۵/۷ درصد در این مورد اعلام عدم اعتماد نمودند. ۱۷ درصد گفتند که به او اعتماد کامل ندارند و ۲۳/۹ درصد اعلام داشتند که تا حدود زیادی به او اعتماد دارند. ۴/۸ درصد بقیه نظر خاصی نداشتند و ۲/۳ درصد از دادن پاسخ خودداری کردند.

همزمان با انتشار این آمار بنیامین نتنیاهاو رهبر حزب لیکود طرحی را تسلیم کمیته مرکزی حزب خود نمود که در آن موضع این حزب در مورد ارتفاعات جولان معین شده است. براساس این طرح اسرائیل به اعراب مقیم ارتفاعات جولان خود مختاری محدود خواهد داد ولی در حقیقت مناطق مزبور زیر حکومت اسرائیل باقی خواهد ماند.

است، اخراج او در سال ۱۹۸۶ بدلیل تسلیم گزارشات اطلاعاتی جعلی به موساد و بالاخره اعترافات خود او در این خصوص که با سازمانهای اطلاعاتی عرب و کی. جی. بی در تماس بوده و برای آنان جاسوسی میکرده است.

یکی دیگر از موضوعاتی که گفته های استروفسکی را بی اعتبار میکند اینستکه در مصاحبه ای که در سال ۱۹۹۳ با نشریه جروزالم ریپورت انجام داده گفته است که: «من برای نوشتن کتاب آنسوی فریب به اندازه کافی واقعیات در دست نداشته ام».

اعراب خلیج فارس در اسرائیل

یک گروه دوپست نفری مسلمانان توریست عرب از ممالک حوزه خلیج فارس برای یک گردش دسته جمعی به اسرائیل خواهند آمد. این تور اولین بازدید اعراب ناحیه خلیج فارس از اسرائیل خواهد بود. بازدید کنندگان در ماه مارچ آینده به اسرائیل خواهند آمد. دری شوشن که ترتیب دهنده این تور است میگوید گروه مزبور بطور عمده علاقمند به بازدید از نقاط مذهبی اسلامی میباشند ولی درخواست بازدید از بعضی از آثار تاریخی مسیحی را نیز نموده اند.

Dr. Esagoff

داروخانه هپس

دربورلی هیلز

دکتر آشر اسحق اف

آدرس: ۲۳۳ لاسینگای جنوبی
چند قدم باین ترازو بلشر بلوار

HEPPS PHARMACY
233 S. La Cienega Blvd.
Beverly Hills, CA 90211
(½ Block South of Wilshire Blvd.)
(310) 652-0550

- قبول اکثر بیمه های درمانی و مدیکال
- تحویل دارو و سفارشات بطور رایگان در نزدیکی داروخانه
- لوازم بهداشتی و آرایشی



تورات اعطائی عرفات

در ماه اکتبر گذشته، یاسر عرفات طی ملاقاتی با اسحق رابین، نخست وزیر اسرائیل یک عدد تورات بسیار قدیمی که در یمن نوشته شده را به او هدیه نمود. در عکس بالا عرفات هنگام تقدیم تورات به رابین دیده میشود.

تجدید روابط سیاسی با رواندا

رواندا و اسرائیل روابط سیاسی خود را از سر گرفتند. این تجدید رابطه در تاریخ ۱۱ اکتبر در نیویورک طی مراسمی اعلام گردید. رواندا از پی جنگ یوم کبیور در سال ۱۹۷۳ روابط خود را با اسرائیل قطع کرده بود.

استقرار در مناطق باختری رود اردن

بر اساس آماری که توسط یکی از موسسات معتبر آمارگیری اخیراً بدست آمده، هنوز تعداد افرادی که برای مستقر شدن در سرزمین های مورد اختلاف میروند در ازدیاد است و این رقم از ۱۰۵۴۰۰ نفر در سال ۱۹۹۲ به ۱۱۶۳۰۰ نفر در پایان سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. هر چند بعد از آغاز قرارداد آشتی میان اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین و اعطای خود مختاری به قسمتی از این مناطق، درصد افراد مستقر شونده در این مناطق کاهش کمی پیدا کرده بود، ولی مجدداً این رقم رو به ازدیاد است. بیشتر افرادی که بمناطق کوچ میکنند در نزدیکی خط مرزی با سرزمین اصلی اسرائیل سکنی می گزینند.

همبستگی اعضای حزب لیکود و جمهوریخواهان

مقامات حزب لیکود با تعدادی از سناتورها و اعضای کنگره حزب جمهوریخواه امریکا برای مقابله با استقرار نیروهای نظامی امریکا در ارتفاعات جولان که در قرارداد صلح اسرائیل با سوریه پیش بینی شده، اعلام همبستگی نمودند.

البته تاکنون اعضای این گروه موفق نشده اند که این بحث را به مجالس قانون گذاری امریکا بکشانند. نخست وزیر اسرائیل اسحق رابین و همچنین وارن کریستوفر وزیر خارجه امریکا حضور نظامی امریکا را در ارتفاعات جولان به هنگام عقب نشینی نیروهای

زمان، زمان تجربه و تخصص هاست



تجربه و تخصص ما

فقط و فقط در امور تصادفات است

اگر حق قانونی خود را طلب میکنید حتما به متخصص حرفه ای آن رشته مراجعه کنید

فرامرزلوایی مشاور حرفه ای و متخصص در امور تصادفات

با همکاری L.A. Ross وکیل پیشین شرکتهای بیمه

(818)705-1555 (310)247-1555 (714)774-1555

به هنگام تصادف حتما شماره اتومبیل طرف مقابل را یادداشت کنید

تهیه دیده بود.

این باشگاه که در سال ۱۸۶۲ در طی جنگهای داخلی آمریکا تشکیل گردید مرکز یک جمعیت میهن پرست طرفدار شمال آمریکا و پرزیدنت ابراهام لینکلن بود. باشگاه یونیون از سال ۱۹۰۰ تا سال ۱۹۶۰ حتی از پذیرفتن یهودیان بعنوان عضو خودداری مینمود.

مفقود شدن زندانیان سابق فلسطینی

سیصد نفر از زندانیان آزاد شده فلسطینی که در جرئکو زندگی میکنند و اخیراً براساس قرار داد منعقد شده با سازمان فلسطین آزاد شده اند، بقرار اطلاع از ترس جان خود از شهر گریخته اند. چنین بنظر میرسد که این افراد به یهودیه و سامره پناه برده اند. این افراد متهم بوده اند که اعرابی را که با اسرائیل همکاری داشته اند بقتل رسانده اند و اینک در این نگرانی هستند که امکان دارد خانواده های کسانی را که کشته اند در پی انتقام گرفتن در فکر کشتن آنان باشند.

اسرائیل امری حیاتی اعلام داشته اند. آنچه مسلم است اینستکه چون در انتخابات اخیر آنطور که انتظار میروید جمهوری خواهان به موفقیت بیشتری دست یافتند، اکنون امکان مطرح شدن این موضوع در مجالس قانون گذاری آمریکا خیلی زیاد میباشد.

تصور رهبران حزب لیکود اینستکه چنانچه نمایندگان جمهوریخواه بتوانند عدم حضور نیروهای نظامی آمریکا را در موضوع صلح اسرائیل و سوریه به تصویب برسانند، لیکود موفق خواهد شد مذاکرات مزبور را از مسیر خود خارج نماید. البته نمایندگان جمهوریخواه هم علاقمند هستند که از این موضوع برای بی اعتبار کردن پرزیدنت کلینتون بهره گیری نمایند.

یهودیان آمریکا و دیدار از اسرائیل

براساس آماری که از طرف دانشگاه حیفا منتشر شده نزدیک به هفتاد درصد از یهودیان آمریکائی هرگز به اسرائیل نرفته اند.

این بررسی که بر روی ده هزار یهودی آمریکائی انجام گرفته نشان میدهد که از آن گروه از جوانان یهودی که هرگز از اسرائیل بازدید نکرده اند ۶۲ درصد از آنها با خارج از مذهب ازدواج نموده اند در حالیکه جوانانی که از اسرائیل دیدار بعمل آورده اند این نسبت در میان آنها تنها ۱۹ درصد است.

شیمعون پرز در فیلادلفیا

شیمعون پرز در دیدار اخیر خود از آمریکا از فیلادلفیا نیز بازدید نمود. جمعیت یهودی این شهر دوست و پنجاه هزار نفر میباشد و پرز در سخنرانی های مختلفی که انجام داد درباره «یهودیت و شیوه عمل نوین» سخنرانی های متعددی انجام داد. یکی از عمده ترین گردهمائی ها در این دیدار مهمانی شامی بود که به افتخار پرز در باشگاه یونیون فیلادلفیا برگزار شد. این باشگاه که ۱۳۲ سال تاریخ دارد مرکز تجمع مردان محافظه کار انگلوساکسون بوده است و برای اولین بار در تاریخ خود غذای کاشر برای مهمانان

با توجه باین مورد که زندانیان مزبور حق نداشته اند از محل سکونت خود خارج شوند و تنها بقرار اطلاع دولت اسرائیل به ۱۷۱ نفر از این زندانیان پیشین اجازه خروج از شهرهای خود را داده است، اکنون مقامات انتظامی اسرائیل و فلسطین مشترکاً درصدد یافتن این افراد میباشند.

دیدار کاسپارف از اسرائیل

اخیراً کاس پاروف قهرمان شطرنج شوروی سابق در دیداری که از اسرائیل بعمل آورد در یک مسابقه همزمان با نوزده نفر از افراد سرشناس در اسرائیل از جمله شهردار تل آویو رانی نیلو و تعدادی از نمایندگان مجلس اسرائیل شرکت کرد. از مجموع نوزده بازی هیجده بازی را برد و تنها با یک نفر آنهم ناتان شرانسکی نتیجه بازی مساوی اعلام شد. ناتان شرانسکی که از ناراضیان یهودی و مبارزان سرسخت علیه رژیم کمونیستی شوروی بود، سالها در زندانهای شوروی بسر برد و آنطور که خود میگوید تنها راهی که میتوانست خود را سرگرم نگهدارد این بود که در ذهن خود با خود شطرنج بازی میکرد. شرانسکی در باره کاسپارف مینویسد:

«ما ناراضیان شوروی همیشه به گاری کاسپارف مانند یکی از همگنان خود نگاه میکردیم. پیش از

کاسپارف بازی شطرنج در اتحاد شوروی یک بازی قرون وسطائی تلقی میشد ولی پس از مدتی برای بهره گیری تبلیغاتی برای کمونیسم مورد استفاده رژیم شوروی قرار گرفت.

اما کاسپارف با دولتمردان شوروی هرگز کنار نیامد و پیروزی او در سال ۱۹۸۵ هم عملاً در سایه مخالفت آشکار او با رژیم شوروی بدست آمد. مبارزه او چه در دنیای شطرنج و چه علیه نظام شوروی و پیروزی او در هر دوی آنها همزمان بود با فروپاشی نظام شوروی.

کاسپارف که پدرش یهودی و مادرش ارمنی است در اکتبر امسال برای اولین بار به اسرائیل آمد. وی در یک سخنرانی که خطاب به بیش از ششصد نفر از مهاجران اتحاد شوروی سابق ایراد نمود اظهار داشت: «برای من آمدن به اسرائیل بعنوان فقط یک توریست میسر نبود. من باید چیزی برای تقدیم و پیشکش کردن به این سرزمین با خود میآوردم.» و باین ترتیب وی به اسرائیل آمد تا یک آکادمی شطرنج در اسرائیل تاسیس نماید - یک آکادمی که در نوع خود در تمام دنیا بی نظیر بود. به اعتقاد کاسپارف اسرائیل بهترین انتخاب برای محل این آکادمی است چرا که تعداد زیادی از شاگردان او که از او آموزش دیده اند در آخرین موج مهاجرت اتباع شوروی سابق به اسرائیل آمده اند.

کاسپارف در سخنرانی که از طرف آژانس

CB COMPUTER BOY

CB

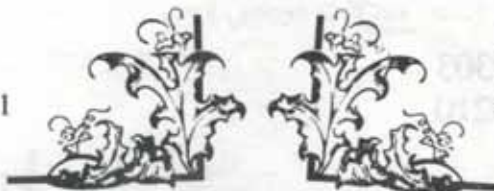
با مدیریت بنی امین زاده

فروش و تعمیر انواع کامپیوتر، پرینتر، فکس و ماشین کپی با قیمت های رقابت ناپذیر

فروش نرم افزارها و برنامه های پزشکی، بیمه، حسابداری و نامه نگاری

آموزش برنامه های کامپیوتری در کوتاهترین مدت

8715 Wilshire Blvd.,
(Cross Road Robertson)
Beverly Hills, CA 90211



Tel: (310) 854 - 0566
Fax: (310) 659 - 4665

علاوه بر این کمک امریکا برای خانه سازی در مناطق خودمختار، معادل پانصد هزار دلار نیز به غزه تخصیص داده شده است. پیش بینی مقامات فلسطینی اینستکه در طی ده سال آینده دویست و پنجاه هزار آپارتمان در مناطق خود مختار بسازند.

گروه تئاتری اسرائیل در بروکلین

یکی از برجسته ترین گروههای تئاتری اسرائیل بنام کامری اعلام داشته است که سه نمایشنامه از موفق ترین کارهای خود را در آکادمی موسیقی بین المللی و تئاتر بروکلین در ماه می آینده به نمایش خواهد گذاشت. گروه تئاتری کامری علاوه بر این در تئاتر سلطنتی اینگمار برگمان در استکهلم و تئاتر بین المللی پیتر بروکس در پاریس هنرنمایی خواهد نمود.

بازداشت توسط پلیس غزه

در ماه گذشته پلیس غزه چهل نفر از اعضای جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین را بازداشت نمود. این بازداشت در تعقیب تیراندازی هائی بود که به سربازان اسرائیلی از طرف افراد این گروه شده بود. جالب اینکه پلیس فلسطین و نیروهای مسلح اسرائیل مشترکاً برای بازداشت این افراد با یکدیگر همکاری کردند.

یهود ترتیب داده شده بود گفت: «باکو شهری بود که من به آن عشق میورزیدم. جانی که در آن بدنیا آمدم اما بدلیل اینکه از مادری ارمنی زاده شده بودم مجبور به ترک آن و رفتن به مسکو شدم. اما من مجبور بودم که شهرم را پشت سر بگذارم. من هرگز به باکو باز نخواهم گشت چرا که شهری را که من می شناختم برای همیشه از دست رفته است».

شیرانسکی ادامه میدهد: «من شخصاً از گری کاسپارف بخاطر صرف سه ساعت از وقت خود برای بازی با ما نوزده نفر و اینکه بار دیگر خاطرات بازی های شطرنجی را که من در فکرم در زندان گولاد میگردم زنده کرد مدیون و سپاسگزارم».

کمک امریکا به پلیس فلسطین

دولت امریکا مبلغ چهار میلیون دلار به مناطق خودمختار به منظور پرداخت حقوق پلیس مناطق خود مختار تا پایان سال جاری کمک کرد. وزیر برنامه ریزی فلسطین نیل شات این مبلغ را طی مراسمی در غزه با حضور رئیس دفتر نمایندگی امریکا برای توسعه امور بین المللی دریافت داشت. این دومین پرداختی است که دولت امریکا در این مورد می نماید. در ماه می گذشته امریکا مبلغ پنج میلیون دلار نیز از این بابت داده بود.

دکتر بهروز بروخیم دکتر بنجامین (بهنام) بروخیم

جراحی استخوان و مفاصل - ارتروسکوپی

Orthopedic Surgery

436 N. Bedford Dr. #303
Beverly Hills, CA 90210
(310) 859 9196

10767 Riverside Dr.
North Hollywood, CA 91602
(818) 980-8881

عقب نشینی از گولان

بنا به گزارشات مختلفی که از منابع گوناگون رسیده مسئله عمده مورد اختلاف میان سوریه و اسرائیل، زمان تخلیه ارتفاعات گولان است. سوریه اصرار دارد که این عمل ظرف یکسال و پیش از انتخابات مجدد اسرائیل انجام گیرد حال آنکه مدت مورد نظر اسرائیل پنج سال است و وارن کریستوفر وزیر خارجه امریکا به اسحق رابین پیشنهاد نموده که این عقب نشینی ظرف دو سال انجام گیرد. گزارشات مزبور را منابع اسرائیلی و امریکائی تأیید نموده اند.

مخالفتان عرفات

از جمع ۲۸۰ نفر اعضای کمیته ملی فلسطین، ۷۳ نفر آنان با تعهد یاسر عرفات برای حذف بخشی از مراعاتنامه سازمان آزادی بخش فلسطین که خواستار نابودی اسرائیل است مخالفت نموده خواستار استعفای عرفات از رهبری سازمان مزبور شدند. از جمله این ۷۳ نفر حیدر عبدالشرف رئیس هیئت نمایندگی فلسطین در مذاکرات صلح با اسرائیل میباشد.

کشف داروی جدید

دو پزشک اسرائیلی در اورشلیم کشف کردند که یکی از داروهائی که برای تاخیر در بلوغ دخترانی که زود بالغ میشوند مصرف میشود برای بارور کردن زنان نازا مورد استفاده دارد در مورد افرادی که به بیماری تمایل جنسی به کودکان نابالغ مبتلا هستند نیز موثر میباشد.

پرفسور اریل روسلر معاون بیمارستان دانشگاه هداسا و دکتر الیعرز ویتزتوم که دو روانپزشک سرشناس هستند اعلام داشتند که اولین پزشگانی هستند که از این دارو برای معالجه این گونه افراد استفاده میکنند. داروهائی که تاکنون برای معالجه این گونه افراد بکار میرفت، عوارض جانبی نامطلوب بسیار زیادی داشت. داروی مزبور نزدیک به ده سال پیش در سوئد توسط کمپانی فرینگ تولید شده است.

شما هم می توانید از دست چربی های اضافی بدن خود خلاص شوید

در ۱۵ سال گذشته گروه پزشکی مرکز تحقیقاتی تغذیه Harvard Medical School

مسائلی را که افراد چاق در کم کردن و ثابت نگاه داشتن وزن با آن رو برو هستند مورد مطالعه قرار دادند و برنامه جامعی که نتیجه این تحقیقات است، اکنون در کلینیک ما در دسترس شما میباشد. این برنامه شامل مراحل زیر می باشد:

- ۱- اندازه گیری چربی های بدن: با روش جدید Biochemical Impedance Analysis
 - ۲- معاینه پزشکی و چک آپ کامل: شامل آزمایشات تیروئیدی و اندازه گیری چربی های خوب و بد خون
 - ۳- رژیم غذایی مخصوص: (حدود ده هفته) و بدنبال آن برنامه ای برای مصرف متعادل غذاهای معمولی برای ثابت نگاهداشتن وزن بدن
- در این برنامه تأکید بر از دست دادن چربی های بدن است (نه فقط از دست دادن وزن) و از هیچ دارویی استفاده نمی شود، مگر اینکه اختلالات هورمونی وجود داشته باشد.

DARYOOSH SAMI, M.D., F.A.A.P.

دکتر داریوش سامی

9401 WILSHIRE BLVD., #735
BEVERLY HILLS, CA 90212

TEL (310) 205-0607

Law Offices of
STANLEY C. FRANKLIN
A Professional Law Corporation

استنلی فرانکلین

با سابقه ترین وکیل شناخته شده در جامعه ایران کالیفرنیا

بامکاری

پری فرانکلین



(818)

۲۴ ساعته

901-0344

وکیل متخصص در امور

تصادفات اتومبیل

با پرداخت کمترین حق الوکاله

5900 Sepulveda Blvd., Suite 340 Van Nuys, CA 91411

نوشته: سارا شاپیرو

برگردان: پروانه یوسف زاده

روی امواج ماهواره



خانم سارا شاپیرو متولد امریکا و مقیم

اورشلیم است.

فلسطین را برسمیت خواهد شناخت و این سازمان در مقابل حقوق اسرائیل را برای داشتن مرزهای امن برسمیت می شناسد. به مادرم تلفن کردم. او آنچنان ذوق زده شد که اشگ می ریخت.

هنگامی که تصویر شیمعون پرز را در حال دست دادن با یاسر عرفات در صفحه اول روزنامه دیدم. دچار سرگیجه و التهاب شدم. به مادرم زنگ زدم. از خوشحالی صدایش گرفت. من از او پرسیدم که آیا

اورشلیم - آن زمان که معلوم شد نروژی ها عامل برقراری مذاکرات محرمانه بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین بوده اند. به مادرم در لوس آنجلس تلفن کردم. چه کار دیگر می توانستم بکنم. میدانید چه گفت؟ «این فرصت مغتنم است. بهر قیمت باید از جنگی دیگر جلوگیری کنیم!»
آن زمان که گفتند. اسرائیل سازمان آزادیبخش

معنی «جهاد!» را می‌داند؟

وقتی که در اخبار شنیدم، قرار است اسرائیل به قوای پلیس فلسطین مسلسل بدهد، تصور کردم عوضی شنیده‌ام. به دختر عمویم شوشانا زنگ زدم. درست شنیده بودم و او هم خبر را تأیید کرد.

پس از آنکه عرفات، برخلاف قولی که داده بود، مراسم سازمان خود را تغییر نداد به دوستم میریام تلفن کردم. مدتی از فرط دل‌تنگی لطیفه‌های تلخ و خشم آلود رد و بدل کردیم تا متوجه شدم ۳۵ دقیقه با راه دور تلفنی حرف زده‌ام.

آن زمان که تروریست‌های حماس و قوای تازه نفس پلیس فلسطین توافق کردند که در کار یکدیگر مداخله نکنند، به ربرتا دوست دیگرم زنگ زدم و با هم مدتی از پرز غیبت و بدگویی کردیم.

روزی که دوستم حایا، که مادر چند بچه و هلندی الاصل یهودی شده است، تلفن کرد و خبر داد که بزودی با یک هلندی که او هم یهودی شده است ازدواج خواهد کرد و بچه‌هایش آنچنان به این مرد دلبسته‌اند که حتی هفت روز جدائی طبق قوانین مذهبی برایشان دشوار است، از شوق و شادی اشگم روان شد و به هق هق افتادم. حایا گفت: «بدرگاه خدا خیلی شکر گزارم. این آرزوئی بود که فقط بخواب میدیدم.»

وقتی پسر همسایه طبقه پائین را هنگام رانندگی تروریست‌های حماس کشتند، به ربای تلفن کردم. او حرفهایم را گوش کرد و چیزی نگفت.

در آن روز که عرفات فرمان جهاد کبیر برای آزادی اورشلیم را صادر کرد به مادرم تلفن کردم و گفتم: «دیدی همان شد که میگفتم؟ و مادرم پاسخ داد: «ولی عرفات میگوید که منظورش کوشش در راه صلح است.» بی اختیار بر سرش فریاد کشیدم.

دوباره به مادرم تلفن کردم و از او عذر خواهی کردم.

سه ماه پس از عروسی حایا، گروه حماس شوهرش را کشت. اول به مادرم تلفن کردم. مادرم بشدت بگریه افتاد و زاریها کرد.

آن زمان که به میریام تلفن کردم تا مباحثات

هفتگی مان را شروع کنم، خبر داد که شیشه جلوی اتومبیل شوهرش را با سنگ پرانی شکسته‌اند و او با دل‌تنگی گفت: «میدانی، در این کشور جهاد میکنند زیرا کسی جلویشان را نمی‌گیرد.»

این بار به هانی زنگ زدم و حرفهای میریام را برایش تکرار کردم. هانی که بنظر مذهبی نمی‌آید، گفت: «فکر نمی‌کنی که همه این تحولات مثبت الهی باشد؟ اگر به واقعیت‌ها نظر کنی، اسرائیل با این همه بلا و مصیبت که از سال ۱۹۴۸ بر سرش آمده، چگونه بر جا مانده؟ آیا اینها همه دلیل بر معجزه بدنبال معجزه نیست؟»

آن زمان که اهود المرت شهردار اورشلیم گفت که به یاسر عرفات اجازه ورود به شهر داده نخواهد شد، دلم می‌خواست زنگ بزنم و از او تشکر کنم. اما خجالت کشیدم. در عوض به میریام تلفن کردم تا بگویم که حرفهای آقای شهردار نوید شروع کاری مثبت است ولی خط مشغول بود.

آن زمان که در مجلس یعنی کینست بحث و گفتگو بود که عرفات طبق قول قبلی باید دو هفته قبل از ورود به اسرائیل آنها را از قصد خود آگاه کند به ربرتا زنگ زدم و دوتائی شروع به هجو و مسخره آنها کردیم و برایشان آواز معروف کارول کینگ را خواندیم: «عزیزم دیگه دیره - عزیزم حالا دیگه خیلی دیره!!»

آن زمان که هواپیماهای جت در ارتفاع بسیار کم بالای سرمان پرواز کردند، بطوری که کلمات اف پانزده روی آنها را نیز می‌توانستم بخوانم، همسایه طبقه پائینی گفت: «اینها حامل ملک حسین و همراهان اسرائیلی او بودند.» به مادرم زنگ زدم. چنان خوشحال شد که بگریه افتاد. من هم البته این بار خوشحال بودم. مادرم تعجب خود را از موافقت من با پیشرفت مذاکرات صلح با ملک حسین نتوانست پنهان کند ولی به او گفتم: «مادر جان، آخر ملک حسین که نمی‌خواهد ما را بکشد.»

من هنوز هم هر هفته به مادرم تلفن میکنم. خوشحالم که لااقل در مورد اردن با هم توافق داریم. از این بیعد مسائل دیگر را مطرح نمی‌کنم تا دست کم این همفکری میان ما باقی بماند.

امور حسابداری و مالیاتی خود را

به اشخاص متخصص **CPA** و باتجربه بسپارید

مؤسسه حسابداری و مشاوره مالی

الیاس عزیز لاوی CPA

عضو انجمن های حسابداری رسمی **CPA** کالیفرنیا و امریکا

عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان **FCA**

دارای ۲۰ سال تجربه در امور حسابداری و مالیاتی

- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی (افراد - شرکتهای سهامی و تضامنی - تراست ها)
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی هدیه (Gift Tax Return) و مالیات برارث (Estate Tax Return)
- مشاوره در امور مالیاتی جهت کاهش بدهی مالیاتی، برنامه ریزی مالیاتی و ارزبایی Tax Shelter
- تهیه صورت محاسبه افزایش اجاره و هزینه های مربوط به ساختمان های تجاری و شاپینگ سنتر (C.P.I. and Pass Through Expenses)
- تهیه صورتهای مالی (Financial Statements) جهت اخذ وام از بانک ها و مؤسسات اعتباری
- طرح، تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری مالی و حسابداری قیمت تمام شده
- مشاوره در امور سرمایه گذاری جهت خرید و فروش مؤسسات تجاری از قبیل کارخانجات، مؤسسات خدماتی، مغازه های خرده فروشی و عمده فروشی، صادرات و واردات
- مشاوره در امور مربوط به حسابرسی مالیاتی I.R.S. Audit و ادعای خسارت از شرکت های بیمه

ELIAS AZIZ-LAVI

CERTIFIED PUBLIC ACCOUNTANT

8907 WILSHIRE BLVD., SUITE 301
BEVERLY HILLS, CA 90211

Tel : (310) 657-2600

Fax: (310) 657-8981

نوشته: دکتر حشمت اله کرمانشاهی
با سپاس از همکاری آقای جمشید نوانین

فعالیت های اجتماعی یهودیان ایران در سالهای قبل از انقلاب

آرزوهای ما شادروان



شادروان موسی کرمانیان در دیدار با
بن گورین اولین نخست وزیر اسرائیل

همانطور که در آخرین بخش از این سلسله نوشته ها اشاره نمودیم، دو مقاله تاریخی در مجله نوپای آرزوهای ما شماره اول، بتاريخ اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ درج شده بود که بعد از بررسی روشن شد که هر دو مقاله توسط شادروان موسی کرمانیان نوشته شده است. با توجه باین امر که نگارنده نزدیک به ۴۰ سال با شادروان موسی کرمانیان در فعالیتهای اجتماعی همکاری داشته و از نظر موضع فکری و مبارزاتی با یکدیگر هم‌رزم و هم‌سنگر بودیم، شایسته میدانم در اینجا چند کلمه ای راجع به او که یکی از بزرگمردان تاریخ پنجاه ساله اخیر فعالیتهای اجتماعی یهودیان ایرانی است مطالبی را به آگاهی خوانندگان گرامی شوفار برسانم.

موسی کرمانیان جوانی خوشی برخوردار، جذاب و دوست داشتنی و با صدائی گیرا و نگاهی مهربان و نافذ

بود که احترام همگان را بخود جلب میکرد و در عین حال نویسنده ای توانا و سخنوری پر قدرت بود که بیان موثرش همه را تحت تاثیر قرار میداد.

در آستانه پانزدهمین سال درگذشت این خدمتگزار صدیق جامعه، شایسته میدانم یکی از این نوشته ها را زیر عنوان سابقه تاریخی یهودیان ایران، از نظر خوانندگان گرامی شوفار بگذرانم و سپس به تاریخچه فعالیت‌های اجتماعی او بپردازم:

در سال ۷۲۰ قبل از میلاد، سلطنت «افرایم» که بر قسمت اعظم ملت یهود در فلسطین فرمانروائی میکرد بدست «سالمانازار» پادشاه آشور منقرض شد و قسمت دیگر فلسطین هم که در دست سلاطین یهودا یعنی یکی از طوایف دوازده گانه ملت یهود بوده بعد از یک قرن ونیم در سال ۵۸۶ قبل از میلاد بتوسط بخت النصر پادشاه قوی پنجه بابل شکست خورد و منقرض گشت.

بخت النصر «صدیق‌یاهو سلطان یهودا» و خانواده و عده زیادی از افراد و بزرگان یهود را با جواهرات و ظروف قیمتی از معبد مقدس «بیت همیقداش» باسارت ببابل برد.

اسیران بابل هیچگاه مولد و آشیان خود را فراموش نکرده و در فراق و هجران آن دانما مینالیدند و بیاد وطن دور افتاده خویش در روز خرابی معبد هر سال مراسم عزای ملی را بجای می‌آوردند و هنوز هم بعد از ۲۵ قرن این عمل تاریخی را درتمام گیتی انجام میدهند (نهم ماه آب). بهر حال یهودیان بابل قسم یاد می کردند که هرگز اورشلیم خدا را از خاطر نبرند و پیوسته امیدوار بودند که سلطنت بابل منقرض و قدرتش نابود شود تا بکشور اجدادی خویش بازگشت نمایند. بدینطریق پنجاه سال در بابل بسر بردند و بسیاری از آنان ثروتمند شده و حتی بکسب مناسب عالی در دستگاه سلطنتی بابل نائل شدند.

در این تاریخ یعنی در حوالی سال ۵۳۷ قبل از میلاد ایام فرمانروائی و شکوه سلاطین بابل بانتها رسید چه کوروش کبیر شاهنشاه مقتدر ایران بعد از فتوحات زیاد و غلبه بر همسایگان خود

بجانب بابل روی آورد و این خبر تمام ملل زیر دست بابل را بجنبش در آورد و امید جدیدی نیز در قلب یهودیان برای بازگشت بوطن خود پدید آورد.

یسعیای دوم یکی از ابنیای یهود معاصر این تاریخ، ملت یهود را تسلی داده و پیام خداوند را که مبنی بر بخشایش گناهان ایشان بود بآنان ابلاغ نمود و نزدیکی آباد شدن اورشلیم و معبد مقدس را بایشان مژده داد.

و اما چندی بعد امید ملت اسیر یهود بحقیقت پیوست و گفتار نبی عملی گشت.

کوروش کبیر بابل را تصرف کرد و پرچم ایران را بر فراز شهرهای متصرفی بابل باهتزاز در آورد و چون از علاقه و امید یهودیان نسبت به بازگشت بکشور خویش آگاه شد برای اینکه در مقابل مصر که در آنزمان باوج قدرت و عظمت خود رسیده و یگانه رقیب بزرگ برای دولت هخامنشی در جهان بود، کشور و دولت دوست و آشنائی داشته باشد تا در مواقع ضرورت سپاهیان ایران را کمک و معاضدت نمایند، اجازه بازگشت بکشور اجدادی و آباد کردن آنرا برای یهودیان صادر نمود و کتبا "بوسیله حکام و شفاها" بوسیله منادیان در تمام سلطنت خود اعلام نمود که کوروش شاهنشاه ایران چنین میفرماید:

«تمام ممالک زمین را خداوند پروردگار آسمانها بمن بخشیده است و وی بر من چنین تفقدی فرموده تا در اورشلیم واقع در یهودا برای او خانه بسازم اینک از شما هر کدام که اهل قوم او هستید برخیزید بروید خدا با شما باشد».

در اثر این حکم بیش از چهل و دو هزار نفر از یهودیان بکشور یهودا بازگشت نمودند و این عده اثاثیه معبد مقدس را که بخت النصر ببابل آورده بود و پول فراوان که کوروش از خزانه سلطنتی بآنان داده بود باضافه هدایای برادرانشان بکشور خویش آوردند و بعمران و آبادی آن همت گماشتند. در رأس این عده «زروبابل» از خانواده

سلطنت یهودا قرار داشت که عمل آبادی و اداره کشور را انجام میداد ولی ساختمان معبد مقدس در دوره سلطنت داریوش پایان یافت.

و اما تمام یهودیان بابل بکشور خویش باز نگشتند و بسیاری از آنان در بابل و شهرهای ایران ساکن شدند ولی همیشه روابط معنوی خود را با کشور اجدادی خویش محفوظ داشتند و یهودیان فعلی ایران از اولاد و اعقاب آنهاست هستند که درست مقارن ایجاد دولت هخامنشی باین کشور وارد شدند و پیوسته در تاریخ دو هزاروپانصد ساله خود شریک و سهیم غم و اندوه و خوشی و سعادت ایران و ایرانیان بوده اند.

از طرف دیگر پس از فتح بابل کورش کبیر قلمرو سلطنت خود را تا کرانه های مدیترانه توسعه داده و در کشور ایسرائل فرمانروایان پارسی با آغوش باز پذیرفته میشدند و پیوسته اهالی یهودی در جنگ و صلح با «ساتراب» های سلاطین هخامنشی با محبت و احترام کامل همکاری میکردند.

بدینطریق فرمانروانی سلاطین هخامنشی بر کشور ایسرائل در حدود دو قرن بطول انجامید تا آنکه دارا آخرین پادشاه هخامنشی بدست اسکندرکبیر پادشاه یونان شکست خورد و صلح و آرامش کشور یهودا دو مرتبه مختل گشت.

موسی دانش آموز دبیرستان ایرانشهر بود که بفکر تأسیس یک سازمان فعال برای گردهم آتی جوانان یهود آنروز افتاده. پرویز ناوی (امیرناوی) که خانه پدری اش در مرز محله و منطقه پامنار بود و اغلب اوقات جوانان آنروز محله در آنجا جمع میشدند پیدایش فکر ایجاد باشگاه برادران را چنین نقل میکند:

روزی در یکی از گردهم آئی های عصرانه جوانان فرج اله «ناتان» شادی، که بر حسب تصادف در یکی از جلسات حزبی نوپا شرکت کرده بود، فکر ایجاد یک حزب را در جامعه یهود ایران مطرح کرد و از همان لحظه همه نگاه ها بسوی موسی که جوانی با شخصیت ممتاز بود معطوف شد. از آن لحظه بعد موسی شروع به اقدامات مقدماتی برای ایجاد

باشگاه برادران کرد و پس از ادغام سازمان در شرف تأسیس دانش آموزان کالج البرز مرکب از مؤسسين آن شادروان یعقوب ملمد و آقای حبیب فرح نیک و نگارنده، باشگاه برادران بصورت جدی وارد در صحنه فعالیت های اجتماعی شد.

موسی کرمانیان از خصوصیت رهبری برخوردار بود و آنچه او را از سایر همگنانش متمایز میکرد گذشت و شکیبائی و بردباری کم نظیر او بود. هنگامی که موسی از دبیرستان ایرانشهر فارغ التحصیل شد، در دانشکده حقوق نام نویسی کرد. با توجه باینکه وی سهم موثری در اداره امور کسی پدر خود که در کرج بود داشت ناچار بود فاصله ۴۰ کیلومتری بین تهران و کرج را هفته ای چند بار طی کند. آنها با یک دوچرخه «رالی». امیر ناوی در دنباله تعریف خود ادامه میدهد:

رانندگی با دوچرخه در آن زمان، در کنار جاده خاکی که با عبور هر اتومبیل گردوخاک زیادی از آن برمیخواست، هم تنفس را مشکل میکرد و هم تشخیص دادن راه را. نفس این عمل خود نشانه احساس مسئولیت در امور خانوادگی بود. موسی کرمانیان درتمامی مدت عمر خود هرگز این مسئولیت سنگین را بر زمین نگذاشت و با وجود تلاش فوق العاده ای که برای کمک به تأمین معیشت یک خانواده پر جمعیت داشت، با موفقیت کامل دانشکده حقوق را پایان رساند.

در این میان، اپیدمی وحشتناک تیفوس در دوران جنگ جهانی دوم بخانه آنان راه یافت. ابتدا مادر و پدر و سپس خود موسی و چند تن از برادرانش باین مرض سهمگین (که در آن تاریخ داروی موثری برای معالجه آن نبود) گرفتار شدند و در این ماجرا شموئیل پدر خانواده جان خود را از دست داد و موسی در سن بیست سالگی، در زمانی که خود از این بیماری مهلک بزحمت جان سالم بدر برده بود، مسئولیت سنگین زندگانی این خانواده یازده نفری را، آنها در بحران اقتصادی دوران جنگ بر عهده گرفت.

بقیه در شماره آینده

کیتترینگ کاشر بهادر



اعتبار کیتترینگ های لوس آنجلسی
اورنج کانتی - سان دیاگو

محفل و شبهای پر خاطره خود را با غذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید.
بهادر کیتترینگ پر سابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر
همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرائی کند



سیستم گلات کاشر کیتترینگ بهادر

زیر نظر مستقیم ربای

Rabbi Yehuda Bukspan

میباشد



تلفن: ۷۱۳۵-۶۰۹ (۸۱۸)

18750 Oxnard St., # 415 • Tarzana, CA 91356



خاک خوب خدا

سیری در سرگذشت سرزمین اسرائیل

دکتر بهوشنگ ابرامی

۲ - شهد و شراب و اشک و خون

شادی با آه و افسوس همراه است و نخستین قدم با نخستین درد. درد نبودن موسی. جای رهبر پر توان

موسی در سرزمینی بیگانه پای در سرای مرگ می گذارد و قوم قدم بر خاک خدای بیگانه. شور و

خالی است. کجاست موسی؟ انگار سرشت روزگار از آغازین روز، زندگی قومی را که خدا خاک موعود را به او ارمغان داد با درد و افتخار هر دو آمیخته است. گوئی زندگی یهودی، زندگی بنی اسرائیل، زندگی سامان اسرائیل آئینه ایست از خود نفس زندگی: آمیزه ای از شادکامی و ناکامی و خشونت و مهربانی. در تمامی گفته های خداوند به موسی در جستجوی عبارتی باید بود که هرگز به نوشته در نیامده اما در دل هر یهودی ثبت است. عبارتی این چنین: و ادونای موسی را خطاب کرده گفت بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو اگر می خواهی به اسرائیل بودن خود افتخار کنی باید تحمل درد اسرائیل بودن را هم داشته باشی.

و این واقعیتی است که از آغاز دست یابی به ارض موعود تاکنون هرگز پنهان نمانده است. رنج و افتخار! قوم بخود می بالد که پیاداش فرمانبری از خداوند هدیه ای بس گرانبها از او دریافت داشته اما در همین حال از فقدان رهبر بی همتای خود در رنج است. موسی نیست - ولی گفته هایش که در واپسین ایام عمرش بزبان رانده در گوش قوم طنین انداز است: تمامی اوامری را که من امروز بشما میدهم انجام دهید تا به سرزمین خوبی که ادونای به پدران شما سوگند خورده وارد گردید و در آن ساکن شوید. چهل سال رهبری خداوند را در بیابان هرگز از یاد مبرید. در این چهل سال خداوند شما را رنج داد زیرا که خواست قوم را بیازماید و بداند چه در قلب او میگذرد.

و این آزمایش با ورود قوم به خاک مقدس همچنان ادامه می یابد. بارها و بارها. رنجها پایان نگرفته است اما شادبها رنگ زنده تازه ای پیدا کرده اند. خاک خدا، سرزمین نیکوئی که خداوند وعده داده بود آنرا به بازماندگان ابراهیم ارمغان دهد زیباست. اسرائیل زیباست. براستی زیباست. جذبه و کشش و گیرائی پر راز و رمزی دارد. خاک خوب خدا برای مردمی که نسلها زیر آفتاب سوزان صحاری مصر و بیابان خشک سینا گذرانده اند بهشت است. همه چیزش لطیف و پاک و رویانی است. خاک خدا نامی و نشانی از خدا دارد. سرزمین شهد است و شربست

و سنج است و مغان. آسمانش ابهتی دیگر دارد. ابرهایش سپید سپیدند. سپید برنگ بالهای قو، برنگ جامه نوعروسان، برنگ برفهای تازه از راه رسیده و برنگ یاسهای خوشبوی بهاری. هوایش عطرآگین است. نیلوفرهای آسمانی رنگش که بر دیوارهای کوتاه لمیده اند شیپور آزادی می نوازند.

ندای خدا را در این خاک بهتر می توان شنید. انگار اینجا خانه خداست. تاکستانهایش پربارند، خوشه های سرخرنگ و طلائی رنگ انگور سرمست از زیبایی و شادابی اند. دسته های خرما بر بالای درختان بلند بالای نخل و زیر تالولو آفتاب دلچسب می درخشند. اینها همان درختانی اند که قرنها بعد یهودیان نهال آنها را به شهر مدینه می برند و به همراه آباد کردن آن شهر خرما را به اعراب می شناسانند. سراسر تپه های سرسبز را درختان زیتون پوشانده اند. آب چشمه سارها پاک است و زلال و گوارا. نوشیدن این آب برای تازه واردان از صحرای سینا چه لذت دیوانه کننده ای دارد! مشگهای شراب بر گرده مردان سرگذر تشنگان را نیمه مست می کند.

روزها، در سپیده دمان، با بانک بامدادی خروسها آغاز میشوند و با آوای شاخ قوچها بر دهان شبانان و صدای زنگوله بره ها و بزغاله ها که در غروب به آغل باز می گردند پایان میرسند. شیر لذیذ گرمی که صبحگاهان از گله ها و رمه ها می دوشند نوشنده را گرمای زندگی می بخشد. همه جا نسیم نوازشگر است و آسمان ملکوتی. گندم زارهای زرین، نان خوشمزه تازه و برشته که در تنورهای زمینی پخته میشود، عسل طبیعی غلیظ خوشرنگی که سبوها را لبریز می کند و بعد دختران زیبای نوجوانی که فرشته وار درکشتزارها می کارند و میدروند، دخترانی که «آهوان رمیده» نام میگیرند و چون حوریان میمانند، احساس این را که اینجا، این خاک، بهشت است، یک بهشت واقعی، قوت می بخشد.

در این بهشت باصفا همه چیز زیباست و دل انگیز اما در آن آرامش همیشگی نیست. جاده آنرا برای قوم گلریزان نکرده اند. خاک براحتی و آسودگی بدست نمی آید. در آن شیر و شهد با اشگ و خون

در هم آمیخته اند. جنگ پس از جنگ دمار از روزگار قوم بر می آورد. رهبر سیاسی وجود ندارد. پادشاه قوی و قادری در کار نیست. یوشع جانشین موسی رابط قوم و خداست. اما او کجا تدبیر و توان و کاردانی و دورنگری موسی را در رهبری داراست؟ او خود یکجا پس از شکست از دشمن به همراه مردان عامی دیگر جامه برتن میدرد و سراسر روز بزمین می افتد و خاک بر سر می پاشد و شکوه سر میدهد که ای خداوند چرا ما را از اردن عبور دادی تا از اموریان شکست بخوریم (یوشع. باب هفتم) و این یادآور همان شکوه هائیتست که قوم چهل سال در گوش موسی خواند و او مرد و مردانه ایستاد.

تاریختنگاران در سال ورود قوم به خاک اسرائیل هم‌رای نیستند و بر پایه سال خروج از مصر که آنرا بین ۱۲۴۰ تا ۱۲۹۰ پیش از میلاد به تفاوت ذکر کرده اند سال ورود به اسرائیل را نیز گوناگون آورده اند. اما بهر شکل که حساب شود و دلائل هر تاریخ نویس که مورد قبول قرار گیرد از زمان ورود به خاک تا آغاز سلطنت شاول نخستین پادشاه اسرائیل در سال ۱۰۲۱ پیش از میلاد دست کم مدت زمانی در حدود دو قرن و نیم را در بر می گیرد.

تاریخ اسرائیل در این دوپست و پنجاه سال سخت توفانی است. صلح و آرامش و آسودگی خیال در کار نیست. خاک خدا مثل یک دریای توفانزده ای که هر چند گاه اندکی آرام گیرد و بعد با قدرتی سخت تر توفانی شود گهگاه آرام میشود و چند سالی آرام می گیرد. اما بعد، دوباره در آن توفان جنگ در می گیرد. در همه جنگها پیروزی با قوم نیست. هم شکست است و هم پیروزی. در همه جنگها خدا با قوم نیست. بارها بخاطر «شرارت و گناهکاری» قوم، بخاطر نادیده گرفتن اوامر پروردگار، بخاطر کُشش بسوی خدایان ناخداپرستان و بخاطر گزینش همسر از میان بت پرستان یکباره خشم خداوند برانگیخته میشود و از قوم روی بر می تابد و باز التماس است و خواهش و عجز و سرانجام گذشت از گناهان و اینکه قوم بار دیگر در «بوته آزمایش» امتحانی دیگر گذرانده است. جالب است که خداوند برای آنکه قوم رنج دیده

گزیده خود را بهتر و بیشتر بیازماید بارها دشمنان او را سنگدلتر و قوی تر می کند تا بر قوم چیره شوند و معلوم شود که آیا پس از در دام افتادن بدست بت پرستان، بنی اسرائیل هنوز در برابر خدایان آنان سجده می کنند یا همچنان در پرستش خدای یگانه خود پای استوارند. درینجا که همیشه قوم از آزمایش روسفید بیرون نمی آید.

رنج قوم در داخل خاک خود در این دوره دراز کمتر از رنج دوهزار سال سرگردانی او خارج از اسرائیل نیست. زندگی آرام ریشه نمی گیرد. خداوند در جدال با دشمنان بنی اسرائیل گاه با اوست و گاه سخت تنهایش میگذارد. و علت این پشتیبانی یا بی اعتنائی هم روشن. هر بار که مردم اسرائیل از خدای فرمان می برند خداوند دشمنان آنرا پست و ذلیل می کند و گاه این حمایت به اوج عجیب خود میرسد. مانند زمانی که خداوند بر دشمنان اسرائیل سنگهای تگرگ باراند و کسانی که از این راه بخاک افتادند بیش از کسانی بودند که شمشیر بنی اسرائیل آنرا بخاک افکند (یوشع. باب دهم) و هر بار که قوم سست ایمان میشود و با بت پرستان در می آمیزد خداوند از او روی بر می گرداند و تنهایش میگذارد.

جنگهای دوپست و پنجاه ساله همه بر همین روال پیش میرود. پیروزی، پیشرفت، شکست، گمراهی و گذر از خوان خطرناک آزمایش و باز پیروزی، و باز پیشرفت، و باز شکست، و باز گمراهی و باز گذر از خوان خطرناک آزمایش. و در این فراز و نشیب های تند و تیز که هر چند سال یکبار تکرار میشود خاک به خون آلوده میشود و بعد چند گاهی نفسی تازه می کند.

پیروی از خداوند یکتا، خدائی که نه میشد او را دید و نه میشد او را لمس کرد، خدائی که آفریننده ای نداشت اما خود آفریننده جهان بود، آنهم برای مردمی که پشت در پشت برده بار آمده بودند و عامی بودند و عقل و هوششان به چشم و گوششان بسته بود کاری - آنچنانکه گمان میرود - سهل و ساده نبود و از اینرو قوم نه تنها نمیتوانست بت پرستان را بسوی خدای یگانه بخواند و خداپرستی را در بازار گرم

بت پرستی، صلح جویانه گسترش دهد بلکه خودش نیز پیایی پای خداپرستی اش می لغزید و برزمین می افتاد. قوم هنوز استوار ایمان نشده بود. گاه و بیگاه، بویژه پس از هر شکست، معابدی را که در سرزمین کنعان میدید او را بیاد بتخانه های مصر می انداخت و بسوی آنها راه می برد و بعد به مصیبتی تازه دچار میشد و عجز و لابه ای دیگر و آزمایشی دیگر در کار بود. آیا واقعا در این لغزشها تمامی گناهان را متوجه قوم باید دانست؟ شاید نه. نه زیرا که در حدود دو قرن از این ایام یعنی بعد از وفات یوشع فرزندان اسرائیل، دیگر دارای یک رهبر مذهبی نیستند. تورا جز نوشته ای که از موسی به همراه لوح سنگی در صندوق مقدس نگهداری میشود به کتابت در نیامده، تلمودی نیست. سیدوری وجود ندارد. کنیسانی ساخته نشده است و اعجاز آور است که در چنین وضع و حال بعد از شکستهای پیایی و خونین و دادن قربانیان بسیار آتش یکتاپرستی در میان قوم بکلی خاموش نمیشود هیچ، برعکس پس از هر «آزمایش و توبه ای» پرشورتر و شعله ورتر هم می گردد.

جنگهای اسرائیل با دشمنان در این دوست و پنجاه سال به غایت سخت اند و خشن و خون طلب. در جهانی که برایش قانون و خدا ناشناخته اند شناخت قانون و شناخت خدا هر دو با خشونت پیش میروند. قانون کیفری موسی برای جنایاتی چون زناکاری، بت پرستی، جادوگری و آدم کشی محکومیت بمرگ را توصیه می کرد. چنین خشونتی برای انسانی که تا دیروز خود برده ای فرمانبردار بود و نمیدانست قانون چیست لازم می آمد. و حکم اعدام تا چهل سال قبل از سقوط معبد جاری بود. بهمین سان شناخت خدا برای قومی که در برابر ده ها قبیله قوی بت پرست قرار گرفته بود خشونت را از یاد نمی برد. قوم در برابر هر شهر ندای صلح میداد و دست دوستی دراز می کرد و اگر پاسخ نمی شنید - که اغلب چنین بود - مجبور بود بجنگد. جنگ چه با چنگ و دندان و چه با سپر و نیزه و اسب و ارابه و فلاخن و سنگ. و اگر چنین نمی کرد بالمال در میان دیگر اقوام حل میشد و خداپرستی برای جهانیان همچنان ناشناخته

میمانند. جنگید. سخت جنگید. نسلی پس از نسل دیگر جنگید. دو قرن و نیم در راه خدا و خاک خوب او جنگید و از نفس نیافتاد و در این جنگها چه جوانهائی که بخاک و خون نیافتادند و چه مردانی که در راه مبارزه جان نباختند و چه زنان و کودکانی که شب و روزشان با اشگ و آه نیامیخت.

جنگهای دوست و پنجاه ساله قوم با اقوام بت پرست، از روز ورود به اسرائیل تا پادشاهی شاول، همه جنبه های جنگی دیگر را بهمراه داشت. در آنها نبرد تن به تن بود، حمله شبانه بود، حمله جنگی بود، ترور بود و خودکشی مبارزه جویانه هم بود.

ترور؟ چرا که نه - بهر شکل شده باید دشمن را از پای آورد. یکبار پادشاه موآب دشمن سرسخت قوم بر بنی اسرائیل چیره میشود. نجات دهنده ای بنام «ایهود» که مردی چپ دست است بمیان می آید. سران قوم هدیه ای گرانبها بدست «ایهود» میدهند تا آنرا به پادشاه موآب پیش کش کند. «ایهود» دشنه ای دودم زیر جامه به ران راست خود می بندد و نزد شاه موآب که مردی فربه است میرود. شاه از دریافت هدیه خشنود و خوشحال است و «ایهود» آماده کار. قدمی پیش میگذازد و آهسته به او میگوید که پیامی پنهانی دارد که کسی نباید از آن آگاه گردد. شاه همه حاضران را بیرون می فرستد. «ایهود» در خلوت، دست راست خود را دراز میکند و دست شاه را می فشارد و بیکدم دشنه را با دست چپ از ران راست خود بر می کشد و در شکم برآمده شاه فرو می کند و پای به گریز می گذارد. شاه دشمن در خون می غلتد و جان میدهد و قوم قیام می کند و دشمن را شکست میدهد. (داوران. باب سوم)

حمله جنگی؟ بیگمان که بکار میرفت. زمانی که امواج پیروزی بنفع قوم بود و قبایل بت پرست در ارض موعود یکی پس از دیگری از بنی اسرائیل شکست می خورند، ساکنان شهر «جبعون» به حمله توسل جستند، جوالهای کهنه بر الاغهای خود نهادند. جامه های ژنده و پاره پاره بر تن کردند و کفشهای کهنه برپا، و در اتبونه خود نان خشک کپک زده جای دادند و با چهره هائی خسته و خاک آلود به نزد یوشع

آمدند و به زاری گفتند: ما از راه دور آمده ایم و می خواهیم بندگان تو باشیم زیرا که اسم یهوه خدای ترا در زمین بسیار دور خود شنیده ایم. با ما عهد ببند و ما را از آسیب مصون دار.

یوشع می پذیرد و با آنان از در صلح برمی آید اما در پیشروی قوم معلوم میشود که شهر «جیعون» بر سر راه قوم و مکان شکست پذیر بعدی بوده است. و اهالی شهر پیش از آنکه به بلای اهالی بت پرست دیگر شهرها دچار گردند پیشدستی کرده اند و برای آنکه جانشان را از دست ندهند به مکر و فریب توسل جسته اند. نیرنگشان که آشکار میشود بنی اسرائیل آنانرا زنده نگه میدارند و آسیبی به آنان نمی رسانند اما مردانشان را به هیزم شکنی و سقائی وامیدارند (یوشع. باب دهم).

خودکشی مبارزه جویانه؟ این یکی دیگر شاید نیازی به بازگویی نداشته باشد. کیست که داستان شمشون و سرانجام تلخ اما پیروزمندانه او را نداند. او خود یکی از داوران این دوره دراز است. یلی است که زور و توانش افسانه مانند است. پهلوانی بالاتر از هرکول یونان و رستم ایران. دلیله محبوبه او به تحریک دشمنان قوم راز قدرت او را بهر نیرنگ شده در می یابد و در اختیار آنان می گذارد. و زمانی که پهلوان نیرومند در خواب است، دلیله و توطئه گران موهای بلند سر او را که از نوزادگی بعنوان فرزند نذری تراشیده نشده کوتاه می کنند. نیروی پهلوان زورمند از میان میرود. در چنگ دشمن اسیر میشود، دیدگانش را از حلقه در می آورند و در سیاه چال زندانی اش می کنند. روزیکه دشمنان در معبد بزرگ خود در غزه جشنی شورانگیز بپا کرده اند و هزاران تن از آنان در تالارها و راهروها و حتی برپام معبد گرد آمده اند برای تفریح و شادمانی بیشتر شمشون را از زندان به معبد می آورند. پهلوان را که در زندان موهای سرش بار دیگر بلند شده بین دو ستون می بندند. یکدستش را بیک ستون زنجیر می کنند و دست دیگرش را بستونی دیگر. شمشون دلشکسته ی دیده از دست داده چشمان نابینایش را بهم میگذارد و در دل می گوید: پروردگارا! یکبار دیگر بمن نیروئی عطا کن تا دشمن را بخاک

بنشانم.

آنگاه همچنانکه ایستاده است دستها را بهم نزدیک می کند و آرام آرام خم میشود. معبد فرو می ریزد، توفانی از خاک بپا میشود. هزارها تن از افراد دشمن جان می سپرند و شمشون با خودکشی اش ضرب شستی دیگر بدشمن نشان میدهد.

در دهه های نخستین این دو قرن و نیم یوشع رهبر مذهبی سیاسی است و اوست که زمین را با قرعه بین قبایل قوم تقسیم می کند، اما پس از مرگ او تا آغاز پادشاهی شائول ثبات سیاسی از خاک خدا رخت بر می بندد، هر چند گاهی یکی بعنوان «داور» برخاک حکم میراند اما بین این داوران که درمدتی فزون بر دوست سال بسیاری از آنان می آیند و می روند هیچگونه تشابهی وجود ندارد. داور این دیار مقدس ممکنست شیرزن شاعری چون دبورا باشد که می سراید: «... من دبورا برخاستم. در اسرائیل مادر برخاستم». ممکنست «ایهود» ی باشد که شاه دشمن را ترور کرد، ممکنست شمشون دلاور پیل تن باشد و یا ممکنست افرایم صلح دوست، یا ابی ملک حاکم سنگدل، یا «تولع» آرام و یا «یانیر» دارا مرد. هر یک از اینان از دو سه سال گرفته تا بیست سی سال دآوری می کنند و چون در می گذرند باز قوم کجروی می کند و خدایان غیر را می ستاید و خشم خدایرا بر می انگیزد (داوران. باب دوم) و به استناد بهمین گفته کتاب مقدس می توان گفت که در دو قرن از این دوره نه تنها ثبات سیاسی بلکه ثبات مذهبی هم در اسرائیل وجود نداشت.

قبایل دشمن که می بایست از میان میرفتند تا قوم با خیال آسوده بر اسرائیل ساکن شود یکی و دو تا نبودند، حتی ها، اموری ها، کنعانی ها، فرزری ها، یبوسی ها، حوی ها، مدی ها، عامی ها، یرموتی ها، قادشی ها ... و مگر تمامی داشتند این گروه های دشمن که گاه قوی ترین آنها با هم همدست میشدند تا بنی اسرائیل را یکباره نابود کنند و هرگز با وجود «گناهان و شرارتهای» قوم توفیق نمی یافتند. ممکن بود که قوم را شکست دهند که بارها چنین شد اما دیری نمیگذشت که خود شکست می خوردند و از پای

قوم بنی بنیامین و بنی اسرائیل بجان هم افتادند و پایه جنگهائی را نهادند که در زمان داود و پس از سلیمان گریبانگیر سرزمین اسرائیل شد.

با اینهمه زمانی که اندک اندک خاک خدا میرفت که عظمت تاریخی خود و ثبات سیاسی اش را باز یابد در این خاک خسته درخشش دیگری در گرفت که باید از جهت حقوق اساسی یکی از بزرگترین افتخارات قوم به حسابش آورد. و آن تفکیک نظام مذهبی از نظام سیاسی در اسرائیل بود. «شموئیل نبی» در یک خط و «شائول» پادشاه درخطی دیگر این سرزمین را ره می بردند. جدائی مذهب از سیاست که هنوز دنیای غرب با همه ادعای «متمدن» بودنش نتوانسته بدرستی به آن دست یابد و قسمتی از دنیای شرق تا گلو در مرداب آن غرق است در اسرائیل سه هزار سال پیش در حد کمال و بی هیچ کشاکش و کشمکش به انجام رسید.

این تنها خدا و قانون نبود که اسرائیل به دنیا شناساند.

در می آمدند زیرا که خدا از گمراهی قوم چشم می پوشید و به او ندا میداد که: مترس، پیش برو، بت پرستان را از این خاک دور کن، آنها را درو کن، سرزمین ابراهیم از آن تست.

بدنیال جنگهای پی در پی طولانی همه دشمنان محو شدند جز یک گروه. در کتاب یوشع و کتاب داوران با آنکه شرح قدرت هراس انگیز این اقوام در فصول اول لرزه براندام می اندازد اما بتدریج در فصول آخر دیگر از آنها و ملوک آنها و شهرهای آنها و ساز و برگ آنها نامی برده نمیشود. فقط یک قوم میماند: فلسطینیان.

جدال قوم با دشمنان که بیش از هشت نسل بدرآزا کشید با اشگ و خون و جنگ و کشتار پیوستگی جدا ناشدنی یافت و سرانجام به پیروزی انجامید و سرزمین بزرگ در اختیار قوم قرار گرفت و پایه خداپرستی استوار و ریشه دار شد.

جنگ و ستیز و دشمن کشی در این دوران دراز چنان رواجی گسترده یافت که خوی ثانوی قوم شد و در آخرین سالیان این دوره به برادر کشی بدل، دو

بسوی قربانگاه

حاری داستانهای کوتاه

نوشته نوراله خرازی (نوری)

منتشر شد



Hariborz Fred Matloob
UNIT OF B'NAI B'RITH

بنی بریت، گروه فریب بر مطلوب

کلیه وجوه حاصله از فروش این کتاب

بمصرف امور فرهنگی و خیریه خواهد رسید

۰۷۸۷ - ۹۸۶ (۸۱۸)

افتتاح مطب جدید

دکتر فریدون امانوئل جراح، دندانپزشک در بورلی هیلز

دارای بورد دندانپزشکی عمومی و زیبایی از امریکا

مطب مجهز به آخرین سیستم دستگاه های دندانپزشکی و مدرن ترین سیستم استرلیزاسیون
دندانپزشکی اطفال و بزرگسالان

- * چک آپ کامل
- * پر کردن و جلوگیری از پوسیدگی دندانها
- * روت کانال و درمان ریشه های عفونی
- * جراحی دهان و دندان و جراحی لثه
- * دندانپزشکی زیبایی شامل روکش های چینی، پوسته های چینی و ناندینگ و ترمیم دندانهای شکسته و بدرنگ با پوسته های چینی
- * کراون و بریج
- * ایمپلنت با گروه متخصص
- * رعایت دقیق و کامل استرلیزاسیون
- * اغلب بیمه های دندان و مدیکل پذیرفته میشود و برای کسانی که بیمه ندارند تسهیلات مناسبی در نظر گرفته شده است.

=

Root Canal

Perio Treatment

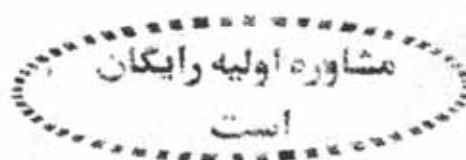
Veneers & Bonding

Crown & Bridge

Implant With Speciality Group

Auto Clave

پذیرائی: علاوه بر ایام هفته شب ها و روزهای تعطیل با تعیین وقت قبلی مریض پذیرفته میشود.



FRED F. EMMANUEL D.D.S.

General & Cosmetic Dentistry

9301 Wilshire Blvd., Suite 407

Beverly Hills, CA 90210

Tel : (310) 278 - 3666

Fax : (310) 278 - 6495

سائری ها

برای من. که از آغاز بلوغ شهروddیار و یاران و کسان را به هوای دیدن دنیائی دیگر ترک کرده ام. برخوردار مجدد با این فامیل بزرگ و پراکنده یک نوع بازگشت به گذشته است.

و من هرگز به گذشته تکیه نکرده ام و کمتر بآن خیره میشوم. دوست دارم گهگاه زیر چشم نگاهی بآن بیندازم. اما خیلی زود راهم را ادامه میدهم.

اجازه نداده ام شکوه و جلال گذشته چنان شیفته و سرمست و یا گیج و کورم کند که جلوه های کوچک و ناچیز اما زیبای زندگیم را نادیده بگیرم. و هیچوقت نگذاشته ام نابسامانیها مثل زنجیر پای بند و گرفتارم کند و مرا از پیمودن و ادامه راه زندگی باز دارد.

بخود تلقین کرده بودم که اگر سایه های تاریک گذشته را از روشنی صحنه زندگی دور کرده ام. کسانی را هم که در پدید آمدن این سایه ها نقش داشتند از یاد برده و فراموش کرده ام. بعبارت دیگر خیال میکردم خود را از قید وابستگی ها و زن همبستگی نجات داده ام.

و مسئله باین سادگی هم که فکر میکردم نبود گذشته بار سنگینی است.

بدنیال خاطرات تکه و پاره شده و مبهم اما مداوم دوران کودکی خود میروم و کوشش میکنم تا از آنها عکسی بیادگاری بگیرم. میخواهم آنها به بچه هایم که بسیاری از افراد این قبیله بزرگ را ندیده اند نشان دهم. اما ...

نمیدانم از کدام زاویه در دوربین نگاه کنم تا هر چیز را آنطور که سرجای خود هست و با بی نظری نشان دهم. میل ندارم نکته ای را نادیده



گرفته و یا مسئله ای را بزرگتر از آنچه که هست جلوه دهم. آهسته اما راسخ دوربین را به همه طرف می چرخانم. خوبیها در کنار بدیها، گریه ها در جوار خنده ها و شادیها و کینه ها و خصومت ها در لابلای دوستی ها و محبت ها. همه را با هم بروی صحنه میآورم - اینها همه با هم و به موازات هم شخصیت کنونی مرا پرورش داده اند. و بهیچ وجه و تحت هیچ عنوانی میل ندارم قسمتی از وجود خود را انکار کنم. نمیخواهم تصویری خیالی و غیر از آنچه که هست باین دو بیننده مشتاق و بی خبر از همه جا نشان دهم. در زندگی هرگز نظر موافق و مثبت و یا خوش آمد گوئی کسی را نخریده ام و این کار را با جگر گوشه هایم شروع نخواهم کرد. باید به نحوی با گذشته من و ریشه وجود خویش کنار بیایند.

اشتباه ها و لغزشهای بزرگان فامیل که ریشه در دیکتاتوری و خود بزرگ بینی دارد، ناسازگاریها و دشمنی ها و دخالتهای بیمورد که ناشی از درهم و با هم زیستن خویش و قومی است و نابسامانی و سرخوردگی جوان ترها که حاکی از اطاعت کورکورانه و بی ارادگی خود آنهاست - اینها همه را نه با کینه و خشم بی مورد و بی ثمر و نه با چشم پوشی و گذشت بی نتیجه، تنها با واقع بینی سازنده در این عکس یادگاری می گنجانم و به بچه هایم میگویم: «گذشته نه تاج افتخار و مدال پیروزی است و نه چوبه دار و یا چماق تکفیر. تنها چرکنویس زندگی آینده است. خطاهایش متاسفانه قابل اصلاح شدن نیست. اما میتوان آنرا حذف کرد». سعی میکنم به پسرم بفهمانم که چرا در از دست رفتن یک خویشاوند بسیار نزدیک که قبل از مرگ طبیعی از صحنه زندگی دور شده بود اشگ میریزم. بالاخره دل بدریا میزنم و با صراحت همیشگی میگویم: «ما همه در حقیقت برای آنچه که سالها پیش راحت و ارزان و شاید سخت از دست رفته گریه میکنم. بر آنچه که بریاد فنا رفت. بر پایان سالاری ها».

و باز دست بدامان خاطرات دوران کودکی می شوم، نه برای اینکه به ریشه آیین پاشیدگی و فرو ریختن این کاخ پر ابهت پی ببرم، که کاری است

دشوار. این تار عنکبوت چنان درهم پیچیده که شکار و شکارچی را هر دو با هم بکام خود فرو برده و از آنها جسم واحدی ساخته - آنچنانکه تشخیص یکی از دیگری را مشکل کرده است. کنجکاوام تا بدانم به هوای کدام دانه باین دام افتاده اند و در ازای این اسارت و درماندگی چه چیزی دستگیرشان شده. اما حقیقتی بجا نمانده. آثاری برای حلاجی باقی نیست. وصلت های ناجور و اجباری ... جدائیهای خواسته و ناخواسته ... عشق های بی سرانجام و نیمه کاره ... جوانهای از دست رفته و ناکام ... و سالخورده های چشم انتظار مرگ ... یک میز بزرگ قمار که عده ای پاک باخته را گرد هم آورده. دیگر نه پول و ثروتی، نه اسم و مقامی. دریغ از این سالاری ها که بیاد فنا رفت، افسوس بر این عمر که بیهوده گذشت و حیف از اینهمه غرور بی پایان که در زندگی خم نشد اما با مرگ به زانو در آمد و خرد شد. و چه گشاده باز است این مرگ که آنچه را که زندگی از ما دریغ کرد و به ما روا نداشت، به ما ارزانی داشت. کنار هم آمدن و سر در آغوش یکدیگر فرو بردن را.

اما افسوس که دیگر فرصت کم است ... راه زیادی بجا نمانده تا شانه به شانه هم قدم بزنیم. آنچه که هست سرایشی پایان است که شاید میتوان دست در دست آنرا پیمود. اما محتاط باشیم ...

گذشته را برای یکدیگر توجیه نکنیم که کاری است بیهوده. چرا که هر یک از ما روشی متفاوت از دیگری برای سنجش حقیقت دارد ... و بخشیدن؟

بخشیدن مکاتیزم بسیار پیچیده و نامفهومی است. در بسیاری از موارد این خود ما هستیم که خود را نمی بخشیم. و این صلیب هولناک و سنگین زندگی انسان است. وقتی که انسان کلاه خود را قاضی میکند، حکم به محکومیت خود میدهد. اینجا دیگر کاری از دست دیگران بر نمی آید، حتی از دست خدا! و پیامبرانش. پس چه بهتر که مزاحم آنها نشویم و دست از سرشان برداریم!!

حداقل تظاهر به باور داشتن را به جمع گناهان خود اضافه نکنیم که پشیمانی را متزلزل میکند و اعتراف به گناه را بهمچنین.

دفتر حقوقی

فرهاد اریل

(فرهاد یاقوتی اریل)

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا



Law Offices Of

FRANK Y. ARIEL

آسیب بدنی ناشی از تصادفات اتومبیل، تصادفات در محل کار یا زمین خوردگی

امور جنایی (سرقت از مغازه ها و رانندگی تحت تاثیر الکل و مواد مخدر)

تنظیم وصیت نامه ، تراست (TRUST)، و انحصار وراثت

امور تجاری و بازرگانی (تشکیل ، ثبت و انحلال شرکتها)

امور ساختمانی و معاملات املاک

امور مهاجرت و تابعیت

امور مالی و ورشکستگی

روابط مالک و مستاجر

امور کالکشن COLLECTION

(310) 286-2626

1801 CENTURY PARK EAST, TWENTY-FOURTH FLOOR, CENTURY CITY, CA 90067

از: ناصر حکاکها

ساقی نامه

سالها بود که دوست و همکار ادیب ما، ناصر حکاکها، قلم را زمین گذاشته - نه می سرود و نه می نوشت. خوانندگان شوفار بیاد میآورند که ناصر، در چند مطلب پیاپی، به بررسی و تحلیل شاعران صاحب نام ایرانی چون مولانا و سعدی و حافظ نشست و این نوشته ها که نظری بود بر کار ابرمردان شعر و ادب فارسی از دیدگاه یک صاحب نظر یهودی ایرانی، تا چه حد مورد استقبال قرار گرفت.

اخیراً ناصر حکاکها، پس از سالها خاموشی، بناگاه قلم برداشته و شعری سروده بیش از صدبیت، نوشته های خوب ناصر باید روزی در مجموعه ای گردآوری شود و جای همه این شعر زیبای بلند در چنان مجموعه ای است. اما، ما در اینجا چند بیت از این شعر را برای شما نقل میکنیم با این مژده که ناصر بما قول داده - اکنون که دوباره با قلمش آشتی کرده، برایمان قلم بزند.

بیا ساقی امشب تبنای کنیم
برغم فلک شادمانی کنیم
بیا ساقی امشب می هفت جوش
به من ده که از دل برآرم خروش
شوم بیخود و های و هویی کنم
همه پرده ها را به سوئی زرم
روم سوی بالا به پیش ملک
بپرسم از او راز چرخ فلک
بپرسم که جبر است یا اختیار
سر نخ بدست که دارد قرار
اگر جبر حاکم بود بر بشر
چه معنی دهد در جهان خیر و شر
اگر اختیار در کف آدم است
چسانست که راهش همه پر خم است
اگر حاکم است این بشر در جهان
چرا از بلایا ندارد امان
کجایست ساقی می خوشگوار
که شیرین کند تلخیش روزگار
شرابی که سازد مرا مست مست
زمان را شکافم روم تا الس
که شاید زخلقت سرآرم برون
رهاگردم از دست جهل و جنون

از: جهانگیر صداقت فر

پائیز

لکه های سرخگون دارد به دامن
کولی پائیز:
عقده بگشا ابر
تا بشویم از حریم باغ
خون دل ها را.

خون فشانی میکند باد سحر در باغ.
ز آنسب اینگونه سرخابی است
کونه های ابر پائیزی.

ابر، پنداری،
مسلخ پائیز را
از داغ خون لاله میشوید
کاینچنین دامان خاک باغ
رنگین است،
کاینچنین پاکوب سم باد
خونین است.

- «دوباره،
باغبانا،
در این غروب غم انگیز
در مرگ کیست باغ
اینگونه داغدار؟
- «برگشته بخت،
شهدخت تاجدار،
دوشیزه ی بهار.»

به بوم کهنه ی آفاق
باشیده رنگ سرخ
پیر نقاش سحرخیز:
خون گریه میکند انگار
در این پگاه غم انگیز،
پائیز.

مرغ زرین پر

* بیاد نمیآورم که در ایران مرغ زرین پر را دیده باشم، پرنده ای که در این دیار - شاید بخاطر صدائی که بالهایش هنگام پرواز ایجاد میکند - به مرغ هممه گر یا Humming-bird معروف است؛ که میتواند چون هلیکوپتر، هنگام پرواز ساکن باشد.

* این داستان، بدلیل طولانی بودنش، در چند شماره متوالی منتشر میشود. اما در عین حال سعی شده است که هر بخش در حد خود داستانی جداگانه نیز باشد.

* هرگونه تشابهی میان اسم های شخصیت ها و همچنین و متن این داستان با زندگی واقعی هر شخصی تصادفی است.



مرا گفתי ای نازنین
که یکروز آخر
شاید در لحظه ای
که هیچ انتظارش را ندارم
عشق، خود بسراغم میآید
و من گفتمت
تو کی خواهی آموخت
که هر لحظه از هستی من
انتظاری است از بهر آن لحظه
تو کی خواهی ام دید
دراوج پرواز
تا تارک هستی تو
و آنجا،
سکون جین پرواز

پروانه از خانه خود که بر تپه های مشرف به اقیانوس آرام قرار دارد بیرون آمده پشت رل می نشیند. سویچ میزند و از سرازیری تپه بطرف پائین بره می افتد.

سایه روشن بامدادی یکی از آغازین روزهای پائیز است. آفتاب از افق دور دست، آنجا که آسمان آبی با نیلی دریا میعاد می کشد، سر میزند. هر چند سالهاست که در نزدیکی اقیانوس آرام زندگی میکند. اما کمتر این فرصت را داشته تا در آرامش بامدادی به تماشای تولد خورشید بنشیند. کمی پائین تر، اتوموبیل خود را در گوشه ای از سرازیری خیابان متوقف میکند و به تماشا می نشیند.

خورشید به آرامی از انتهای دریا به بالا سینه می کشد و اشعه سرخ گون آن بر تکه های ابری که اینجا و آنجا در آسمان پراکنده شده می تابد. لحظه هائی بعد سطح دریا چون آئینه ای است پرنور که تصویر ابرهای پراکنده جایجای بر آبی سرخگون آن سایه می افکند و این تابلوی بزرگ، صحنه باله ای را میماند که پرده آن به کنار رفته، نور صحنه لحظه به لحظه زیاد می شود و تماشاگران در انتظار رقصندگانند.

پروانه سر بلند می کند و فوجی از پرندگان دریائی را می بیند که به شکلی نعل گونه و هماهنگ، در زمینه شفاف آسمان بال می کشند - رقصندگانی که با گردش های نرم و آرام خود گویی همه در کارند تا نمایشی پر شکوه ارائه دهند: بالا آمدن خورشید که نوای موسیقی را میماند، بازتاب اشعه آن بر پهنه اقیانوس و جهش این اشعه تا روی تن پرندگان دریائی و برق برق زدن بالهایشان. نمایش گویی آغاز شده است و صحنه حیرت انگیز است. پرندگان دریائی با پیچش هائی موزون، چون بازیگرانی که گویی نمایشی را ده ها بار با هم تمرین کرده اند، بر صفحه آسمان شکل ها و فرم های گوناگون تصویر می کنند: گاه نیمدایره ای، گاه چند نیم دایره، سپس یک خط صاف و بعد چند دایره چون زنجیر بهم بافته. و به آهنگ بامدادی میخوانند و صبحگاه را صلا میدهند.

پروانه به درختان اطراف خود نگاه میکند. تنها چندتائی که آن بالاها بر روی بلندی های بادگیر

مشرف به اقیانوس قرار دارند، به تیر خزان دچار آمده و رنگ باخته اند. اما طبیعت همیشه بهار لوس آنجلس، مثل بقیه فصل ها، سرکنار آمدن با پائیز را ندارد. درختان، تقریباً همه، ایستا و سرسبز - ماندگارانی که گویی ابدیت سبز بر پیشانی شان حک شده است.

بخود می اندیشد: «منظره ای که شاید همه مردم این شهر باید از خواب بامدادی خود برخیزند و به تماشایش بنشینند».

پروانه به فرودگاه میرود. پرواز ساعت هشت صبح میرسد. یکی دو ساعتی وقت دارد. تصمیم میگیرد به کنار آب رفته کمی قدم بزند. ماشین را روشن میکند. پنجره را پائین میکشد و بره میافتد. نسیم دریا به چهره اش میخورد و از میان گیسوانش به پشت گردنش میدود. مورمورش میشود و لبخندی میزند. در پائین سرازیری به چراغ قرمز جاده ساحلی میرسد. وانتی در کنار اتوموبیلش توقف میکند. راننده اش کارگری موبور است که هیكلی درشت دارد و صورتی نتراشیده. گردن میکشد و بدامن پروانه که از روی پاهایش لغزیده نگاه میکند و لبخندی میزند. پروانه خودش را جمع و جور میکند دامنش را پائین میکشد و به رویو نگاه میکند. چراغ سبز میشود و هر دو بره می افتند. راننده وانت بوق کوتاهی میزند. دستش را از پنجره بیرون میآورد و تکان میدهد و پا به گاز ناپدید میشود.

در آنسوی شاهراه، پروانه وارد پارکینگی شده از ماشین پیاده میشود و پا بر جاده ساحلی میگذارد. با نفسی عمیق هوای نم آلوده اقیانوس را بدرون ریه های خود می کشد. روی یکی از نیمکت های کنار جاده، دختر و پسر جوانی که می بایست اهل امریکای جنوبی باشند، یکدیگر را تنگ آغوش گرفته و بی توجه بدنای اطرافشان مشغول مغازه هستند. پسرک لاغر است و سیاه چرده و دختر چاق و سفید با موهای سیاهی که ناشیانه برنگ طلائی در آورده شده. هیچ کس را به دنیای آنان راهی نیست. اگر بنا بود تمام شهر را وادار میکردی تا از خواب ناز بامدادی برخیزند و به تماشای طلوع آفتاب بنشینند، ایندو را میشد معاف کرد - چرا که در دنیای معصومانة خود شاهد هزاران



هزار رنگین کمان بودند.

زنان و مردان، پیر و جوان، دسته دسته در جاده ساحلی میدوند و گهگاه می بینی که بیکدیگر دستی تکان میدهند یا «های» میگویند. همدیگر را نمی شناسند یا اگر هم بشناسند، آشنائیشان بخاطر کارمشابهی است که هر بامداد انجام میدهند: در امتداد جاده ساحلی میدوند و از روبرو بهم نگاه میکنند.

زن و مردی درحال دویدن بهم میرسند، بیکدیگر «های» میگویند و رد می شوند. پروانه از کودکی عادت دارد روی افرادی را که برای اولین بار می بیند اسم بگذارد. اسم زن باید کارولی باشد. زنی میان سال و ریز نقش که باید هر روز صبح دویدن را فریضة خود بداند. اسم مرد که موهای خاکستری دارد و او هم قاعدتا باید هر بامداد بدود و در جهت مخالف میدود، باید جان باشد. اینها بهم میرسند «های» میگویند و رد میشوند. پروانه با خود فکر میکند: «آیا در ذهن جان، هنگام سلام گفتن به کارولی، چه میگذرد؟ آیا این نظر بازی او را بیدار آرزو و یا وهم در آغوش کشیدن این زن ریز نقش ناآشنا می کشد یا فقط درباره او کنجکاو است و یا هیچ کنجکاوای هم ندارد. تنها یک سلام است و والسلام؟ و آیا آن پرنندگان دریائی که در بالای سر او در پروازند چطور؟ آیا پرنده زن که پشت سر پرنده مرد در پرواز است، بالهای نیرومند و پیکر پرتوان او را ستایش نمی کند؟»



پروانه به فرودگاه به پیشواز فرهاد میرود - دوست و همبازی زمان کودکیش. پدرانسان با هم دوستی دیرینه ای داشتند و همسایه دیوار به دیوار بودند و این نزدیکی عاطفی، از میان فرزندانشان، بیشتر از همه به پروانه و فرهاد سرایت کرده بود - دو کودک آرام و هم خو که بیشتر وقت خود را به بازی با همدیگر میگذراندند.

با هم، هم سن بودند - یعنی در حقیقت فرهاد دو سه ماه زودتر از پروانه بدنیا آمده بود. و چون مادر پروانه شیر کافی نداشت، از سینه مادر فرهاد تغذیه شده بود. با هم بزرگ شده بودند - درست مثل یک خواهر و برادر. هر دو بچه های آرام و ساکتی بودند و شاید هم باین دلیل بود که با دیگر هم سن و سالهای خود زیاد قاطی نمی شدند. در عوض، این تشابه رفتاری آنها را به یکدیگر خیلی نزدیک میکرد.

بیش از هر چیز، تعطیلات تابستان - که ایندو ساعتی متمادی را با هم میگذراندند - در ذهن پروانه مانده بود. که با هم، تنها او و فرهاد، بدور از هیاهو و جمع دیگر بچه ها، به بازی می نشستند ...

امروز عروسی پروانه بود. تور کوچکی به سر میزد و یکی از دامن های مادرش را که سفید رنگ بود میپوشید و بدور کمر آن که برایش خیلی گشاد بود، نخ می بست. پروانه حالا که این صحنه را بیاد می آورد، خنده اش میگرفت - چه شکل و شمایل مضحکی پیدا میکرد وقتی عروس میشد. اما در دنیای کودکیش، خود را فرشته ای سبکیال میدید. و چه معصومانه در کنار عروس، دامادی خیالی راه میرفت که یکی از دوستان فرهاد بود. و فرهاد با این دامادک، پیش و حین و پس از اجرای مراسم عروسی، بگومگویی فراوان داشت: «مبادا با عروس بد رفتاری بکنی ها! اگر اینکار را بکنی، سروکارت با من است ...»

فردا، عروسی فرهاد بود. پروانه خودش به خواستگاری رفته بود. موهای عروس طلائی بود که از شانه هایش پائین میریخت - عین عروسکش که تازگی مادرش برایش خریده بود. فرهاد یکی از کت های پدرش را می پوشید و روی زیر پیراهنی چروکیده اش کراواتی را که از کمد پدرش برداشته بود، به گردن

می بست - یک داماد کامل! پروانه بیاد میآورد و لبخند میزد.

و پس فردا، در دنیای کودکانه شان، فرهاد و زنش به خانه پروانه و شوهرش مهمان بودند.

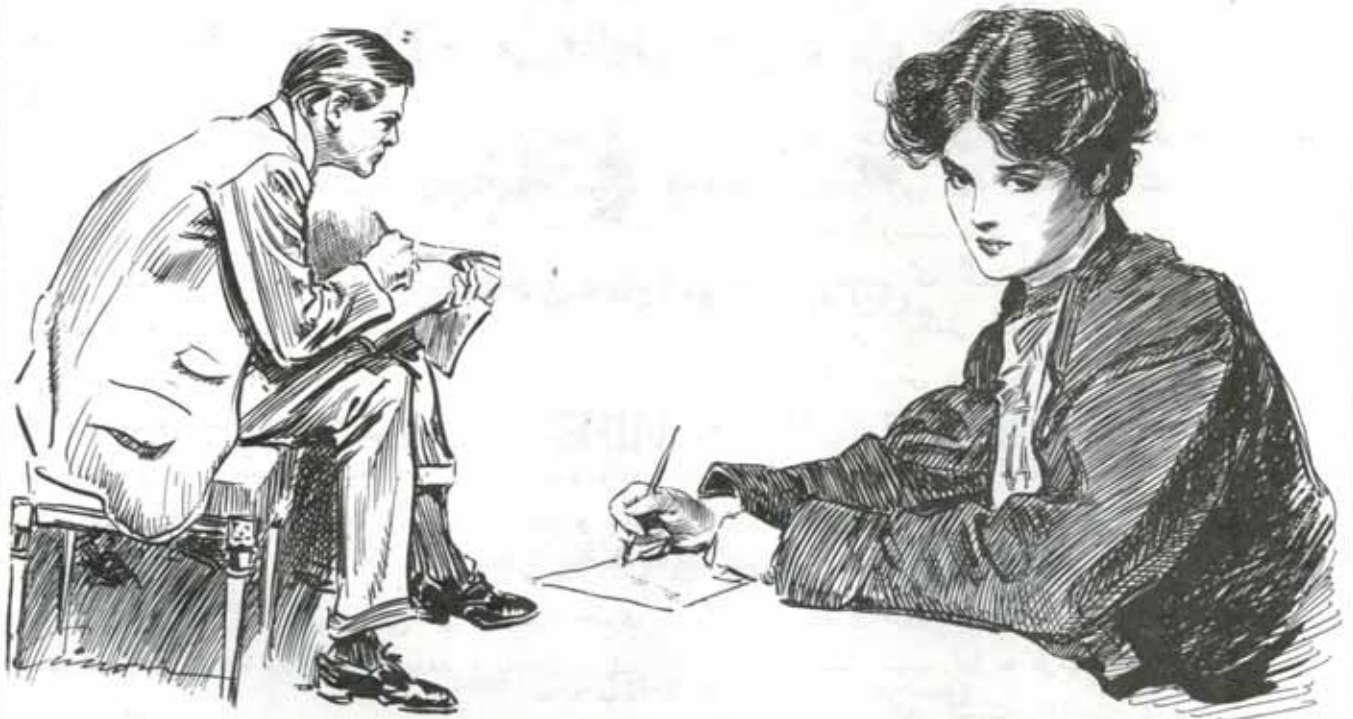
هوشنگ، برادر بزرگتر پروانه همیشه با فرهاد در جنگ و جدال بود. از اینکه غریبه ای جایش نشسته بود و خواهرش با فرهاد نزدیکتر بود تا با او، غبطه میخورد - اما دوستی پروانه و فرهاد حال و هوای دیگری داشت.

بدین سان بود که پروانه و فرهاد با هم بزرگ شدند، بمدرسه رفتند و پس از اتمام تحصیلات دبیرستانی فرهاد به دانشکده فنی رفت که مهندس بشود و پروانه به دانشکده ادبیات چرا که عاشقانه ادبیات سرزمینش را دوست میداشت. و ایندو در سال دوم دانشکده بودند که آتش انقلاب زبانه کشید.

شلوغی دانشگاهها، یورش مردم به خیابانها، هیاهو و جنجال، مرده باد و زنده باد، نابود باید گردد ... و در کشاکش این بلبشو و اوج بحث و جدل های عقیدتی بود که پروانه و فرهاد دریافتند که خط فکری آنها در مورد موضع سیاسی شان نیز مشترک است و آن اینکه عضو هیچ حزب و دسته و گروهی نیستند و هیچیک از مکاتب سیاسی زائیده از موج انقلاب جوابگوی طرز فکر ساده و صادقانه آنان نیست. ایندو تنها سرزمینشان را دوست داشتند و تنها چیزی که میخواستند حق زیستن بود در زادگاهشان.

با بسته شدن دانشگاه ها، بار دیگر پروانه و فرهاد در گوشه حیاط خانه هاشان، مانند دوران کودکی خود، با هم به گفتگو نشستند - اما این بار گفتگوها محتوای دیگری داشت. این بار از آنچه که بر سرزمینشان و بالمآل بر زندگی آنان میرفت سخن میگفتند. و این خود فرصت دیگری بود که بیشتر و بیشتر هردوی آنان دریابند که تا چه حد با هم بیگانگی فکری دارند.

با گذشت زمان، سخن از رفتن از ایران بود و پناه جستن در سرزمینی بیگانه ... دیگر کی میتواند توی این مملکت زندگی کند؟ ... درس و زندگی ما و بچه های دیگر چه میشود؟ ... با این شلوغی ها،



کی کار این مملکت سروسامان خواهد گرفت؟ ... باید رفت ... باید رفت.

آنچه جدائی این دو خانواده از سرزمینشان بدنبال میآورد، جدا شدن از یکدیگر هم بود. پدر فرهاد سالها بود نماینده یک کمپانی انگلیسی در ایران و خاورمیانه بود و با مذاکراتی که با کمپانی مزبور کرده بود، از او دعوت کرده بودند تا در دفتر لندن آنها بکار مشغول شده بدنبال فعالیتهای خود را ادامه دهد؛ اما بیشتر بستگان پدری و مادری پروانه قصد رفتن به امریکا و کالیفرنیا را داشتند.

و در این گیرودار، در یک بعدازظهر پائیزی، پروانه و فرهاد در گوشه ای از حیاط خانه فرهاد نشسته اند و از اینکه پس از عمری دوستی باید دو خانواده هر یک به قاره ای آواره گردد سخن میگویند. آفتاب کمرنگ بعدازظهر، مگس های چاق و بیحال که وقتی بروی دست یا صورتت می نشینند نای بلند شدن ندارند، برگهای خزان زده ایکه با شاخه های خود وداع گفته به بستر مرگ سقوط میکنند، و بوی مربای به که مادر فرهاد با هل و میخک مشغول پختن آن است ...

فرهاد دست در جیب خود کرد، چند صفحه کاغذ در میآورد و بدست پروانه داده میگوید: «این را بخوان، ولی پیش از آنکه تمامش کنی، یک کلمه هم حق نداری با من حرف بزنی». پروانه می پرسد:

- چیه، اعلامیه های انقلابی است؟

- میشه گفت انقلابی هست، اما ... بخوانش.

پروانه کاغذها را از دست فرهاد میگیرد، باز میکند و با خواندن جمله اول چشمانش گرد شده فریاد میزند:

- چی؟

- گفتم اول بخوان، بعد با هم حرف میزنیم.

- تو باید دیوانه شده باشی.

- عشق یعنی دیوانگی.

- میدونی که تو برای من عین هوشنگ برادرم هستی.

یعنی چی که عاشق من شدی؟

- خواهش میکنم بخون.

پروانه نامه را بالا میگیرد که بخواند، ولی هنوز نخوانده از جای خود بلند میشود کاغذها را بروی

صندلی که روی آن نشسته پرت میکند و با حالتی
عصبی در طول حیات قدم میزند. میآید جلوی فرهاد
می ایستد. رنگش سفید و دستها و زانوهایش
می لرزد:

- من بمیرم بگو که شوخی میکنی. نکنه اینم یکی
از اون اداهائی است که برای سرسرسر گذاشتن با من در
آوردی؟

فرهاد سرش را به زیر انداخته و چیزی
نمیگوید. پروانه با عصبانیت ادامه میدهد:

- نخیر، مثل اینکه جدی است!

- ترا خدا اول نامه ای را بخوان بعد حرف میزنم.

- نامه بخوره توی سر من بدبخت. این انقلاب وامونده
مثل اینکه به ملاج تو هم زده انگاری همه خل و چل
شدند ...

کاغذ را از روی صندلی بر میدارد. جلوی
صورت فرهاد گرفته تکان تکان میدهد و با صدای بلند
ادامه میدهد:

- همچنین انگاری همه قاطی پاطی کردند که حتما
حالام که برگردم خونه، بابام و هوشنگ هم ازم
خواستگاری می کنند.

فرهاد، درحالیکه رنگش برافروخته و نفسش به
سختی از سینه بیرون میآید، ملتسمانه میگوید:

- من وقتی این نامه را می نوشتم، میدونستم که
واکنش تو بایدم همینطور باشه - برای همین هم هست
که ازت خواهش کردم، اول اون را بخونی، بعد درباره
اون با هم حرف بزنیم.

پروانه در حالیکه خودش را روی صندلی گوشه
حیات ول میکند، آنطور که گوئی دارد با خود حرف
میزند، میگوید:

- چه حرفی فرهاد، چه حرفی. تو مثل برادر منی، من
از سینه مادر تو شیر خوردم، تو جای برادر منی، تو
برادر منی ...

آفتاب کمرنگ پائیزی توان آنرا ندارد که تن
سرد شده از عصبانیت پروانه و دستهای از شدت عصبی
بودن سرد فرهاد را گرم کند. پنداری زمان و سرما هر
دو متوقف شده بودند. پروانه آریلم نامه را برگرفت و
شروع به خواندن کرد و فرهاد بر او خیره ماند. نوشته

بود:

«پروانه خانم من، دوست دارم و از تو
خواستگاری میکنم که زن من بشوی.

میدانم که این اظهار عشق ممکن است برایت
حالت ضربه ای سنگین داشته باشد. اگر چنین است،
مرا ببخش - ولی باید راستش را بتو میگفتم که
براستی چقدر دوست دارم. تصور من اینستکه من ترا
آنچنان میشناسم که گمان نکنم تو خودت را بدان
خوبی بشناسی. بگذار بگویم شاید بتوانم تصویری از
تو بتو بدهم. من ترا چون درختی بلند و تناور با
شاخه هائی پر برگ و پر بار می بینم. درختی نه
مانند بید مجنون با شاخه هائی افتاده که کمتر
پرنده ای بتواند بر آن بنشیند. تو درخت استواری را
می مانی، شاید چون بلوط، که شاخه هائی سبیر و
ایمن دارد و فرود آمدن بر این شاخه ها برای هر
پرنده ای میسر است، اما به تارک رسیدن و در آن مأوا
کردن کار همه کس نیست. شناختن تو توان میخواهد.
توانی شاید به استحکام و استقامت درختی چون بلوط و
من رشد این نهال را شاهد بوده ام، و خود با آن بزرگ
شده ام. نه خدایا من چه میگویم من هرگز نتوانستم به
وسعتی که تو بآن دست یافته ای دست یابم. درمقایسه
با تو، من پرنده کوچکی را می مانم؛ پرنده ای که
شاید تنها امتیازش این باشد که بتواند تا به بالاترین و
رفیع ترین نقطه بودن تو پرواز کند. و وقتی به این
اوج رسید بر شاخه های پربار تو بنشیند و با تو یکی
گردد. و اگر رخصت نشستن بر شاخه های ترا نداشته
باشد، توان آنرا داشته باشد تا چون مرغ زرین پر، در اوج
پرواز، در کنار تو ساکن شود. آن درخت توئی و آن
پرنده منم».

پروانه، نامه فرهاد را تا کرده، روی زانوش
میگذارد و به شاخه های درخت انار روبرویش خیره
میشود - برگها ریخته و انارهای نیم رس آویخته.
فرهاد با نگرانی باو نگاه میکند. آفتاب دارد کم کم
غروب میکند. قطره اشگی از گوشه چشم پروانه
برچهره اش میلغزد و فرهاد به آرامی آنرا با سرانگشت
میزداید.

... و این داستان ادامه دارد

کیتترینگ گلات کاشر جک بروخیم

زیر نظر مستقیم «آر - سی - سی»

ROYAL CATERING GLAT KOSHER

کیتترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص در «ولی»

و بسیاری از هتل های درجه اول لوس آنجلس

مدیریت، خوشنامی و تجربه طولانی و درخشان مهندس ژاک بروخیم

در مورد هتل داری و کیتترینگ رمز موفقیت چشم گیر ما میباشد

نرخ مخصوص در ایام هفته در مجتمع فرهنگی ارتص از ۱۹ دلار به بالا

جهت برگزاری کنفرانس ها، سمینارها و جلسات مختلف سالن مادر اختیار شما خواهد بود

جشن های بزرگ و کوچک شمارا شاهانه و اشرافی برگزار میکنیم

در منازل انواع اردو و شام و دسر ۲۲ دلار

OPEN B.B.Q

در منازل اوپن باربیکیو ۱۵ دلار

تلفن ۹۹۹۳ - ۴۵۸ (۳۱۰)

مادری از ایالت کارولینا



صدمه ای نژاد و التماس کرد آنان را به آغوش مادری مضطرب و عزادار و در خاکستر نشسته باز گرداند. او از هموطنان خود در سراسر امریکا کمک خواست و التماس کرد و اشک ریخت و ما هم دلمان سوخت و با او گریستیم و بخشم در آمدیم و بعد ... بعد ناگهان در یک چشم بهم زدن امریکا تجهیز شد و اشگ از چهره سرد و قیام کرد و به تکاپو افتاد و برای یافتن مایکل و الکس کمر بریست.

در سرتاسر مملکت مردم برای یافتن این دو

در یکی از روزهای پاییزی اواخر ماه اکتبر سوزان اسمیت مادری ۲۳ ساله ساکن شهر یونین ایالت کارولینا اشگ ریزان در مقابل دوربین های تلویزیونی قرار گرفت و زار زار گریست و نوحه ضجه سرداد و دل همه را خون کرد.

در حالیکه گریه باو امان نمیداد و بغض صدای او را میدزدید گفت آدم ربائی سیاه پوست اتومبیل و دو جگرگوشه ۳ ساله و ۱۴ ماهه او را ربوده است. او از جنایتکار قسی القلب خواست که به کودکان معصوم او

این تأثیر مخوف و دردناک و مملو از فریب و بی شرمی و نه روز تمام میلیون ها نفر را بیازی گرفتن بود و تحمل آن آسان بنظر نمیرسید و بخشودن و بهل کردن آسان نبود.

برای چند صباچی دیگر هیچکس قابل اطمینان نبود و هیچ چیز قابل دل بستن نبود و مادران فرزندان خود را سخت در آغوش فشرده حتی از سایه خودشان هم میترسیدند. همسایگان رویان های زرد را با خشم از درختان کنند و رویان سیاه زدند. داوطلبان فریب خورده و دنیائی که نه روز تمام بیاری این مادر قلابی و ریاکار آمده و دلسوزی کرده بود، حال خشمگین و سرگردان و شرمسار از ساده دلی و زود باوری بخود می پیچید و نفرین میکرد. او به ساحت مقدس مادری توهین کرده و آنرا ملوث و لکه دار ساخته بود. او همه چیز را در خطر انداخته و خنجری به قلب همه نازکدان زده بود. مادری قاتل از آب در آمده بود. و دنیا ملعبه فریب و ریای یک فرزند کش شده بود.

وقتی اتومبیل را از قعر آبهای تیره دریاچه بیرون کشیدند هنوز کمربندها اجساد نحیف مایکل و الکس را در بر گرفته بودند ولی کمربندی که محافظ مسافری در حال حرکت است، این بار دردی را دوا نکرده و در روبرو شدن با فرشته مرگ متمر ثمر واقع نگشته بود.

* * *

ابعاد این فاجعه باور نکردنی مثل پیاز پوست در پوست است و هر سرش را بگیریم وحشتناک و شرم آور و ظالمانه و وارونه و چندش آور و ابلیسی و غریبه و غیرقابل قبول و مسخ شده و تکان دهنده و دوزخی و غیر قابل درک و اسید روح و نابود کننده امید است.

دو برادری که در کنار هم بازی میکردند در کنار هم در صندلی عقب ماشین کمر بند بسته غرق شدند و بعد هر دو هم در یک تابوت بدل خاک رفتند.

اشگ مادر که همیشه مقدس است و از بهشت می آید در اینجا ملوث و آلوده و ناپاک و یک پارچه خدعه و فریب است. در این ماجرا اشگ پاک هم داریم ولی سوزان اسمیت از آن محروم و بی بهره است و غریبه ها این مایع بهشتی را فراهم کرده اند.

کودک و آدم ریای سیاهپوست براه افتادند و مادران شمع روشن کردند و بدعا ایستادند و سوزان اسمیت تازه از شوهر جدا شده را دلداری دادند. هلیکوپترها در فضا به پرواز در آمدند و هزاران داوطلب پیاده یا با دوچرخه و اتومبیل و اسب و موتورسیکلت پیشه ها و کوره راه های آن حوالی و نقاط دوردست را زیر پا گذاشتند و اهالی شهر یونیون رویان های زرد (به علامت امید) بدر و دیوار و درخت های خیابان ها زدند. نه روز تمام مردم روز و شب فیلم های خانوادگی این دو کودک و مادرشان را در تلویزیون دیدند و برای آنان دل سوزاندند و برای نجات و زنده ماندنشان دعا کردند و به آدم ریای بی رحم لعنت فرستادند.

خیلی ها گفتند این آدم ریای سیاهپوست آنقدرها هم سیاه دل نیست که به این دو نونهای فرشته خود صدمه ای بزند و آنقدرها هم دیو صفت و سنگدل نیست که آنان را سر به نیست کند و دل امریکا را بشکند.

سوزان اسمیت طی این نه روز پر مشقت و مملو از بیم و امید و اضطراب و درماندگی بارها جلو دوربین تلویزیون رفت و گاه تنها و گاه دست در دست شوهر ساکت و مغموم خود، مصاحبه کرد و از مردم امریکا تشکر کرد و استمداد طلبید و جگرگوشه های خود را خواست.

او گفت از خواب و خوراک افتاده است و به سر حد جنون رسیده. گفت رحم و شفقت حکم میکند که آدم ریای ماشین دزد صدمه ای به الکس و مایکل نرساند. گفت و گفت و گفت و سرانجام در روز نهم بعد از بازپرسی های طولانی پلیس، از پا درآمد و اقرار کرد که قاتل خود اوست و آدم ریای سیاهپوست خیالی است و گفت هر دو کودک را خودش در درون اتومبیل فامیلی نشانده و کمر بند به کمرشان زده و در دریاچه مجاور غرق کرده است. او بند از زبان گشود و دستبند پلیس را پذیرفت.

در یک طرفت العین همه چیز عوض شد و امریکای مات و مبهوت و فریب خورده بخشم در آمد. ماسک مقدس مادری از چهره سوزان اسمیت افتاده بود و چهره هولناک یک فرزندکش نمایان شده بود.

غواصی حرفه ای که سالها با مناظر دردناک روبرو شده و کمتر ماجراجویی او را متأثر میکرد وقتی جسد دو برادر را از آب بیرون کشید زار زار گریست. اشگ او پاک بود.

مادرانی که در سراسر مملکت شمع روشن کردند و رویان زرد به درختها بستند و برای باز یافتن آن دو کودک گریستند اشگشان پاک و بی غل و غش بود. ساکنین سیاه پوست شهر بونیون با اینکه یکی از هم نژادانشان متهم به آدم ربائی شده بود با شرمساری به جستجوی او و دو کودک ربوده شده برخاستند و وقتی مادر قاتل در آمد و سیاهپوست آدم ربای خیالی، خشم خود را فرو خوردند و این تهمت را نادیده گرفتند و زیاد شکوه نکردند.

خیلی از سیاهپوستان خود را با یهودیان سراسر تاریخ (متهم به ریختن خون کودکی مسیحی یا مسلمان در نان فطیر) مقایسه کردند. اتهام بی اساس و ظالمانه ای که طی قرن ها هزاران قتل عام و پاگرام بوجود آورد و خون یهودیان بی گناه را بخاک ریخت.

* * *

در این ماجراهای خونین و فجایع دردناک هزاران درد بی درمان و سؤال بی جواب بیتوته کرده است و اگر جوابی هم بیایم سؤال تازه ای با خود یدک میکشد.

با این حساب شاید در روبرو شدن با فاجعه ای غیر قابل درک و غیر قابل قبول تنها اسلحه سکوت است و تنها محافظ ما سکوت مطلق و بلا شرط است وگرنه با چرا چرا کردن ما خودمان را گیر می اندازیم و در باطلاق سئوالات بدون جواب غرق میشویم. وقتی سئوالات بی جواب رویهم انباشته شد گاه زلزله ای درونی و هواری روحی روی میدهد و همه چیز متزلزل شده درهم فرو میریزد و آبادی بانسان باقی نمیگذارد. شاید این حيله و نیرنگ طبیعت است که ما را به سؤال کردن تحریک و اغوا میکند و هدفش سبک کردن و خوار کردن و سرگردان کردن ماست. شاید آن ربای وارسته ای هم که قرن ها پیش گفته است «برای فرد با ایمان سئوالی نیست و برای بی ایمان جوابی نیست» یک چیزی دستگیرش شده و خطر سؤال کردن

را درک کرده است ولی کیست که مثل ایوب بتواند طاقت بیاورد و دم فرو بندد؟

اینها میبایستی نازا و عقیم دنیا آمده و استطاعت مادر شدن نداشته باشند ولی طبیعت کور است و سرنوشت مملو از خبط و اشتباه است و گاه اختیار از دستش بدر میرود و کارگاه آفرینش کالای مغایر و معیوب بیرون میدهد و هیچکس هم نمیداند چرا.

شاید هم طبیعت کینه توز است و هدفش شکستن دل و سرگردان کردن خاکی ها ست و آنها را بخاک سیاه می نشاند و بعد زهرخند میزند. خنده استهزا آمیز طبیعت بی صداست ولی نازکدلان با آن آشنا هستند و آنرا با گوش جان میشوند.

وقتی مادری فرزندکش میشود باید سکوت کرد...

وقتی فرزندی والدین و برادران خود را بوضعی فجع می کشد و بعد خانه را آتش میزند باید سکوت کرد...

وقتی دخترکی ۱۷ ساله نوزاد نامشروع و دو ساعته خود را در کیسه ای پلاستیکی پیچیده در زیاله دانی سوپرمارکت می اندازد باید سکوت کرد...
وقتی مردی مادر ۷۸ ساله و زمینگیر خودش را می کشد و بعد اعضای او را بریده در دیگ آشپزخانه میجوشاند باید سکوت کرد...

وقتی مادری سه فرزند خود را یکی پس از دیگری در وان حمام غرق میکند باید سکوت کرد...
وقتی زنان پارسا نازا بدنیا می آیند و آنانی که میتوانند مادرانی ایده آل و نمونه باشند عقیم میمانند باید سکوت کرد...

وقتی سیاه دلان ماسک مادری بچهره میزنند و فرزندان خود را غرق کرده و چاقو میزنند و سره نیست میکنند باید سکوت کرد...

فرزندکش بودن از چندش آورترین و منفورترین القاب است و هرگز نمیتوان آنرا پذیرفت و بخود هموار کرد. در روبرو شدن با این فجایع خونین، تنها دفاع نازکدلان سکوت است. سکوت مطلق و دردناک و بلاشرط.

- * Business
- * Real Estate
- * Enforcement of Judgement
- * Civil Litigation
- * Personal Injuries

- * امور تجاری و کسب
- * املاک و مستغلات
- * اعمال رای دادگاه
- * دعاوی مدنی
- * تصادفات

دفاتر حقوقی

میر هوتن کامران

LAW OFFICES OF MIR-HOUTAN TONY KAMRAN

(310) 286 - 7278
1801 Century Park East
Suite 2400
Los Angeles, CA 90067 - 2326

(310) 657 - 0166
215 South La Cienega Blvd.,
Suite 205
Beverly Hills, CA 90211 - 3322

Fax: (310) 652 - 0508

اخبار سازمانها

مجتمع فرهنگی ارتص:

گزارش مالی مجتمع فرهنگی ارتص برای دو سال مالی (از اول آگوست ۱۹۹۲ تا پایان جولای ۱۹۹۴) بشرح زیر انتشار یافت.

صورت ریز درآمد

موجودی نقدی دربانکها در

۳۱ جولای ۱۹۹۲ :

- موجودی کترین در ۳۱ جولای ۱۹۹۲ :

- کل درآمد از اول آگوست ۹۲ تا پایان جولای ۱۹۹۴

از محل جشنها، کابردها، هدایا و کیتینگ :

صورت ریز هزینه ها

- موجودی دربانکها در

۳۱ جولای ۱۹۹۴ : ۲۳۳,۳۹۹/۵۱ دلار

- هزینه ها از اول آگوست ۹۲

تا پایان جولای ۱۹۹۴ طبق

گزارش حسابدار : ۱,۳۸۸,۱۴۸/۴۰ دلار

- موجودی کترین در پایان

جولای ۱۹۹۴ : ۶,۱۶۰/۰۰ دلار

بالانس :

۱,۶۱۷,۷۰۷/۹۴ دلار

۱,۶۱۷,۷۰۷/۹۴ دلار

صورت ریز مخارج :

- هزینه های مربوط به گورستان واپدن مورریال و خوراکیها

- هزینه تعمیرات ساختمان

- حقوق ها و دستمزدها شامل حقوق ربای ، معلمان کلاسهای

عبری ، معلمان کودکان ، مستخدمین و روز مزد

- حقوق حسابدار CPA و شخص مسئول امور کاپیوتر

- کرایه منزل حاخام نتن الی

- امانه به پیشروها ، مدارس ، بیمارستانها و ارتص

- مخارج جشنها و گردگهائی ها و پذیرائی ها بمنظور جمع آوری امانه

- مالیات بر حقوق معلمین و مدیران کلاسهای عبری و کودکان و کارمندان

- آب و برق و گاز و تلفن

۱۵۳,۴۲۸/۷۶ دلار

- بیمه ساختمانها و بیمه آیینی

- هزینه های بانکی

۳۹,۴۳۵/۰۰ دلار

- هزینه های پست

- نگار و سکوریتی

۱,۴۲۴,۸۴۴/۱۸ دلار

- هزینه های مشرف

- اثاثیه خریداری شده برای افتتاح کودکان و وسائل و

تجهیزات کلاسهای عبری و وسائل دفتري

- حقوق کارمندان قراردادی

- مالیات شهرداری

- مخارج کانون سالمندان ، خرید وسائل ، تسلیح حیاط و اسفالت

وبرق ، تعمیر آشپزخانه و تیز مخارج به Remodeling خانه قدیس

برای تبدیل آن به محل کلاسهای عبری ، هزینه تعمیر خرابی های

ناشی از لرزه در ساختمان اصلی ، سقف سالن رچلچراغها ، نصب

پرده های سرمه و نصب دو Memorial Wall سرمه در سرمه و نصب

درخت های زندگانی در سرمه و نصب تابلوهای پلاکهای یادبود در

طرفین هلال و هزینه ایجاد آب نما در محوطه روسوی درب ورودی

- خرید لوازم منھسی از قبیل صیغیت سیدور ، کلاه و غیره

- هزینه مربوط به سرویس که اختصاصاً به سازمانهای غیرایرانی

و غیر انتھائی داده شده از قبیل ADL، قرن قیمت ، دانشگاه عبری

اورشلیم ، ماکن داروید و سازمانهای زنان آمریکائی

- پرداخت اقساط ماهانه وام با اصل و فرع به بانکها

- پرداخت به بانک بابت اصل بدهی

جمع

۱,۶۱۷,۷۰۷/۹۴ دلار

۱,۶۱۷,۷۰۷/۹۴ دلار

۳۱,۷۱۲/۰۰

۱۴,۴۰۸/۳۵

۱۴۲,۷۳۴/۴۴

۲۰,۵۶۵/۰۰

۲۲,۸۰۰/۰۰

۸۵,۴۰۷/۳۹

۳۶,۹۴۴/۸۵

۳۱,۵۰۰/۵۳

۱۱۶,۸۵۶/۷۷

۲۵,۹۶۱/۵۹

۴۴/۷۵

۲,۵۳۹/۵۰

۱۳,۶۵۴/۵۵

۶,۱۶۶/۳۵

۳۸,۴۳۵/۸۴

۱۴,۴۳۱/۰۰

۳۱,۶۸۶/۰۵

۱۷۱,۲۰۹/۰۲

۳,۱۴۲/۶۷

۱۰,۹۶۷/۸۸

۳۶۶,۳۹۱/۹۰

۱۰,۰۰۰/۰۰

۱,۳۸۸,۱۴۸/۴۰

مخارج کل ساختمان

- نفل از صفحه ۱۶ بیلان منتشره در

آگوست ۱۹۹۲

دولار ۲,۸۶۰,۶۶۶/۱۸

- هزینه تعمیرات ساختمان :

دولار ۹۴/۴۰۸/۳۵

- تغییرات و تکمیل ساختمانها و طوق صورت

- توضیحی مشروح در صفحه : صورت ریز مخارج :! : ۱۷۱,۲۰۹/۰۲ دولار

جمع کل مخارج ساختمان ها :

دولار ۳,۱۲۶,۲۸۳/۵۵

بدهی کل

- بدهی به بانک Equitable Real Estate

(متفول آزیونیتی سیونگ) :

دولار ۶۳۹,۸۰۸/۲۳

- بدهی به بانک GE Capital Mortgage Service

بابت ملک جدید خریداری شده در ضلع

شمالی مجتمع فرهنگی بینظور ایچاد مدرسه روزانه

دولار ۴۳۳,۲۳۰/۷۴

جمع کل بدهی به بانکها :

دولار ۱,۰۷۳,۰۳۸/۹۷

بمطابق میسرانند که اصل بدهی بانکی مربوط به ساختمان اصلی بزرگ که در پایان سال ۱۹۸۷ مورد بهره برداری قرار گرفته ۱,۴۵۰,۰۰۰/۰۰ دلار بوده و تنه همین وام در پایان جولای ۱۹۹۴ که این بیلان پست شده ۶۳۹,۸۰۸/۲۳ دلار میباشد. در نتیجه از اصل بدهی مربوط به ساختمان اصلی تاکنون ۸۱۰,۱۹۱/۷۷ دلار پرداخت شده است. (این مبلغ علاوه بر بهره هائی میباشد که در این مدت مرتباً به بانک پرداخت شده است)

توضیح درباره دارائی غیر منقول مجتمع

قیمت ۵ فقره زمین خریداری شده ۸۵۸,۰۰۰/۰۰ دولار

قیمت خرید منزل بمساحت ۱ آپارتمان

برای تاسیس مدرسه روزانه واقع در

شمال زمین مجتمع

دولار ۵۶۵,۰۰۰/۰۰

مخارج کل ساختمان

دولار ۳,۱۲۶,۲۸۳/۵۵

جمع

دولار ۴,۵۴۹,۲۸۳/۵۵

نتیجتاً:

- ۴,۵۴۹,۲۸۳/۵۵ دولار

۱,۰۷۳,۰۳۸/۹۷ دولار

جمع کل پرداختی توسط مجتمع بابت اصل تابحال

دولار ۳,۴۷۶,۲۴۴/۵۸

* بنابراین مجتمع تا به امروز مبلغ ۳,۴۷۶,۲۴۴/۵۸ دلار تنها برای تاسیسات غیر منقول پرداخت نموده است. (این مبلغ بدون در نظر گرفتن بهره که خود مبلغ هنگفتی میباشد بوده است).

صورت ریز دارائی

- بهای قطعه زمین شماره ۱ بمساحت یک آپارتمان

دولار ۲۸۰,۰۰۰/۰۰

- بهای قطعه زمین شماره ۲ بمساحت نیم آپارتمان

دولار ۲۰۸,۰۰۰/۰۰

- بهای قطعه زمین شماره ۳ بمساحت نیم آپارتمان

دولار ۱۷۵,۰۰۰/۰۰

- بهای قطعه زمین شماره ۴ بمساحت نیم آپارتمان

دولار ۱۹۵,۰۰۰/۰۰

- بهای ملک جدید (شماره ۵) بمساحت یک آپارتمان

دولار ۵۶۵,۰۰۰/۰۰

- هزینه کل ساختمانها تا این تاریخ

دولار ۳,۱۲۶,۲۸۳/۵۵

- موجودی کوین از فریوشگاههای مختلف

دولار ۶,۱۶۰/۰۰

- موجودی نقدی در بانکها

دولار ۲۳۳,۳۹۹/۵۱

- بدهی کل :

دولار ۱,۰۷۳,۰۳۸/۹۷

- دارائی خالص مجتمع :

دولار ۳,۷۰۵,۸۰۴/۰۹

پالانس :

دولار ۴,۷۷۸,۸۴۳/۰۶

دولار ۴,۷۷۸,۸۴۳/۰۶

صورت ریز موجودی در بانکها

- داوونی سیونگ بانک

دولار ۲۱,۷۵۳/۸۴

- ریپابلیک بانک (صندوق ملی Iranian Jewish Fund)

دولار ۳۸,۷۱۰/۹۲

- ریپابلیک بانک

دولار ۸,۸۳۱/۲۰

- بانک لنومی - شعبه اتسینو (حسابجاری)

دولار ۱۹,۷۸۸/۸۳

- بانک لنومی - شعبه اتسینو (سپرده)

دولار ۳۲,۳۴۰/۵۵

- بانک آف آمریکا (سپرده)

دولار ۱۰۱,۹۷۴/۱۷

(برای تاسیس مدرسه)

جمع موجودی در بانکها

دولار ۲۳۳,۳۹۹/۵۱

درآمد حاصله از فعالیتهای کمیته بانوان

بالتیامنده وام اول

دولار ۶۳۹,۸۰۸/۲۳

بالتیامنده وام دوم برای خرید زمین مدرسه

دولار ۴۳۳,۲۳۰/۷۴

درآمد حاصله از فعالیتهای کمیته بانوان

دولار ۱۲۶,۵۶۲/۰۰

نظر به احتیاج مجتمع فرهنگی ارتض به وجوه اضافی برای پرداخت بدهی ها .

دولار ۱,۰۷۳,۰۳۸/۹۷

جمع

کلیه موجودی کمیته بانوان وابسته به مجتمع فرهنگی ارتص و نیز درآمد های حاصله از فعالیتهای پی در پی آنها بطور منظم به حساب عمومی مجتمع فرهنگی واریز شد. بطوریکه هم اکنون کلیه حسابهای مجتمع در حساب واحدی متمرکز شده است.

معینا بدینوسیله و با کمال خوشوقتی به استحضار عموم میرساند که کمیته بانوان در عرض ۲ سال گذشته (از اول آگوست ۱۹۹۲ تا پایان جولای ۱۹۹۴) جمعا ۱۲۶,۵۶۲/۰۰ دلار از طریق فعالیتهای منظم خود در آمد داشته که این فعالیتهای شامل برنامه های زیر بوده است.

ناهارهای ماهانه همراه با سخنرانی و ارکستر ، تورهای مسافرتی یک روزه و یا چند روزه ، درصدا حاصل از فروش کویتهای فروشگاههای رالف ، وانز ، لاکس ، هیوز ، آلفابتا ، نمایش فیلمهای سینمایی و تاتر و پذیرائی .

توضیح :

- ۱- امور حسابداری و حسابرسی این مجتمع فرهنگی توسط حسابرس سی . پی . ای . آقای « جری لیف من » تنظیم و انجام شده و خدمتگزاران مجتمع فرهنگی در کلیه امور مالی نظارت مستقیم دارند.
- ۲- کلیه افرادی که طی ۱۵ سال گذشته (از بدو تاسیس کنیسهای ولی که بعدا به مجتمع فرهنگی ارتص تغییر نام یافت ، تاکنون) خدماتی برای اداره و پیشبرد هدفهای این مجتمع انجام داده اند ، داوطلبانه خدمت نموده و بدون دریافت هیچگونه پاداشی اقدام به این امر نموده اند.
- ۳- کلیه همکیشان عزیز میتوانند برای رسیدگی به دفاتر مالی مجتمع فرهنگی و رؤیت ریز ارقام حساب ، با اطلاع قبلی به انجمن مراجعه فرمایند.
- ۴- مجتمع فرهنگی یهودیان ایرانی یک سازمان غیر انتفاعی شناخته شده و رسما به ثبت رسیده میباشد و کلیه وجوه پرداختی به صندوق آن مشمول قوانین معافیت مالیاتی ایالتی و فدرال آمریکا میباشد.
- ۵- مجتمع فرهنگی ارتص بدینوسیله از آقای ابراهیم ویکتوری بمناسبت همکاری صمیمانه ایشان در تنظیم حسابها و کامپیوتریزه کردن آنها سپاسگزاری مینماید.

شماره معافیت مالیاتی ایالتی : ۰۹۹۲۸۲۰ - ۵۱

شماره معافیت مالیاتی فدرال : ۳۷۶۱۳۸۸ - ۹۵

مجتمع فرهنگی نصح

- * روز شنبه ۵ نوامبر ۱۹۹۴ آقای لطف اله حسی رئیس هیئت مدیره مجتمع فرهنگی نصح گزارش فعالیتهای ۲ ساله هیئت مدیره مجتمع را بشرح زیر باستحضار ۲۵۰ تا ۵۰۰ نفر حاضرین در کنیسه رسانیدند: «هیئت مدیره حاضر در تاریخ ۲۴ مارچ ۱۹۹۱ انتخاب و شروع به فعالیت نمود و در طی مدت چهار سال اقدامات زیر را بعمل آورده است:

۱ - ادامه فعالیت نرسری که در ابتدا با ۱۸ نفر شروع شد و با استقبال شایانی که از آن بعمل آمد، در حال حاضر تعداد ۴۹ نفر شاگرد در نرسری مشغول آموزش و آشنائی با مراسم یهودیت و اعیاد آن میباشد.

۲ - کلاسهای بعدازظهر تلمود تورا و آمادگی بر میتصوا و بت میتصوا که با ۱۵۰ نفر دانش آموز. همه ساله در این کلاسها فرهنگ یهودیت و مراسم اعیاد یهودی تعلیم داده میشود و سالیانه مراسم ۳۰ تا ۳۵ بر میتصوا و یا بت میتصوا در کنیسه برگزار میگردد.

۳ - از سال ۱۹۹۵ - ۱۹۹۴ کودکان دانه گردیده که اینک با ۱۱ شاگرد شروع و فرهنگ یهودی به آنها تعلیم داده میشود.

دانش آموزان در کلاسهای نرسری، کودکان و تلمود تورا با معلمین امریکائی و اسرائیلی و ایرانی مشغول نوآموزی میباشد.

۴ - در شروع فعالیت هیئت مدیره میزان بدهی به بانکها - ۲۲۵,۰۰۰ دلار بوده که خوشبختانه با کمک شما افراد خیر و همت بالای تمام اقشار جامعه توانستیم میزانی از آن را بازپرداخت نموده و همچنین توانستیم برای توسعه مدرسه و ایجاد مدرسه روزانه، منزل مجاور ضلع جنوبی محل مجتمع را خریداری نموده و تمام وجه آنرا بمبلغ ۴۰۰,۰۰۰ دلار پردازیم. بطوریکه در حال حاضر میزان بدهی مجتمع فقط ۷۶,۰۰۰ دلار میباشد.

۵ - با نظر هیئت مدیره برای سازمانهای فرهنگی و خیریه یهودی در امریکا و اسرائیل بمیزان احتیاج مبالغی به آنها اهداء شد.

آقای حی ضمن تشکر و سپاس مجدد از جامعه خیرخواه و سخاوتمند، از تمام حاضرین تقاضا نمودند که فردا (یکشنبه ۶ نوامبر) ساعت ۳ بعدازظهر برای تجدید انتخابات هیئت مدیره در کنیسه حضور بهمیرسانند و آرزوی موفقیت برای تمام افراد جامعه و پیشبرد اهداف خود نمودند.

* روز یکشنبه ۶ نوامبر ۱۹۹۴، انتخابات برای تعیین هیئت مدیره جدید مجتمع در محل مجتمع برگزار گردید.

هیئت نظار عبارت بودند از آقایان الیاهو قدسیان - رئیس، نظر نظرزاده - نایب رئیس، احسان گیلانی -

بازرس، هارون سرودی و ابراهیم موسیقی کاشانی - دبیر.

پس از شمارش آراء اعضای هیئت مدیره و اعضای علی البدل بشرح زیر انتخاب شدند:

اعضای هیئت مدیره:

لطف اله حی - عنایت اله ابریشمی - دکتر داود فروزانپور - خانم سونیا معتمد - حبیب اله فرحنیک - لئون فرحنیک - رفائیل گیای - نوراله نورو - حق نظر فرحنیک - خانم ثریا افرا - مهندس مراد حریری - دکتر روح اله کهنیم - دکتر موسی نگاران - خانم فروغ آزادگان - هوشنگ لاهیجانی - ناصر پورادی - زکریا رستگار.

اعضای علی البدل:

بهروز میمند - موسی نافع - عبدالله دقیقیان - یورام حاسید - دیوید کهن صدق - سینا نیکو.

سازمان بانوان یهود

* سازمان بانوان یهود ایران بمنظور گرامیداشت خانم طوبی کروبیان، در تاریخ سوم نوامبر مجلس تجلیلی برپا نمود که با حضور گروه زیادی از هموطنان ایرانی برگزار گردید.

در این مراسم خانم مهری سینائی از سوابق سازمان «بانوان یهود ایران» سخن گفتند؛ از سام امیر ابراهیمی که مجری برنامه بزرگداشت بود قطعاتی از موسیقی ساخته شده خود ایشان اجرا شد و خانم هما

سرشار طی سخنانی زندگینامه خانم طوبی کروبیان را باگاهی حضار رساندند. این گردهمایی با سخنان پرفسور شموئیل درهبر، خانم هما پرتوی، و ویدا، فرهاد و گیتا فرزندان خانم کروبیان همراه با شعری زیبا از خانم مهین عمید و شعری دیگر اثر خود خانم طوبی کروبیان ادامه یافت و در پایان خانم ملیحه کشفی بعنوان سپاس از این بانوی شاعر، نقاش و خدمتگزار جامعه، لوحه سپاس سازمان را برایشان تقدیم نمودند.

* برنامه های شعر و مشاعره، در نيمروز چهارشنبه آخر هر ماه برای بانوان و هر سه ماه یکبار برنامه شب شعر با حضور خانمها و آقایان ترتیب داده میشود.

* در تاریخ اول دسامبر - مصادف با چهارم خنوکا، مراسم خنوکا مانند سنوات گذشته با حضور تعداد زیادی از بانوان جامعه و همراه با سخنرانی خانم دکتر میترا مقبوله برگزار گردید. سازمان بانوان یهود ایران از خانم و آقای دکتر داریوش فرهنگد که منزل خود را برای اجرای این مراسم در اختیار سازمان قرار داده بودند سپاسگزاری مینماید.

* سازمان، برنامه های دیدارهای علمی و فرهنگی خود را همچنان ادامه میدهد. در طی سال گذشته سه دیدار گروهی از کتابخانه نیکسون، کتابخانه ریگان و موزه های دیگر لوس آنجلس بعمل آمده است.

* برای پیوستن به سازمان ما یا کسب هر گونه اطلاعات بیشتر با تلفن ۱۹۹۳ - ۳۶۹ (۳۶۰) میتوانید تماس بگیرید.



خانم ملیحه کشفی هنگام اهداء لوحه سپاس به خانم طوبی کروبیان



آقای تورج فرازمند در میان گروهی از شرکت کنندگان در میهمانی آلیانس

انجمن دوستداران آلیانس

مجلس را ترک گفتند.

در بین فارغ التحصیلان و دوستداران آلیانس، شخصیت‌هایی مانند تورج فرازمند، مفسر و گوینده سرشناس رادیو و نیز استاد طالع همدانی شاعر معاصر در این گردهم آئی حضور داشتند که بترتیب با ادای سخنان شیرین و دلنشین و خواندن شعری نغز و مناسب درباره خدمات آلیانس، حاضران را خوشحال کردند. در گزارشی که به آگاهی مدعوین رسید گفته شد که هم اکنون متجاوز از ۲۱,۰۰۰ دانش آموز و دانشجو در مدارس آلیانس در کشورهای ایران، اسرائیل، مراکش، اسپانیا، سوریه، بلژیک، کانادا و فرانسه مشغول تحصیل میباشند، که از این عده حدود ۱۲,۰۰۰ نفر تنها در مدارس آلیانس در شهرهای مختلف اسرائیل در بهترین شرایط به تحصیل اشتغال دارند.

انجمن دوستداران آلیانس ایزرائیلیت اونیورسل هشتمین برانچ سالانه خود را روز یکشنبه ۶ نوامبر ۱۹۹۴ در تالار مجتمع فرهنگی ارتص برگزار نمود. در این گردهم آئی که از ساعت ۱۱ بامداد آغاز شد، متجاوز از ۲۰۰ تن از فارغ التحصیلان مدارس اتحاد ایران و دوستداران مؤسسه فرهنگی آلیانس بدعوت انجمن پاسخ دادند و تا ساعت ۳/۳۰ بعدازظهر در مجلسی ساده ولی پر از لطف و صفا با هم نشستند و پس از صرف ناهار که به همت کمیته بانوان مجتمع فرهنگی ارتص تهیه شده بود، و شنیدن گزارشی درباره فعالیت‌های انجمن دوستداران و نیز مدارس آلیانس، با خاطره ای خوب

All Pro-Video Photo

فوتو.م.آ

با کادری ورزیده و وسایل مدرن خود با عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از مجالس و جشن های خانوادگی شما، خاطرات شما را جاودانه خواهند ساخت

- عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از جشن ها و کنسرت ها (بایک، دو یا سه دوربین)
- تهیه عکس های خانوادگی و کودکان
- تبدیل فیلم های ۸ میلیمتری (8 mm) اسلاید و عکس به ویدئو و تمام سیستم های دیگر جهان.

1516 Westwood Blvd.

(310) 475-2144

آلبرت طیبیان

سازمان پایا

گروه حیفا بورلی هیلز حداسا

در تاریخ یکشنبه ۲۳ اکتبر ۱۹۹۴ جشن شب نشینی گروه حیفا در هتل مجلل ریتس کارلتون، مارینادل ری با شرکت گروه زیادی تشکیل گردید.

در این جشن که همراه با موسیقی و هنرنمایی یک گروه رقصنده روسی بود، قرعه کشی نیز بعمل آمد و جوایزی بین شرکت کنندگان تقسیم گردید. در آمد این جشن و سایر فعالیت های گروه حیفا اختصاص به بخش پیوند مغز استخوان کودکان مبتلا به سرطان در بیمارستان حداسا دارد.

- * در تاریخ ۱۹ نوامبر جشن جوانان ونگارد(۲) و نهار حنوکا در تاریخ سه شنبه ۲۲ نوامبر برگزار گردید.
- * برای آگاهی از فعالیتهای سازمان ما میتوانید با خانم نسرین رشتی، تلفن ۰۷۶۰ - ۲۰۵ (۳۶۰) تماس حاصل بفرمائید.

* برای علاقمندان به موسیقی کلاسیک به اطلاع میرسانیم در تاریخ یکشنبه ۱۸ دسامبر ساعت ۷/۳۰ بعدازظهر در محل JCC گروه JCC String Orchestra کنسرتی را به اجرا خواهد گذاشت. بهای بلیط فقط برای کنسرت: اعضا، ۶ دلار و غیر اعضا، ۸ دلار بهای بلیط با پذیرائی بعد از کنسرت ۲۰ دلار خواهد بود.

* مهمانی سال نو سازمان شنبه شب ۳۱ دسامبر به همراه رقص، موسیقی و شام کامل برگزار میگردد. علاقمندان به شرکت برای تهیه بلیط و رزرو جا در هر یک از برنامه های فوق لطفاً با تلفن ۰۶۰۸ - ۷۵۱ (۷۱۴) تماس حاصل فرمائید.

* از کسانی که مایلند در کلاسهای زبان انگلیسی که بصورت رایگان هر یکشنبه در محل JCC دایر میباشد شرکت نمایند خواهشمندیم با خانم پروین رفیعی با تلفن ۰۶۱۴ - ۹۹۷ (۷۱۴) بعد از ساعت ۵ بعدازظهر تماس بگیرند تا ترتیب شرکت آنها در این کلاسها داده شود.



کیتترینگ کاشر مختار

(پرنس سابق)

با ما از مهمانان خود چون یک پرنس پذیرائی نمایند

خوشمزه ترین و سالمترین غذاهای کاشر با قیمت باورنکردنی

کادر ورزیده و مجرب ما

زیباترین میزهای غذا را تنظیم نموده و بهترین سرویس را ارائه میدهند.

تلفن ۰۴۰۴ - ۶۰۹ (۸۱۸)

با مدیریت همفري يودعيم

tell her, "normal people don't have a problem with the way I dress. Only you do. Normal people actually like the way I dress. They tell me all the time."

"And you believe them? They're just kidding with you. They're having fun with you. They like you to dress badly so they won't have to worry about you when they're looking to win a bride."

"But what if they're married?"

"Then they have brothers."

"But what if the girls tell me they like it?"

"They have brothers too."

"Well what if --"

"Then they have cousins!"

Believe me, they're making fun of you!"

So at the next party I wear a suit, shave, comb, like its a wedding. I see a friend of mine, a girl from college days who knows me pretty well.

"What's wrong with you," she asks.

"What's wrong with me?"

Nothing's wrong with me," I coolly say.

"Why are you dressed like that," she says.

"Like what," I say, pretending to be cool.

"Why're you all dressed up?"

"Dressed up? Oh, just felt like it."

"Since when?"

"Since when? Since none of your business. What's it to you?" I say, trying to pretend to be cool.

"Oh," she says, "I get it. I see what you're doing."

"Get what? What am I doing?"

What?" Trying -- pretending to -- cool --

"You're in the market," she says very matter-of-factly.

"Market," I ask, "what market?"

"THE Market. How old are you now?"

"How old? Well what difference does it make?"

"You're all shaved and clean. Combed your hair --"

STOP! Suddenly I see the mathematics of it all. I'm very good at mathematics. It was my original major. And here's the equation: Single Persian guy + Persian Party + Good suit + Thirty years old -- well you can figure out the rest. It all adds up: MARKET.

"It was a trick!" I want to yell. "I've been had! Duped! was a mistake -- no, I mean, it was just a joke -- yes I was only kidding. Really! You know me, "I tell my friend, "I don't do that. Not me. No market. No. I've been framed, I tell you, its all a big mistake ..."

And then I see it; the way people are starting to stare. Walking around me. I'm the Elephant Man. The circus freak. The Once-Cool-Now-In-The-Market dupe. Then I think that my mother was right: I am thirty. I am getting old. I'm slipping. Ten years ago, five years ago, I'd never have fallen for such a trick. I'm losing my wits already, getting weak ... but I have seen the light! Never again. No matter what you wear, someone is going to have an opinion: "cool", "slob", "show off", "tacky", "IN THE MARKET. So I have eliminated the controversy and confusion. I'm going to nip it in the bud. Try to figure out what look I'm going for next time you see me at a party. I'll be the one without any clothes on.

South Africa, in Eastern Europe? How could I actually worry about the material I covered my body with when all of humanity was crying out for help? And another thing: had "dressing up" ever gotten me any dates? Nope. Dressing down? Yep. Enough said.

But let me make this perfectly clear: I am not a slob. Not really. Not a lot. Not when it counts. I go to a wedding I wear a nice clean dark suit with a very cool silk tie. I shave real close and comb my hair back. If I'm going to a party where I know my parents' friends or their kids will be, I'll dress neatly. I've been trained that way. The many years of "don't embarrass us, we have a reputation, please" has somehow found its way into my brain. And although I don't wear suits at these allegedly informal gatherings, I wear clothes that I consider to be a "fair compromise"; clean pants, relatively clean shirt, "cool" leather or suede jacket, two hundred dollar cowboy boots I got for twenty buck in Mexico. Very cool. "Nobody would be embarrassed to call me their son," I say to myself in the mirror.

The guys at these parties usually dress formal. Even though its supposed to be casual. They just love themselves in suits, in gabardines and button downs, in shiny buckles, matching shoes and belts. To them, its cool. Or maybe they also keep hearing that "don't embarrass us" mantra as they get out of the shower and look into their closets. Whatever their reasons are, they seem comfort-

able and throughout the years, they have become accustomed to my way. "Everybody's cool, man; live and let live." Where we used to give each other funny looks from across the room, we now say "Hey, nice tie" and "Hey, nice jacket," and we move on to other things. No trouble.

But the next time, if my mother should happen to see me on my way out, she'll say "you're wearing that?" Like automatic. And I'll always ask the same stupid question and the oldest conversation in the world will take place: "What's wrong with it?"

"My love," she'll say, "my dear, my son, have some self respect. You're THIRTY years old now. Not seventeen, THIRTY. You have nice suits, nice shirts. Don't you have a razor?"

"But my love," I'll say, "what's wrong with the way I'm dressed?"

"They'll never give you a bride if you're dressed like that."

"Who won't?"

"Nobody."

"That's OK, my dear," I tell her, "I'm not looking for one to be GIVEN to me."

"Well that's good," she'll say, "because nobody is going to give you one."

"Well fine," I'll say, "because I don't want one to be given to me."

"Well good," she'll say, "because you won't get one."

"Oh yes I will," I'll say, "when I want one, I'll TAKE one."

"Oh no you won't," she'll say, "because they won't give you one."

"Well fine --" WAIT A MINUTE! It hurts my head. "Look," I

bunch. Maybe getting accepted to UCLA made me believe that I was actually capable of doing bigger things than balancing debits and credits for my dad for the rest of my life. Or maybe it was because the English department was just so full of the best looking women in school. Who knows why. It was just the right thing to do at the right time. But suddenly the essence of "cool" became divided. My mother didn't think I was such a good boy anymore; she thought somewhere along the road I had fallen asleep. My friend Shahin, along with the rest of our "gang", went off to South Campus with other math and computer science majors, and suddenly I didn't feel too cool. I felt out of it.

On the other hand, my new North Campus Bohemian friends thought I was cool. They sat around all day, smoking cigarettes and drinking coffee, talking about philosophy and poetry, and sometimes they were just so cool that they didn't say anything at all; "too cool for words." And they all dressed in black. And they didn't shave often. And they shunned Calvin Klein and Yves Saint Laurent. Theirs was the "style of the street." They wore clothes from second hand stores. Old bowling shirts and torn jeans -- but with two hundred dollar suede cowboy boots. Cool. And slowly I started to dress that way.

My "dressing down" period. I dressed down. And down... and down. It was cheap and it was easy and the more I did it, the cooler and easier I felt. And the situation became even cooler (or more "aggravating"

if you take my mother's side) when I moved out. Without her there to censor me each morning, I became my own censor, and that is to say Non Censor. There was no limit to how low, how down a guy like me could dress (although recently my loving brother-in-law mentioned something about my having "hit the bottom"). I got to the point where I'd get up in the morning and put on whatever was within reach, in front of my bed when I stood up. I'd wear the same pants and shirts day after day until somehow they got kicked away and into the mailbag where I kept my dirty clothes. And this was the pattern until my drawers would be empty and the mailbag would be full and I'd have to put on my old ripped paint-stained-no-longer-elastic sweat pants and an old sweat shirt and go off to do the laundry.

There's no real explanation for it. As a matter of fact, if it wasn't for my mother's constant complaining whenever she saw me, I'd never have noticed the slow transformation, the metamorphosis, from "a nice boy with good clothes" to "the slob with the hole in his pants." Maybe I just started thinking I was too cool to worry about the way I dress. Maybe I thought that spending too much energy on matching shoes and belts showed a certain vanity that had become "Passe". Uncool. Geeky, even. Maybe my mind was too full of more important things in life, having become a "poet of the people". Wasn't there human suffering, dude? Weren't bombs exploding all over the globe, man? Death squads in Central America, in

By: Michael Shokrian

T H I R T Y
AND IN THE MARKET



I have a problem. Or, I should say, another problem besides the one I've had for about twenty years concerning my identity: "Am I Iranian, am I American, am I both? Who do I root for if it ever happens that both Iran and U.S. actually qualify for the World Cup?" (I've been rooting for West Germany, my birthplace, as a solution). But the problem that I'm thinking of now is different: I can't tell if I', "Mister Cool Guy" or "Mister Freak". Maybe the answer lies in the way we all choose to look at it.

There was a time when I thought I was cool and so did my parents. In high school. Senior year. I dressed real well. Real neat and clean and even hip, and my friend Shahin and I spent all our money on clothes. I worked for my dad in his office and every other Friday, payday, Shahin and I would go to Westwood and we'd

buy shirts by Yves Saint Laurent; pants by Calvin Klein. We bought matching belts and shoes. We were cool. Even my mother thought so. "What a good boy. Look at how much attention he pays to his clothes and his neat hair. A good boy." And she was right. I was a good boy. Got good grades, had good Iranian friends, had future in the family business. Mainly, though, I had shirts by Yves Saint Laurent and pants by Calvin Klein.

Then something happened. Instead of going to Northridge like I had originally planned, I somehow and very unexpectedly got accepted into UCLA. And instead of studying Mathematics and Business Administration, I somehow decided to write. "To be a writer." I don't know what came over me. Maybe it was all those "artsy-partsy" friends my sister hung out with at North Campus, The Bohemian

all the money Israel receives from all U.S. charities combined multiplied by ten.

GUITTA: I have heard you say that WAIPAC membership was down this year. Do you attribute it to the present peace process?

RITA: I attribute it to many things. Lets face it, the economy is very bad. Then we had the earthquake. But I do think that people believe "I don't have to help Israel. It's so far away and there's peace there now," not realizing that there is no such thing as "peace".

Right now we have a problem all over the world. It isn't just the Israelis that are being targeted, it's Jews. Look at the bombings in Argentina and London. We don't know where it will be next. I think we had better waken up and see what we can do for ourselves.

GUITTA: Rita, what woke you up to the magic of political power?

RITA: The roots were in my childhood in Europe during the war. If I know nothing else, I know that Jews need to be verbal. We cannot take our freedom for granted. We have to work at it constantly. Doing charity work and participating at temple is not enough. This is a political world and we must have political power to survive.

GUITTA: I would love to share the story of your childhood and your experiences with our readers. I know they're fascinating. May I reserve space for a future article with you?

RITA: That would be fine.

GUITTA: I so enjoyed our talk. I speak for all the members of WAIPAC when I say how proud we are to have you as our President, and how much we all love you. You are special, Rita. Thank you for all that you do.

RITA: Thank you very much. It was a pleasure.

خدمات بیمه و مالی اسحقیان

مشاور و راهنمای صدیق شما در امور بیمه و وام

16200 Ventura Blvd, Suite 201
Encino, CA. 91436

(818) 906 - 3666
(310) 470 - 6938
Fax: (818) 783 - 4312

searching for new members at all levels. And I know WAIPAC is appreciative of people who volunteer their home for meetings with speakers whom we bring. And the men can stay and listen. Right?

RITA: Absolutely. We would ask that Iranians allow us to use their home for an evening and invite their friends, men and women, to hear about WAIPAC and the importance of what we do or come to one of our meetings. We recently had Diane Feinstein at a home and 150 people attended. The men came to me to say they asked their wives to upgrade their membership.

GUITTA: Maybe we ought to create a corollary PAC and call it "Men's Alliance for Israel".

RITA: I'd love to organize the men. But actually, even with "Women's Alliance for Israel" the men can be and are involved. Many of the men who have gone to one meeting are very interested in coming again and can't wait until the next one. And, if they can't attend, I would ask that they join anyway and contribute as much as they can to help the friends of Israel. By the way, all funds raised go 100% to the candidates.

GUITTA: Rita, do you feel secure that the U.S. Congress will continue to support Israel in the immediate future?

RITA: Only if we continue to get our friends in the House and Senate re-elected. Please realize that there are states that don't have many Jewish people, so Israel is not their priority. When the Senator

from Montana spoke to 148 members of WAIPAC he said, "Ladies, in my entire state I don't have as many Jewish people as I'm seeing right now." His constituents are very much against him voting for foreign aid. We have to realize we have states that say "You're giving away my money. I'm a farmer, bring the money to me, I don't want you to give it to this far away Jewish country that doesn't mean anything to me." These people just don't understand that giving foreign aid to Israel is good for the U.S. So we see to it that the Senator is educated. He is taken to Israel so he can see what the area looks like and he can see for himself the problems that exist in the Middle East. Then he comes home and says, "Okay, you've educated me. But if you want me to vote for foreign aid against the wishes of the people of my own state who don't understand the importance of Israel, I need money to get re-elected. You've got to help me." So we help him.

GUITTA: Rita, a lot of our readers are involved in Jewish charities. Why isn't that enough?

RITA: I am very active in my temple and I belong to B'nai B'rith, Hadassah; I raise money for UJA and I contribute money. But charities are not the government. No matter what you do for charities, it is not going to give you the power you have when you are able to align your interests with congressmen. When the U.S. Congress votes funds for Israel, the amount of money sent to Israel is hundreds and thousands of times greater than

little as it is, that the U.S. can count on. In time of need, the U.S. can go into Israel with men and planes and know that in Israel we have a base. The U.S. has no one in the entire area except Israel.

GUITTA: Rita, if there are pro-Israeli PACs like WAI, there must be pro-Arab PACs as well.

RITA: There are too many to count. They are becoming very effective, very brilliant, and very sly. I get a packet from AIPAC twice a week, telling me what the Arab community is doing. The opposition's propaganda is not to be believed. It is scary. The pro-Arabs, are whipping up the citizenry into a frenzy of opposition against Israel. They try very hard to unseat our helpful Congressmen and Senators by pouring money into the opposition campaign.

GUITTA: Latino power, Arab power...

RITA: Unfortunately, Jewish people don't always realize how lucky we are that somebody paved the way for us to obtain political power. But we are not going to hold on to it if we don't fight to preserve it because other groups have found out how we did it and they are starting to follow our example and they are our competition now. And be assured that the opposition is getting very strong, verbal and vitriolic. They say horrible things against Israel and against Jews.

GUITTA: How many members does WAIPAC have today?

RITA: About 550. We have some wonderful women. At the research committee meetings we have a professor, a few lawyers like you - and you're the research committee Associate Chair, of course. We have members who sit on the Beverly Hills Council, we have Lea D'Agostino, a deputy district attorney running for Los Angeles council as Research Vice President. We have women, I'm very proud to say, who care. We have a Republican director, and a Democratic director.

GUITTA: What are some ways in which our Iranian readers might be able to contribute?

RITA: I would like them to come to one of our teas and join us as we meet candidates.

GUITTA: When is your next tea?

RITA: We had a tea just before the elections, and invited Linda Byrd Johnson Robb who came and spoke to us. She is the daughter of ex-President Johnson's and married to Senator Chuck Robb of Virginia who was running against Oliver North in a very important race, important to Californians and all Americans. The extreme right wanted North in. Fortunately, Chuck won the election. Linda was a very good speaker. We really enjoyed her talk on her life in politics. As far as our next tea, nothing is set now, but if readers contact you, Guitta, perhaps you can give them information about the next tea when we schedule it, and/or information about joining WAIPAC.

GUITTA: That's fine. Like all members of WAIPAC, I'm always

draw people to come and join us.

GUITTA: Tell us about the several tiers of membership.

RITA: Membership fees are annual. General Membership is \$100; Sponsor is \$200; Benefactor, \$500; Sustainer, \$750; Founder is \$1000, and Founder Plus is anything over \$1000. We depend mainly on our upper echelon of membership because we wouldn't have \$5000 to give to those we support if we didn't have the upper echelon funds coming in. But we encourage \$100 members also. One wonderful, democratic thing about WIAPAC is that all members at whatever level of membership have an equal right to come to our research committee meetings, listen to the report on the candidates' background then discuss their views and finally vote on funds for each candidate. We sometimes have 30 women or more present at our research committee meetings. I wouldn't belong to a PAC that didn't vote funds democratically. That wouldn't be right.

GUITTA: And I can vouch for some of the most interesting debates at the meetings with women arguing two sides of the fence. Rita, how much of an impact do you think a check for \$2500 or \$5000 or even \$10,000 truly makes in a campaign?

RITA: Maybe not a lot. But understand, we are not the only pro-Israel PAC. There are many Jewish PACs all over the United States that are single issue, for Israel, and there are those amongst these PACs who give very heavily to candidates that are pro-Israel.

GUITTA: I suppose this financial support of political candidates is one aspect of this country's system of "checks and balances" where the "checks" direct the votes to "balance" WAIPAC's interests.

RITA: And they know it very well. Now if you or I individually sent a senator some money because we believed that he or she was a good senator she would have no idea why we sent it to her, or what support we expected of her. But when we send Senator Feinstein a check from the "Women's Alliance for Israel" there is absolutely no doubt about what our issue is. And with our check goes a letter that says, "Thank you for being a friend to the pro-Israel community."

GUITTA: It's fascinating to consider that our support of a congressman in Nebraska can benefit Israel; that we can actually form U.S. foreign policy.

RITA: Yes, it is and we do. We hope that the congressman we support will speak from his heart in Congress or the Senate motivating other congressmen and senators to vote pro-Israel too.

We hope foreign aid to Israel will continue, and that the U.S. will not fund enemies that could bomb or hurt Israel. We feel that senators and congressmen should support Israel not only because the Jewish community wants it, but because it's good for the U.S. Israel is the only democracy in the Middle East, surrounded by kingdoms and dictatorships. It's the only country, as

like Foreign Aid or Appropriations, or Defense. But when we decide how much to contribute to a campaign, we do take into consideration that both candidates are pro-Israel.

For example, we look at Congressman Gejdenson, a wonderful Jewish guy from Connecticut who had a terrible race he was liable to lose. We need someone like him desperately in Congress. He is an extremely high-powered man in the Appropriations Committee and in Foreign Aid. He doesn't just help us with Israel, he helps us with the Jewish community overall. We won by something like 4 votes and as we speak, the Republicans are calling for a recount. His opposition represented Latinos who now want political representation. And they had a lot of money behind them because you need big money to get your person into the Senate or Congress.

GUITTA: Where do you get your information from?

RITA: I get a stack of mail at least a foot tall every week. But we get the majority of our information from the American Israel Public Affairs Committee (AIPAC), one of the most important organizations that your community leaders definitely should keep abreast of. They talk to Rabin regularly, they know exactly what's going on. There's a close bond with Israel.

GUITTA: I know that AIPAC has all this wonderful information but can't legally support candidates.

RITA: That's right. AIPAC may only gather information. They

send us a complete voting record of the candidates. WAIPAC can see that the candidate voted for foreign aid for Israel and that he voted that Jerusalem be declared the capital, and he voted for Israel consistently. Or I can get a printout that a candidate voted against foreign aid, and he voted against Israel then we support the other side.

GUITTA: Why do you gear yourself only to women?

RITA: We don't, I often wish we could change our name and call it something like "Alliance for Israel". But the women were afraid that the men would take over. We have many men who give us very large amounts in their wives' names. Men more readily understand how political action works and its importance. Perhaps in the Iranian community you have the same problem because the women haven't been exposed to political power. If so, it's not unique to the Iranian community. Younger women are more liberated, especially the ones who have a position. They better understand that they have to become politically involved. We approach women of all cultures with this suggestion: Buy one pair of shoes less or one pair of earrings less a year and do something with the money that's really worthwhile: get involved in the political process.

GUITTA: WAIPAC doesn't have fund-raisers.

RITA: No. Our funds come only from increasing membership and making sure members renew annually. We have candidates come speak to us at teas to

He had no appointments in his book, no other commitment and he could have seen them. But he called his good friend, Henry Morgenthau, who told him not to make a big deal about it and to just leave through the back door, and that's what he did. You see, there was no Jewish power.

GUITTA: But Morgenthau was Jewish.

RITA: Of course. But in those days nobody wanted to make waves. "Don't call attention to your Jewishness." "Don't attract attention." Well it just does not work to be silent.

GUITTA: And today? What is Jewish power today?

RITA: Today if 50 rabbis come to the congressional steps they will be ushered into the Oval Office and it will be plastered all over the world and shown on CNN, and that's power. We have to see to it that we keep that power and never go back to those silent years. Today we have 7 Jewish senators. I think we have 26 Jewish Congressmen. That's unheard of and fantastic. Today I call up a Senator or Congressman - he may not be Jewish, but he takes my call because WIAPAC is supporting him and so he is responsible to us. WAIPAC has political power.

GUITTA: Many WAIPAC members make an annual pilgrimage to Washington D.C. to meet and speak with members of Congress. Do the congressmen know you're coming and seek you out?

RITA: 2500 people from all over the U.S. come to the AIPAC

convention in Washington D.C. every spring. The most powerful people in our government ask to speak to us, or we go to them and hold meetings and tell them what's on our mind. Now that's power finally.

GUITTA: Does the money you give a candidate go on record?

RITA: Yes. As a PAC, we are a legal entity, recorded with the Federal Exchange Commission which we report to 5 times a year. Anybody can go to the FEC and ask for report showing who has funded a candidate. So, to negative things I hear said about PACs, my answer is that PACs are the best way of knowing who is giving politicians money, influencing them.

GUITTA: How do you decide which of two candidates to support? Whom would WIAPAC support if a pro-Israel incumbent were being opposed by an equally pro-Israel candidate?

RITA: We examine an incumbent's voting record on Israel, see what committees in Congress he or she sits on, find out what we can about his opponent's stand on Israel, see how much money they each have available to them for the campaign, and their chances for re-election. We support the incumbent with a good voting record because he is a known friend of Israel and we want to show him our support. It is very important for Congressmen and Senators to know that we will always support our friends. Also, incumbents generally wield more power in Congress, have seniority and might be on key committees,

GUITTA: Rita, you are in your second term as President of WAIPAC. You are effective and highly respected for the work that you do. What does it take to be so successful as President of WAIPAC?

RITA: Very hard work and a supportive husband. Jack has a picture of me with three phones coming out of each of my ears

GUITTA: How did Woman's Alliance for Israel come to be?

RITA: WIAPAC was founded in 1989. Our idea was for women all over the US to ban together and create a PAC to address the welfare of Israel.

GUITTA: What is a PAC?

RITA: A PAC is a Political Action Committee, a group of people who ban together for a political purpose. WAIPAC's purpose is to support candidates to the U.S. Senate and Congress who help Israel. The core of WAIPAC is its Research Committee which reports on each candidate. Members then discuss their ideas and vote on how much money - if any - WAIPAC will contribute to each of the candidates on the roster. WAI is a "single-issue PAC" because we look only to the welfare of Israel and not other issues like gun control, abortion. We are bi-partisan so we don't align ourselves with one political party. WIAPAC routinely scrutinizes the voting records of congressional incumbents to ensure not only pro-Israel oratory, but pro-Israel voting.

GUITTA: With so many issues of importance today, it would be

difficult to get so many women to agree on more than one issue at a time.

RITA: Yes. Take a man like Orrin Hatch, the Republican Senator from Utah. Utah is a Mormon state, and no one there is going to support a pro-choice candidate. But Senator Hatch is just wonderful, votes for foreign aid to Israel, votes for all the things we want for Israel so we support him.

GUITTA: Rita, I sit on the Board of Directors of WIAPAC. I know you give tirelessly of yourself awakening people to the power they have to effect what goes on in the world they otherwise often relate to in a disassociated way, which they term "politics".

RITA: Let me tell you a story Larry Weinberg told me, probably the most powerful man in Los Angeles, who with his wife were amongst the originators of AIPAC in L.A. Larry was in the army and was at the liberation of Buchenwald. A Jewish inmate there asked Larry "Are you a Jew?" Larry said, "Yes", and the prisoner spat in his face and said, "You come too late." Larry never forgot that; it was such an emotional experience. He set out to give U.S. Jews political power.

During World War II, 50 Jewish rabbis stood on the steps of Congress waiting for an audience with President Roosevelt to petition him for the release of 10,000 trucks to Hitler in exchange for saving 10,000 German Jews. President Roosevelt refused to see them.

RITA SINDER
PRESIDENT,
WOMEN'S ALLIANCE FOR ISRAEL



Rita Sinder, Former Senate Candidate from Ohio, Joel Hyatt, Guitta Karubian and Mr. Hyatt

Women's Alliance for Israel (WIAPAC) was founded in 1989. It is a Political Action Committee, or "PAC", focussing on a single issue, namely financial support of pro-Israeli congressional candidates across the United States. WIAPAC's Board of Directors and its Advisory Board are composed of many of the most prominent activists in the Los Angeles community. These brilliant women are directed in their WAIPAC's efforts by their President, Rita Sinder now in her second term.

Attractive, vivacious and focussed, Rita Sinder has always been involved in promoting Jewish wellness. She has been active in Israel Bonds, was past President of the Golda Meir Club and presently sits on the L.A. Board of AIPAC (American Israeli Public Affairs Committee). She is also a founder of the University of Judaism's Wagner Program.

Recently, Rita agreed to meet with Shofar. We spoke for a much longer time than expected with a most interesting woman discussing both WAIPAC and Rita's personal background and experiences full of fascinating stories. With her permission, Shofar has chosen to present our interview in two parts. In this first segment, we introduce our readers to the Women's Alliance for Israel, in the hope that the Iranian community will pool its abundant resources with WIA towards attaining goals common to all pro-Israelis.



IRANIAN-AMERICAN JEWISH FEDERATION



AN AFFILIATED ORGANIZATION OF
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES

فدراسیون یهودیان ایرانی

سازمانی است غیر انتفاعی که هدف آن پشتیبانی و حفظ یگانگی جامعه یهودیان ایرانی میباشد. اگر شخصا فرصت همکاری با ما را ندارید، اعانات شما (که قابل کسر از نظر مالیاتی میباشد) میتواند ما را یاری دهد.

سایه فیلم

انجام کلیه کارهای عکاسی و ویدیو

منصور پور اتحاد مدیر فتو آسیا - تهران

شماره ۳۵۱ رابرتسون جنوبی - بورلی هیلز

تلفن: (310) 652-3333

**SHAMMY'S MARKET
DELI & VIDEO**



(818) 883-9811

22140 Ventura Blvd., #5, Woodland Hills, CA 91364

شامیز مارکت

یک مارکت نمونه ایرانی با

لذیذترین و خوشمزه ترین

ساندویچ های ایرانی و

آمریکائی در وودلندهیلز آباد.

(۸۱۸) ۸۸۳-۹۸۱۱

اطلاعیه مهم

داروخانه های سنچری

انتظار ها پایان رسید

هموطنان عزیز منطقه ((ولی)) شعبه سوم داروخانه های سنچری بمنظور
برآورده کردن نیازهای داروئی و بهداشتی شما در خیابان شرمین وی
جنب میلرز مارکت افتتاح شد

داروخانه های سنچری داروخانه مورد اطمینان جامعه ایرانی

۷۰۸-۷۰۸(۸۱۸)

18254 Sherman Way

جنب میلرز مارکت

۱۵۶۸ - ۴۷۳ (۳۱۰)

۱۱۸۷۰ بلوار سانتامونیکا، سوئیت شماره ۱۰۸

مجتمع ساختمانی صورتی رنگ

۵۹۹۹ - ۲۴۶ (۳۱۰)

۴۱۵ کیرسنت شمالی در مدیکال بیلدینگ

روبروی شهرداری بزرگی هیلز



K. BANAYAN & ASSOCIATES
ATTORNEYS AT LAW



دفتر حقوقی

کورش بنایان

وکیل رسمی دادگستری آمریکا

دکترای حقوق از آمریکا

فوق تخصص حقوق بین المللی از انگلستان

امور ملکی ، تجاری (تاسیس شرکت ها ، تهیه و تنظیم
اساسنامه و قراردادها) ، دعاوی داخلی و بین المللی

تصادفات و خدمات بدنی

(310) 785-0800

1801 Century Park East, Suite 1460, Los Angeles, CA. 90067

Facsimile (310) 785-3908

Design: Saad Bladat

ADDRESS CORRECTION REQUESTED

S H O F A R
IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 811
Los Angeles, California 90048

Non-Profit Org.
U.S. Postage
PAID
Beverly Hills, CA
Permit No. 236